کتاب هفته

ISSN:1029-3345

شنبه ۱۶ خرداد ۱۳۸۳
۱۶ ربیع‌الثانی ۱۴۲۵، ۵ ژوئن ۲۰۰۴
شماره ۱۸۰ ، پیاپی ۵۶۷
۳۲ صفحه، ۱۰۰ تومان

www.ketabehafteh.com

به بهانه انتشار شناخت ادبیات کودکان: گونه ها و کاربردها از روزن چشم کودک

برای کودکان

◆ ثریا قزل‌ایاغ: از عمر ادبیات کودک در جامعه ما ۸۰ و از تدریس آن ۵۰ سال می‌گذرد اما بعد از ۵۰ سال، هنوز از نظر متن درسی در این حوزه بسیار فقیر هستیم

کتاب «شناخت ادبیات کودکان: گونه‌ها و کاربردها از روزن چشم کودک» به ابتکار «مؤسسه فرهنگی، هنری خانه ترجمه کودکان و نوجوانان» به عنوان یکی از معدود کتاب‌های مرجع در حوزه «شناخت ادبیات کودکان» منتشر شد.

دونا نورتون، نویسنده کتاب، استاد دانشگاه AM تگزاس و برنده جایزه «موفقیت برجسته در زمینه تدریس» است. این کتاب که حاصل سال‌ها تجربه، پژوهش و تدریس او در کودکستان، مدارس ابتدایی و البته دانشگاه است، در ایران توسط گروهی از مترجمان صاحب‌نظر، ترجمه و با چاپ نفیس و جلد گالینگور در دو جلد به بهای ۱۸۰۰۰۰ ریال به بازار عرضه شده است. کتاب ۱۲ فصل دارد که هشت فصل آن (از فصل ۳ تا ۱۲) مشتمل بر دو بخش است: بخش نخست ویژگی‌ها، تاریخچه و عنوان‌های گونه‌های ادبی را به شکل ریشه‌ای مورد بحث قرار می‌دهد و بخش دوم راههای جلب کودکان به ادبیات را ارائه می‌کند و شاید به همین دلیل دو واژه «گونه‌ها و کاربردها» از سوی مترجمان، به عنوان اصلی کتاب (An introduction to childrens literature: through the eyes of a child) افزوده شده است. در هر فصل از کتاب «شناخت...» نویسنده علاوه بر مطالب اصلی به اینکاراتی چون: ارائه بحث‌های باز (بدون نتیجه‌گیری)، طرح دیدگاههای صاحبنظران (نویسنده، تصویرگر، ناشر یا کتابدار)، توجه به ادبیات چندفرهنگی و ارائه مطالب از روزن چشم کودک دست زده است. در آخر باید به تصویرهای متعدد کتاب اشاره کرد که درک مطالب را آسان می‌کند و نیز نمونه‌های فراوانی که اگرچه، به طور طبیعی، از ادبیات کودکان کشور نویسنده- آمریکا- برگزیده شده‌اند برای خواننده ایرانی نیز خالی از فایده نیستند.

۱۴

در گفت‌وگو با ابوالقاسم ایرجی

معافیت مالیاتی ناشران کتابفروشان، نویسندگان و مترجمان

پس از مدت‌ها تلاش و پیگیری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سرانجام قانون معافیت مالیاتی کلیه کنش‌گران حوزه نشر، مطبوعات و دیگر بخش‌های فرهنگی و هنری کشور در هر یک از مراحل تولید، توزیع و پخش به تأیید سازمان امور مالیاتی کشور (وزارت اقتصاد و دارایی) رسید. از همان ابتدا چشم‌انداز این قانون در مشمولیت فعالیت‌های متمرکز نشده...

۱۲

ماجرای یک کتاب

روزنامه نگاری نوین

ماجرا از وقتی شروع شد که شرکت تعاونی خدمات آموزشی کارکنان سازمان سنجش آموزش کشور و سنجش تکمیلی ناشر کتاب «روزنامه‌نگاری» (آیین روزنامه‌نگاری و خبرنویسی) تألیف فریبا صیاد و دکتر علی‌اکبر فرهنگی را در سال ۱۳۸۱ وارد بازار کرد.

۹

سرشتِ انکارشدهٔ جنوبی

دیدار با محمد ایوبی به بهانه چاپ رمان‌های جدیداو

در نمایشگاه کتاب امسال رمان سه جلدی محمد ایوبی منتشر شد. این داستان‌نویس نام‌آشنای معاصر، در آخرین دستاورد خود «آواز طولانی جنوب» را به طبع رسانده و در آنها از ستم و گرسنگی و جنگ می‌گوید.

۱۰

حرفه دائمی اش نمایش بود

۱۶

در باره اثر جورج اورول

۱۳

نشر الکترونیک

گفت‌وگو با مسؤول بخش تولیدات رایانه‌ای مرکز سرکرمی‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

۲۲

تدوین برای ایرانی ها

گفت‌وگو با بهزاد رحیمیان به بهانه انتشار جلد سوم راهنمای فیلم سینمای جهان

۱۷

کتاب نذر آستان مقدس می کنند

◆ شهرری: بیشترین سهم از کتابخانه عمومی

۶

گزارش

◆ از مخبرالدوله تا بهارستان

۱۹

نمایشگاه کتاب در مرقد امام(ره)

گروه خبر کتاب هفته: همزمان با سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) نمایشگاه کتاب در حرم مطهر امام(ره) برپا شد.

این نمایشگاه ۵ هزار عنوان کتاب درباره انقلاب اسلامی، زندگی، شخصیت، اخلاق، عرفان و مبارزات امام(ره) و آثاری با موضوعات تاریخ، ادبیات، دین، فلسفه و علوم اجتماعی را از ۲۰۰ ناشر کشور در معرض دید علاقه‌مندان قرار داد.

نرم‌افزارهای علوم اسلامی، سی‌دی‌های مربوط به سخنرانی، زندگانی و شخصیت امام خمینی نیز در این نمایشگاه ارائه شد و نمایش فیلم و برپایی نمایشگاه آثار هنری درباره امام(ره) از دیگر برنامه‌های این نمایشگاه بود.

این نمایشگاه از سوی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ۱۴ تا ۱۵ خردادماه به‌صورت شبانه‌روزی در مرقد امام(ره) دایر بود.

تعامل فرهنگی ایران و بلاروس

گروه خبر کتاب هفته: احمد مسجدجامعی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با سفیر بلاروس در ایران دیدار و گفت‌وگو کرد.

مسجدجامعی در دیدار با لئونید راجکوف، سفیر بلاروس گفت: در تلاش هستیم هفته فرهنگی ایران در بلاروس با کیفیت بالا برگزار شود.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اجرای گسترده برنامه‌های هنری، موسیقی، نمایشی و ارائه هنرهای تجسمی را از جمله برنامه‌های هفته فرهنگی ایران در بلاروس ذکر کرد. سفیر بلاروس در ایران نیز با اشاره به برگزاری هفته فرهنگی هنرمندان بلاروس در ایران اظهار کرد: این هفته فرهنگی در ایران با استقبال مردم ایران روبه‌رو شده است و امیدوارم هفته فرهنگی ایران در بلاروس هفته پایانی خردادماه برگزار شود.

مجوز ۲۹۸ عنوان کتاب در یک هفته

۲۹۸ عنوان کتاب در هفته منتهی به ششم خردادماه ۸۳ مجوز انتشار دریافت کردند.

هیأت نظارت بر اجرای ضوابط نشر کتاب آمار موضوعی صدور مجوز این کتاب‌ها را به شرح زیر اعلام کرد: کمک‌درسی و آموزشی ۲۷/۸۵ درصد، ادبیات ۳۳/۸۲ درصد، دانشگاهی ۱۴/۰۹ درصد، روانشناسی ۱۰/۷۳ درصد، دین و فلسفه ۹/۷۳ درصد، علوم اجتماعی ۹/۰۶ درصد، تاریخ و جغرافیا ۳/۳۵ درصد و علوم انسانی ۱/۳۴ درصد.

در هفته مزبور همچنین ۲۴۳ عنوان کتاب (اعم از چاپ اول یا چاپ‌های بعدی) در دبیرخانه هیأت براجرای ضوابط نشر کتاب اعلام وصول شده است.

انتشار ۷۴۸ عنوان کتاب در هفته اول خرداد

گروه خبر کتاب هفته: ۷۴۸ عنوان کتاب در هفته اول خردادماه جاری منتشر شد.

به گزارش روابط عمومی خانه کتاب از بین کتاب‌های منتشر شده ۴۲۸ عنوان (۵۷ درصد) چاپ نخست و ۳۲۰ عنوان (۴۳ درصد) چاپ مجدد، ۵۰۴ عنوان (۶۷ درصد) تألیف و ۲۴۴ عنوان (۳۳ درصد) ترجمه بوده است.

ادبیات با ۱۷۷ عنوان بیشترین تعداد این آثار است و پس از آن به ترتیب موضوع‌های علوم عملی با ۱۴۹ عنوان، علوم طبیعی و ریاضیات با ۹۹ عنوان، علوم اجتماعی با ۸۰ عنوان، دین با ۶۱ عنوان، زبان با ۵۷ عنوان، فلسفه با ۳۸ عنوان، هنر با ۳۶ عنوان، تاریخ و جغرافیا با ۳۲ عنوان و کلیات با ۱۹ عنوان قرار گرفتند.

بر اساس آمار موجود در بانک اطلاعاتی خانه کتاب این کتاب‌ها در شمارگان ۳ میلیون و ۱۸۰ هزار و ۹۰۰ جلد منتشر شده و شمارگان متوسط هر عنوان ۴۳۳۷ جلد است.

همچنین ۳۲ درصد این کتاب‌ها برای کودکان و نوجوانان و ۱۵ درصد کمک‌درسی و آموزشی هستند.

در این هفته بیشترین چاپ کتاب در تهران از انتشارات «آموزش فیزیک» با ۳۴ عنوان و در شهرستان‌ها، انتشارات «سایه گستر» از قزوین با ۱۴ عنوان بود.

بیشترین تألیف از «فرید شهریاری»، ۲۴ عنوان با موضوع کمک‌آموزشی و درسی و بیشترین ترجمه از محمود سالک با ۱۲ عنوان در موضوع علوم عملی بوده است.

نخستین همایش اولویت‌های پژوهشی در بخش فرهنگ

گروه خبر کتاب هفته: نخستین همایش اولویت‌های پژوهشی در بخش فرهنگ با حضور معاون اول رئیس جمهوری، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از مسؤولان فرهنگی و استادان و صاحبنظران برگزار شد و ضرورت پژوهش کتاب از جمله مباحثی بود که در این همایش مورد تأکید قرار گرفت.

معاون اول رئیس جمهوری: اهمیت به پژوهش‌های فرهنگی از اولویت‌های دولت است

«پژوهش در فرهنگ از اولویت‌های پژوهشی و اهمیت دادن به پژوهش‌های فرهنگی از اولویت‌های دولتی است.»

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهوری، با اشاره به سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور گفت: با برنامه‌ای که تدوین شده ایران از آغاز سال ۱۴۰۰ه.ش باید به یک کشور توسعه‌یافته تبدیل شود و در این سند نیز نگاه ویژه‌ای به موضوعات علمی و فرهنگی شده است.

وی افزود: در اجرای سه برنامه توسعه کشور، مشخص شد که مزیت کشور ما منابع طبیعی نیست بلکه وجود نیروی انسانی است ولی با توجه به توسعه‌های کمی، در آستانه برنامه چهارم، بسترسازی لازم و زیربنای مناسب برای توسعه فرهنگی و علمی کشور داریم.

عارف در پایان سخنان خود اظهار کرد: بنای دولت بر این است که تا پایان برنامه چهارم سهم تحقیقات در تولید ناخالص ملی را به ۲/۵ درصد برساند.

مسجدجامعی: پژوهش فرهنگی جایگاه خود را در جامعه یافته است

«توجه به پژوهش‌های فرهنگی به‌عنوان یک بخش مستقل در کنار سایر رشته‌های پژوهشی ضروری است و توانسته جایگاه خود را در جامعه پیدا کند.»

احمد مسجدجامعی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در سخنرانی خود در نخستین همایش اولویت‌های پژوهشی در بخش فرهنگی ضمن بیان مطلب فوق به تنوع سلیقه‌ها، برداشت‌ها و دریافت‌ها در جهان امروز اشاره کرد و گفت: پژوهشگران فرهنگ بیشترین حضور را در این حوزه خود بر عهده دارند و با ارائه یک نگرش علمی از فضای جامعه مسأله‌یابی و ارائه راهکار می‌توانند به رشد و توسعه همه‌جانبه کمک کنند.

وی تأسیس بنیادهای پژوهشی، ارائه تحلیل از وضعیت انتشار نشریات و همکاری بین‌المللی را از عوامل زیربنایی در پژوهش‌های فرهنگی برشمرد و گفت: ایران دارای توانایی و ظرفیت بالایی برای در دست گرفتن مدیریت پژوهشی در سطح منطقه است.

مدیرگروه پژوهشی کتاب: کتاب یک پدیده مطرح اجتماعی است

بحث کتاب در هر تحول اجتماعی مطرح می‌شود و در نتیجه به‌عنوان پدیده مطرح اجتماعی شناخته شده است.

عباس حری، مدیر گروه پژوهشی کتاب ضمن بیان مطلب فوق، درباره ضرورت تشکیل گروه پژوهشی کتاب گفت: در مجموع آنچه درباره کتاب در بانک‌های اطلاعاتی مختلف موجود است، بسیاری از پاسخ‌های جامعه در باب کتاب پاسخ داده نشده است. لذا از متخصصان کتاب دعوت کردیم تا از میان مسائل مختلف، مسأله‌شناسی کنند.

حری افزود: در اولین جلسه، شش بعد رویکردی به کتاب شامل بعد رسانه‌ای، فنی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و حقوقی تعیین و در نهایت این تصمیم اتخاذ شد که گروه بر اساس کارهایی که تاکنون انجام شده و نیاز جامعه، مسأله‌یابی کند؛ محققان هر حوزه را بشناسد و موضوع را برای تحقیق به آنان سفارش دهد و در پایان یافته‌های هر تحقیق را به‌صورت راهکاری به مسؤولان ارائه دهد تا در تصمیم‌گیری‌ها از آنها استفاده کنند.

اولین حرکت گروه را مخاطب‌سنجی و نیازسنجی عنوان و اظهار کرد: در نگاه به کتاب، استفاده‌کننده یعنی کاربرد مطرح است تا عواملی که برای خواندن گرایش ایجاد می‌کند و رویکردهایی که نیاز به‌وجود می‌آورد شناخته‌شده و به نظام نشر منتقل شود.

حری در ادامه سخنانش سیاست نشر را از محورهای تحقیق برشمرد و گفت: در این حوزه سؤالات زیادی مطرح است مانند این که آیا سیاست باید از جمع تولیدکنندگان اتخاذ شود یا از بالا القا شود؟ حمایت دولت از نشر امری میمون است و آیا تعهاتی دارد؟ چرا در کشور ما ترجمه بر تألیف غالب است؟

حری محور مسائل حقوقی نشر را گلوگاه عمده نشر دانست و موضوعاتی همچون چگونگی اجرای قوانین کشور و پیوستن یا نپیوستن ایران به قانون کپی‌رایت جهانی را مطرح کرد.

وی اقتصاد نشر را نیز اولویت بعدی در عرصه پژوهش کتاب ذکر کرد و گفت: سرمایه‌گذاری در فرآیند کتاب از مؤلف تا مخاطب واقعی نیست زیرا هزینه هیچ کدام برنمی‌گردد. حری در بخش دیگری از سخنان خود درباره تعامل کتاب با سایر رسانه‌ها اظهار کرد: رابطه میان کتاب با سایر رسانه‌ها باید به جای رقابت، بر پایه تعامل باشد تا به رواج یکدیگر مدد رسانند. تعامل پویای کتاب با سایر رسانه‌ها، توهم مرگ کهکشان گوتنبرگ را از بین می‌برد.

حری درسنامه‌ها یا به اصطلاح متون درسی را طرحی کلی برای راهگشایی به عرصه گسترده‌تری دانست که بر عدم انتقال بسته‌بندی شده مفاهیم علمی به دانش‌آموز و دانشجو تأیید کرد. وی همچنین از شاخص‌های ارزیابی کتاب به‌عنوان محور دیگری برای پژوهش کتاب یاد کرد.

وی در پایان سخنانش به کتاب به عنوان یک عنصر تعیین‌کننده فرهنگ اشاره کرد.

پایان کار همایش

نخستین همایش اولویت‌های پژوهشی در بخش فرهنگ، عصر روز شنبه نهم خردادماه با سخنرانی محمد سمیعی دبیر علمی این همایش به کار خود پایان داد.

محمد سمیعی در سخنان خود این همایش را حاصل تلاش ۱۵۰ نفر از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه در ۹ ماه برشمرد و گفت: مجموعه مباحث ذکر شده در کنار اولویت‌های پژوهشی گروه‌ها به‌صورت مجلدی حداکثر تا ۲ ماه آینده منتشر خواهد شد.

نخستین همایش اولویت‌های پژوهشی در بخش فرهنگ، همایشی یک روزه بود که روز شنبه ۹ خردادماه در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی توسط پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات برگزار شد.

سمینار طرح جامع توسعه کتابخانه‌های عمومی برگزار می‌شود

گروه خبر کتاب هفته: سمینار «طرح جامع توسعه کتابخانه‌های عمومی، شناخت وضعیت موجود و تحلیل آن» با حضور اساتید و کارشناسان مربوط روزهای ۲۰ و ۲۱ خردادماه برگزار می‌شود.

طرح جامع توسعه کتابخانه‌های عمومی کشور پس از تصویب قانون جدید تأسیس و نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی کشور به سفارش دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور توسط گروهی از صاحبنظران کتابداری و اطلاع‌رسانی در حال تدوین است.

سمینار طرح جامع توسعه کتابخانه‌های عمومی به منظور نقد و بررسی این طرح توسط سایر صاحبنظران و کتابداران متخصص و باتجربه و مسؤولان مربوطه برپا می‌شود.

گفتنی است این طرح با همکاری مؤسسه فرهنگی عصر توسعه دانش و دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور در هتل المپیک واقع در دهکده المپیک برگزار خواهد شد.

ملک احمدی: سال گذشته، سال بحرانی و موفقیت‌آمیزی بود

گروه خبر کتاب هفته: سال گذشته، سالی بحرانی و در نهایت موفقیت‌آمیز در جهت ساماندهی وضعیت کتابخانه‌های عمومی و کتابداران بود.

ملک احمدی، دبیر کل هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، ضمن بیان مطلب فوق و ارائه گزارشی از وضعیت موجود کتابخانه‌های عمومی گفت: پس از سال‌ها که کتابخانه‌های عمومی جایگاه مشخصی نداشتند با تصویب قانون جدید، افق روشنی برای احیای کتابخانه‌ها پیش روست.

وی که در دهمین گردهمایی معاونان امور کتابخانه‌های عمومی کشور سخنرانی می‌کرد، افزود: با معرفی کتابخانه‌های عمومی به عنوان نهاد عمومی غیر دولتی علاوه بر کمک نیم درصدی دولت و شهرداری از درآمد خود، درآمدی از مشارکت‌های مردمی حاصل خواهد شد که در این صورت به سمت وضعیت بهتر و ارتقای سطح کتابخانه‌ها پیش خواهیم رفت.

ملک‌احمدی همچنین بر اهمیت تشکیل دبیرخانه‌های انجمن استان‌ها در مرحله اول اجرای قانون تأکید کرد و از معاونان امور کتابخانه‌ها خواستار فعال کردن این دبیرخانه‌ها شد.

همچنین دهمین گردهمایی معاونان امور کتابخانه‌های عمومی کشور به منظور بحث و بررسی وضعیت موجود و مقدمات اجرای قانون تأسیس و نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی کشور در یزد برگزار شد.

در مراسم افتتاحیه این گردهمایی، آیت‌الله صدوقی، امام جمعه یزد؛ کلانتری، استاندار یزد و غیاثی ندوشن، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی یزد حضور داشتند و به سخنرانی پرداختند.

آموزش کتابداران: ضرورت فضای جدید

گروه خبر کتاب هفته: آموزش و ارتقای سطح علمی و تخصصی کتابداران از ضرورت‌های فضای جدید و شرط اساسی برای تداوم همکاری کتابداران است.

محمدحسین ملک احمدی، دبیر کل هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور که در دومین گردهمایی کتابداران کتابخانه‌های عمومی مازندران شرکت کرده بود، ضمن بیان مطلب فوق گفت: تصویب قانون جدید نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی نقطه عطف حیات اطلاع‌رسانی کشور است و کتابخانه دیگر فقط مخزن کتاب نیست بلکه وارد عرصه‌های مختلف فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی شده است.

وی درباره مکانیزه کردن کتابخانه‌ها گفت: سعی بر این است که تا پایان شهریورماه سال جاری تمامی کتابخانه‌های عمومی کشور حداقل از یک دستگاه رایانه به همراه چاپگر و نرم‌افزار مدیریت کتابخانه بهره‌مند شوند.

وی افزود: سال آینده در راستای ساماندهی و اجرای تشکیلات و ساختار جدید کتابخانه‌ها، موضوع شبکه کتابخانه‌های کشور را نیز دنبال خواهیم کرد.

دومین گردهمایی کتابداران کتابخانه‌های عمومی مازندران روز سه‌شنبه ۱۲ خردادماه در ساری برگزار شد.

اجرای نمایش شب شاعران ایرانی در سوئد

وقایع اتفاقیه: نمایش «شب شاعران ایرانی» ۲۳ خرداد در سوئد اجرا می‌شود.

این نمایش بر اساس اشعار احمد شاملو، نیما یوشیج و مولانا به کار گردانی و نویسندگی سیروس شاملو اجرا می‌شود. شاملو درباره اجرای این نمایش گفت: این برنامه یک شب شعر مدرن، همراه با اسلاید، تصویر و حرکات پانتومیمی است. سیروس شاملو با اشاره به شکل اجرای برنامه اظهار کرد: صدای رباب و دف و اشعار مولانا شروع این برنامه است و سپس اشعار مدرن نیما و شاملو خوانده می‌شود و برنامه اجرای موسیقی با سازهای گیتار و دوتار پایان می‌یابد.

شناخت‌نامه ایرج بسطامی منتشر می‌شود

گروه خبر کتاب هفته: «شناخت‌نامه ایرج بسطامی را منتشر خواهم کرد.»

محمدعلی علومی، نویسنده و طنزپرداز کرمانی با اعلام این خبر گفت: در شناخت‌نامه ایرج علاوه بر زندگی‌نامه او؛ شعرها، داستان‌ها و مطالبی را که درباره او نوشته شده است گردآوری می‌کنم.

او درباره چگونگی جمع‌آوری این کتاب افزود: با توجه به مرگ اسطوره‌ای بسطامی در زلزله بم از نویسندگان، شاعران، استادان دانشگاه و هر کس که به نحوی با هنر و اندیشه ارتباط دارد، درباره او سؤال می‌کنم.

علومی درباره زمان چاپ کتاب اظهار کرد: پنجاه درصد مراحل کار انجام شده است اما گرفتن مطالب از نویسندگان شهرهایی غیر از کرمان دشواری‌هایی دارد که دقیقاً نمی‌توانم بگویم کار کی تمام می‌شود.

وی در ادامه گفت: این کتاب را با نام «ستاره مانا» انتشارات ارشاد کرمان احتمالاً در ۵۰۰ صفحه به چاپ می‌رساند. علومی همچنین از انتشار دو کتاب درباره بم خبر داد و گفت: در حال تهیه کتاب‌های «تاریخ شفاهی بم به روایت مردم» و «فرهنگ مردم بم» نیز هستم.

علومی درباره کتاب «تاریخ شفاهی بم به روایت مردم» افزود: در این کتاب زندگی هنرمندان و اندیشمندان بمی را از زبان مردم بم روایت می‌کنم که هنرمندانی مانند رفعت نظام، روح‌انگیز سامی‌نژاد و داریوش رفیعی از اولویت‌های اول این پژوهش مردمی هستند.

علومی درباره لزوم نوشتن این کتاب اظهار کرد: من کرمانی هستم اما پرورش یافته بم هستم و با توجه به زلزله بم می‌خواهم یاد هنرمندان بم زنده بماند.

وی در خصوص کتاب فرهنگ مردم بم گفت: این کتاب شامل بخش‌هایی مثل آداب، اعتقادت و رسوم مردم بم است. برای جمع‌آوری اطلاعات این کتاب از تحقیقات میدانی در بم و کتاب‌های نوشته‌شده درباره بم استفاده می‌کنم.

این نویسنده کرمانی در ادامه افزود: در این کتاب فرهنگ مردم بم را از دو نظر مورد بررسی قرار می‌دهم: «باورهای ایران باستان و بم» و «تأثیر فرهنگ چین و هند بر بم»، زیرا این شهر در مسیر جاده ابریشم قرار داشته است.

همایش یکصدمین سالگرد مشروطیت

همایش بین‌المللی بزرگداشت یکصدمین سالگرد مشروطیت استفتاء سال ۱۳۸۳ برگزار خواهد شد.

این همایش در محورهای اندیشه، جامعه، سیاست، حقوق، اقتصاد، هنر و ادب، قدرت‌های جهانی و بینش و روش در شناخت مشروطیت برگزار می‌شود.

محور اندیشه شامل بخش‌های متفکران عرصه مشروطه، مقوله‌ها، نظریه‌ها و مکاتب سیاسی اجتماعی و سنت و تجدد است. محور هنر و ادب شامل ادبیات سیاسی عصر مشروطه، گستره جدید هنری و روزنامه و روزنامه‌نگاری است.

محور بینش و روش در شناخت مشروطیت چهار بخش مورخان مشروطیت، مشروطیت ایران به روایت ناظران خارجی، بررسی جایگاه تاریخی مشروطه ایرانی و مطالعه تطبیقی جنبش‌های مشروطه‌خواهی است.

نقش طبقات و گروههای اجتماعی در جنبش مشروطه، موقعیت و مبارزه زنان، واقعیت‌های دینی و مذهبی و مشروطیت موضوعات محور جامعه است و بخش سیاست، ساختارهای حکومتی و روند دولت‌سازی، مجلس شورای ملی و چالش اقتدار سیاسی، انجمن‌ها، احزاب و تشکل‌های عصر مشروطه و روند ملت‌سازی، ایجاد همبستگی ملی و بازآفرینی هویت ملی، آزادی‌خواهی خارجی و مشروطیت ایران و ایرانیان خارج از کشور و مبارزه آزادی را شامل می‌شود.

حقوق اساسی، قانون‌گذاری در مجالس اول و دوم و مطالعه تطبیقی ایران و جهان، موضوعات محور حقوق است و محور قدرت‌های جهانی شامل دو بخش سیاست روس و انگلیس در عصر مشروطه و عثمانی، آلمان، فرانسه و مشروطیت ایران است. محور اقتصاد این همایش نیز اقتصاد سیاسی عصر مشروطه، مالیه دولتی، بانک و استقراض و اقتصاد زراعی، دامی و شهری را شامل می‌شود.

استادان، صاحبنظران و دانشجویان علاقه‌مند می‌توانند خلاصه مقالات خود را تا پایان خردادماه سال جاری به مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی واقع در بزرگراه آفریقا، بالاتر از میرداماد، کوچه قادیان شرقی، شماره ۲۴۶۰ ارسال کنند.

انجمن دوستداران شاملو تشکیل می‌شود

گروه خبر کتاب هفته: نشست اعضای انجمن فرهنگ کوچه در خانه هنرمندان ایران برگزار شد. این اولین نشست عمومی دوستداران احمد شاملو و فرهنگ کوچه بود که در آن مطالبی درباره سایت احمد شاملو و فرهنگ کوچه بیان شد.

غ.پاشایی سرپرست سایت احمد شاملو گفت: انجمن دوستداران احمد شاملو در حال ثبت در داخل و خارج کشور است و پس از ثبت به‌صورت رسمی عضوگیری انجام می‌شود.

پاشایی درباره سایت شاملو افزود: سایت با اجازه شاملو تأسیس شد و تمام آثار او از جمله اشعار، مقالات، کتاب کوچه و دن آرام به‌صورت رایگان آن لاین می‌شود. خوشبختانه آمار غروراتگیری از مخاطبان سایت داریم و روزی ۲۱ هزار نفر مراجعه کننده، عدد کوچکی نیست.

وی درباره کتاب کوچه گفت: کتاب کوچه بخش مهمی از فرهنگ ایرانی را منتقل می‌کند و یک مقوله سراسری است که باید در تمام کشور انجام شود. بجز کتاب کوچه شاملو که روزی ۶۰ صفحه آن لاین خواهد شد تا به پایان برسد، در این سایت برنامه کوچه‌نویسی نیز داریم که علاقه‌مندان می‌توانند در این زمینه فعالیت کنند.

پاشایی درباه اهداف انجمن دوستداران و سایت شاملو اظهار کرد: ما در این کار اهداف مدون اداری نداریم و هر یک از شعرهای شاملو هدف ماست. در این سایت هیچ سانسوری در کار نیست و فقط بر دو مورد غیر سیاسی بودن و رعایت ادب تأکید داریم.

سرپرست سایت شاملو افزود: سایت شاملو دارای زبان‌های دیگری نیز هست و در حال حاضر ۳۰ شعر و زندگینامه شاملو به زبان ژاپنی و اسپانیایی آن لاین می‌شود. نامه‌های شاملو نیز در این سایت آن لاین خواهد شد.

در ادامه محسن عمادی، مدیر سایت شاملو گفت: فعالیت‌های اولیه سایت شاملو در دانشگاه صنعتی شریف شروع شد و پس از درگذشت شاملو راه‌اندازی شد.

عمادی افزود: بر روی سایت کتاب کوچه شاملو قرار خواهد گرفت و به عنوان یک سنگ بنای اولیه به سایت کوچه منتقل می‌شود و سایت کوچه در نهایت به سمتی حرکت می‌کند که کوچه تمام ایران را تهیه کند.

وی در ادامه از تشکیل هسته‌های مختلف گرافیک، ویراستاری، زبان شناسی و مطالعات فرهنگی، خوانش، خبرنگاری، مدیریت و برنامه‌ریزی و تشکیلات و روابط عمومی برای فعالیت در سایت خبر داد.

سپس شفیق مدیر برنامه‌ریزی سایت شاملو گفت: انجمن دوستداران شاملو نهادی در فضای عمومی است که علاقه‌مندان شاملو را از خود جدا می‌کند و به فضای عمومی می‌آورد.

شفیق افزود: باید تلاش کرد نهادی ایجاد شود که از آفت‌های نهادهای خصوصی و دولتی ایمن باشد و این امر نیازمند مشارکت و تعامل است.

وی با اشاره به جهت‌گیری استراتژیک سایت اظهار کرد: ما تلاش داریم جوهره خاص شاملو را تحقق دهیم و کتاب کوچه را به یک جریان تبدیل کنیم. سرزمین ما به لحاظ تنوع فرهنگی، گستره‌های متنوع و وسیعی را از فرهنگ کوچه داراست که هر گستره از کشور می‌تواند روی قسمتی از فرهنگ کوچه سرزمین کار کند.

مدیر برنامه‌ریزی سایت شاملو درباره برنامه‌های دیگر سایت گفت: جهت‌گیری دیگر ما مشارکت جهانی است تا میراث احمد شاملو جهانی شود. در سال گذشته ارتباطاتی با اسپانیا و ژاپن برقرار شد و امروز در حال برقراری ارتباط با چند کشور دیگر هستیم تا هسته‌های خودجوشی شکل بگیرند و به سایت مرتبط شوند تا بتوان این فرهنگ را جهانی کرد.

علاقه‌مندان به آثار احمد شاملو و فرهنگ کوچه می‌توانند به نشانی www. Shamlou. org مراجعه کنند.

تصویرگر ایرانی، برنده جایزه ویژه تصویرگری شد

گروه خبر کتاب هفته: تصویرگر ایرانی، جایزه ویژه تصویرگری «انجمن فرهنگی تت‌ریو» را از آن خود کرد.

آناهیتا تیموریان در دهمین نمایشگاه انجمن فرهنگی تت‌ریو که با موضوع سیرک برگزار شد جایزه گرفت. آثار پنج تصویرگر ایرانی از سوی بانشگاه تصویرگران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در این نمایشگاه شرکت داده شد که از آن میان آثار آناهیتا تیموریان جایزه ویژه را ربود و یکی از آثار راشین خبریه، دیگر تصویرگر ایرانی نیز به کاتالوگ نمایشگاه راه یافت.

لیلی حائری، مسؤول روابط عمومی بین‌الملل کانون، سه تصویرگر دیگر ایرانی را حسن کن، پیمان رحیمی‌زاده و علی بوذری ذکر کرد و گفت: این نمایشگاه از ده سال پیش تاکنون همه ساله با موضوع‌های مختلف برگزار شده است. وی اضافه کرد: از آنجا که شرکت در این جشنواره ورودیه دارد، چندان مورد استقبال واقع نشده است.

امسال ورودیه پنج تصویرگر ایرانی را باشگاه تصویرگران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، با تخفیف پرداخته است.

گفتنی است آناهیتا تیموریان و راشین خبریه، برای آشنایی با هیأت داوران جشنواره و دریافت جایزه خود تیرماه سال جاری به شهر کوچک تت‌ریو، در نزدیکی ونیز خواهند رفت، اما هنوز روشن نیست که هزینه سفر را چه مرجعی خواهد پرداخت.

بیوک ملکی، شاعر و نویسنده کودک و نوجوان:

می‌نویسم اما دیگر چاپ نمی‌کنم

گروه خبر کتاب هفته: «هیچ موقع نوشتن و سرودن را کنار نمی‌گذارم اما دیگر آنها را چاپ نمی‌کنم مگر اینکه وضعیت نابسامان فعلی کتاب کودک و نوجوان تغییر کند.»

بیوک ملکی، شاعر و تصویرگر کتاب کودک و نوجوان با بیان این مطلب گفت: وقتی کتاب چاپ می‌شود که مخاطب داشته باشد اما وقتی کتاب‌های چاپ شده در انبار ناشران حبس می‌شود انگیزه‌ای برای ادامه کار نمی‌ماند.

این شاعر معاصر که چاپ دو کتابش در دو مؤسسهٔ انتشاراتی متوقف شده است، گفت: ناشران برای چاپ اول از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی امتیازاتی دریافت می‌کنند که چاپ دوم این مزایا را ندارد. بنابراین کتاب‌ها را تجدید چاپ نمی‌کنند.

شاعر «پشت یک لبخند» که کتابش پس از یک بار انتشار، دریک مؤسسهٔ انتشاراتی بلاتکلیف است با اشاره به مسأله حق‌التألیف نویسندگان بیان کرد: اغلب ناشران حق‌التألیف نویسندگان را با تأخیر پرداخت می‌کنند و از آنجا که تصویرگری کتاب و دیگر مسائل تهیه یک کتاب هزینه‌های زیادی در بر دارد، ناشر به سمت کتاب‌های بازاری سوق پیدا می‌کند.

ملکی با بیان اینکه تعریف کتاب‌های بازاری در ایران متفاوت از دیگر کشورهاست گفت: کتاب‌های بازاری اروپایی کیفیت بالایی دارد اما در ایران صرفاً سود اقتصادی آن مورد توجه است.

وی نابسامانی وضعیت فعلی بازار کتاب را حاصل ریشه‌های نامناسب دانست و اظهار کرد: سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موجب می‌شود ناشران چنین برخوردهایی داشته باشند. مسؤولان فرهنگی ما عموماً در آوکی و شورای نویسندگان ارمنستان ۱۸ تا ۲۵ خردادماه برگزار می‌شود.

ثریا آیت‌اللهی مسؤول این دفتر درباره مسافران ایرانی این همایش افزود: علی موسوی گرمارودی در بخش شعر، مقاله نگاهی به شعر معاصر ایران و مصطفی مستور در بخش داستان، مقاله نگاهی به ادبیات معاصر ایران را ارائه خواهند کرد.

کتاب‌های آموزش از راه دور

گروه خبر کتاب هفته: «کتاب‌های آموزش از راه دور برای سال تحصیلی آینده (مهرماه امسال) آماده می‌شود.»

سیدعلی حسینی، رئیس گروه آموزش‌های کتاب پایه، با اعلام این خبر گفت: ریاضی، شیمی، فیزیک، زبان و عربی برای پایه اول متوسطه و کتاب‌های علوم، ریاضی، عربی و زبان برای پایه اول راهنمایی برای آموزش از راه دور تدوین شده است. حسینی درباره محتوای این کتاب‌ها افزود: در این کتاب‌ها که به عنوان همراه کتابهای درسی مورد استفاده قرار می‌گیرد، درباره مطالب کتاب‌های درسی توضیح بیشتری داده شده و تمرینات حل شده و حل نشده کامل‌تری نیز در آنها آمده است.

وی شرایط ویژه دانش‌آموزان از جمله عدم دسترسی به امکانات آموزشی و کمبود معلم را ضرورت این کار دانست و گفت: در مرحله اول این طرح مناطق محروم مورد نظر است و کتاب‌ها با شمارگان ۱۰هزار نسخه منتشر می‌شود. اما چون طرح کشوری است، ادارات آموزش و پرورش استان‌ها می‌توانند دریافت کتاب‌ها را درخواست کنند.

حسینی در ادامه به انتشار کتاب‌های دو پایه تحصیلی در هر سال اشاره و اظهار کرد: در تدوین این کتاب‌ها از مؤلفان باتجربه در حوزه کتاب‌های کمک‌آموزشی استفاده شد و پس از توزیع کتاب‌ها در صورتی که به خاطر تغییر کتاب‌های درسی یا عوامل دیگر به تغییرات احساس نیاز شود، اعمال می‌شود. کتاب‌های آموزش از راه دور توسط گروه ۳۰ نفره مؤلف- معلم تهیه شده و توسط انتشارات مدرسه منتشر خواهد شد.

پل ادبی ایران و ارمنستان

گروه خبر کتاب هفته: همایش «پل ادبی ایران و ارمنستان» در ارمنستان برگزار می‌شود.

مسؤول دفتر مطالعات فرهنگی و بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با اعلام این خبر گفت: این همایش به منظور شناخت و معرفی ادبیات معاصر ایران از طرف سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با همکاری آوکی و شورای نویسندگان ارمنستان ۱۸ تا ۲۵ خردادماه برگزار می‌شود.

جایزه یلدا به رمان، داستان و نقد اهدا می‌شود

سومین دوره جایزه ادبی یلدا در شب اول زمستان به برگزیدگان اهدا می‌شود.

جایزه ادبی یلدا که از سال ۱۳۸۱ با انتخاب کتاب‌های برگزیده حوزه رمان و مجموعه داستان و تقدیر از یکی از اهالی فرهنگ برگزار می‌شود، امسال علاوه بر اهدای جایزه به رمان و مجموعه داستان برگزیده، نقد برگزیده را در سه زمینه نظریه، نقد کتاب و مرور کتاب معرفی خواهد کرد.

دبیرخانه جایزه ادبی یلدا به تازگی در کنار فعالیت اصلی خود جلسات داستان‌خوانی را در دوشنبه‌های دوم و آخر هر ماه برگزار می‌کند که در اولین جلسه منیرو روانی‌پور داستان «فرشته‌ی روی زمین» را خواند.

مدیا کاشیگر مترجم و نویسنده و دبیر جایزه ادبی یلدا درباره این جلسات گفت: قصد برگزارکنندگان جایزه یلدا، تبدیل یک مراسم شبانه به جشن مدام و پایای کتاب و پربار کردن فضای ادبی کشور است.

مراسم جایزه ادبی یلدا توسط مؤسسه فرهنگی انتشاراتی آینده‌سازان و انتشارات کاروان برگزار می‌شود.

خبرهای سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)

ایران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۳۳۳ عنوان کتاب را در سرفصل های تألیفات امام(ره) چاپ کرد.

ایران: «فرهنگ توصیفات امام خمینی(ره) در شعر شاعران معاصر» تألیف پرویز بیگی حبیب آبادی توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) منتشر شد.

جوان: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) شب شعر دانشجویی با عنوان «کلمات یتیم» را با حضور علی معلم و عبدالجبار کاکایی به مناسبت سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، ۱۱ خردادماه در دانشگاه امام صادق(ع) برگزار کرد.

کتاب هفته: کتاب نماز شامل بررسی بیانات، مکتوبات، خاطرات و فتواهای امام(ره) درباره نماز توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) انتشار یافت.

جوان: قزوه، بهمنی، براتی پور و کاظمی به همراه شاعران محلی، آخرین سروده‌های خود درباره امام(ره) را ۱۴ خردادماه در جزیره کیش قرائت کردند.

جمهوری اسلامی: همایش «بررسی آثار ادبی حضرت امام(ره)» در آستانه پانزدهمین سالگرد ارتحال ایشان توسط کانون مطالعات فرهنگی-اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۹ خردادماه در تالار دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران برگزار می شود.

سیاست روز: دو نمایشگاه کتاب با بیش از یک هزار جلد کتاب در قالب ۱۰۰ عنوان از آثار و اندیشه‌های امام(ره) در سالروز ارتحال ایشان در دماوند برگزار شد.

جمهوری اسلامی: ستاد بزرگداشت حضرت امام خمینی(ره) گزیده‌ای از آثار امام خمینی(ره) را درباره سیره نبوی منتشر کرد.

کتاب هفته: فرهنگسرای انقلاب به مناسبت سالگرد ارتحال امام(ره) از ۱۲ خردادماه به مدت ۱۰ روز در پارک دانشجو نمایشگاه کتاب، عکس و اسناد برگزار می کند.

جوان: زندگینامه امام خمینی (ره) به زبان سوئدی از سوی دفتر وابستگی فرهنگی سفارت ایران در استکهلم در این شهر منتشر شد.

سیاست روز: سازمان تبلیغات اسلامی، به مناسبت پانزدهمین سالگرد ارتحال امام(ره) اقدام به برگزاری نمایشگاه کتاب، مسابقه های فرهنگی از زندگینامه و وصیت نامه امام(ره)، تهیه پوستر و... کرد.

کتاب هفته: طرح اهدای کتاب و تجهیز ۱۵ کتابخانه در مدارس جنوب تهران به مناسبت سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اجرا شد.

خبر کوتاه

ایسنا: نشست شعر دانشجویی کانون ادب و هنر دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی با حضور محمدعلی سپانلو، منوچهر آتشی، سیدعلی صالحی و دست اندرکاران ماهنامه «کارنامه» ۱۳ خرداد در این دانشگاه برگزار شد.

ایلنا: دکتر رامین جهانبگلو، از ۱۸ خردادماه طی ۱۲ جلسه درباره اندیشه های فلسفی هگل در خانه هنرمندان ایران سخنرانی می کند.

ایسنا: رشته ادبیات داستانی در مقطع کارشناسی در دانشگاه تربیت معلم تهران راه‌اندازی شد.

خبرگزاری مهر: «حکمت عرشیه» اثر ملاصدرا به همت رایزنی فرهنگی سفارت ایران در مسکو به زبان روسی با شمارگان ۳ هزار نسخه منتشر شد.

ایران: «کالین مک کالاگ» نویسنده استرالیایی و خالق رمان پرفروش پرنده خاردار بزودی به علت بیماری نابینا می شود.

کتاب هفته: مسعود خیرخواه کتاب ۱۲ جلدی «شاخه زرین» اثر جیمز فریزر را در ۴ جلد ترجمه کرده است و بزودی چاپ می کند.

مهر: کتاب «شعر معاصر ایران» مجموعه اشعار شاعرانی چون احمد شاملو، نیما یوشیج و... توسط علیرضا قزوه گردآوری و به زبان چینی ترجمه شده است.

جوان: انجمن قلم ایران با صدور بیانیه‌ای سپردن سرپرستی انجمن پن آمریکا را به سلمان رشدی نویسنده کتاب «آیات شیطانی» محکوم کرد.

ایران: مراسم تجلیل از پروفسور گنجی، شکوپی، مهدوی و غلامرضا سحاب، استادان جغرافیا و نقشه برداری ۷ خردادماه در دانشگاه زنجان برگزار شد.

شرق: پارلمان ایرلند در نظر دارد با تغییر اضطراری قانون کپی رایت این کشور، به مناسبت بزرگداشت صدمین سالگرد نگاشته شدن کتاب اولیس «جیمز جویس» نویسنده ایرلندی این کتاب را به نمایش بگذارد.

مهر: «فرهنگ واژگان توصیفی ادبیات فارسی» با تلاش عربعلی رضایی از انتشارات فرهنگ معاصر به بازار کتاب عرضه شد.

آفتاب یزد: منزل ملاصدرا از بزرگترین فلاسفه اسلامی دوران صفویه، توسط میراث فرهنگی استان قم با هدف تبدیل به یک مرکز فرهنگی خریداری شد.

شرق: سر آنتونی هاپکینز بزودی در فیلم «بابا» نقش ارنست همینگوی را بازی می کند.

جام جم آن لاین: هفتمین دوره جشنواره بین المللی کتاب‌های پلیسی و دلهره‌آور از ۱۲ خردادماه در شهر فرونتینیان واقع در ناحیه هرو فرانسه آغاز به کار کرد.

مهر: «امیر» رمان جدید محمود کلابدره‌ای از سوی انتشارات آشیانه کتاب منتشر شد.

مهر: انجمن شاعران هر سه شنبه در نشر ماه نوشت آثار جوانان و نوجوانان شاعر را نقد و بررسی می کند.

آفتاب یزد: رادهال؛ ناشر معروف بریتانیایی که آثاری نظیر مول ماتنی و بیلی البوت به واسطه او مطرح شد، در منزلش به قتل رسید.

اطلاعات: یادمان کیومرث صابری با حضور عمران صلاحی، شهرام شکیبا و... هفتم خردادماه در فرهنگسرای بهمن برگزار شد.

همشهری: «شش متفکر اگزیستانسیالیست» اثر هارولد جانبلاکهام با ترجمه محسن کریمی از سوی نشر مرکز تجدید چاپ شد.

جوان: جلیل فخرایی، شاعر و روزنامه نگار معاصر مدتی است به دلیل بیماری کلیوی در بیمارستان مشهد بستری است. این شاعر که روزی سه بار دیالیز می شود، توانایی مالی خرید کلیه را ندارد.

ایسنا: کتاب «غروب جلال» سیمین دانشور پس از ۲۱ سال به انضمام مقاله «از آنچه رفته حکایت» توسط نشر «داستان سرا» اوایل تیرماه منتشر می شود.

شرق: همایش دوروزه «شریعتی، فجایای دیروز، بلاهای امروز، دغدغه های فردا» ۱۲ و ۱۳ خردادماه از سوی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران در این دانشگاه برگزار شد.

جمهوری اسلامی: مؤسسه غیر انتفاعی انجمن تاریخ پژوهان با عضویت برخی از مورخان حوزوی و دانشگاهی کشور اعلام موجودیت کرد.

همشهری: سایت مؤسسه کتاب «ابن سینا» به نشانی: www.iran-bookss.com و www.awicennabooks.com آماده ارائه خدمات در زمینه اطلاع یابی و تهیه تازه‌های نشر است.

توسعه: تهیه و تدوین شناسنامه جامع علمی هنری ۶۰ نسخه از مجموع بیش از سه هزار نسخه خطی موجود در کاخ موزه گلستان انجام شد.

بانی فیلم: مدیر انتشارات سیب؛ علی قنبری به دلیل عارضه قلبی در بخش سی سی یو بیمارستان البرز بستری شد. این ناشر، نویسنده مجموعه داستان هایی برای کودکان و نوجوانان از جمله مجموعه «موش و گربه» است.

صدای عدالت: مدیر کل دفتر چاپ و توزیع کتاب های درسی وزارت آموزش و پرورش تاریخ توزیع کتاب های درسی سال تحصیلی ۸۴-۸۳ دوره‌های ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و پیش دانشگاهی را تا اول مهرماه اعلام کرد.

انتخاب: اولین نشست از مجموعه نشست های مبانی و شالوده های نقد و زیباشناسی مدرن با حضور رضا سیدحسینی، مدیا کاشیگر و مهشید نونهالی، ۱۶ خردادماه در فرهنگسرای هنر برگزار می شود.

شرق: لیزیا بوژونگاه، نویسنده برزیلی نفر اول جایزه «پی پی جوراب بلند» شد. «پی پی جوراب بلند» عنوان قصه های کودک و نوجوان است که خانم آسترید -لیندگرن نوشته و به ۲۵ زبان زنده دنیا ترجمه شده است.

مهر: شعر «بهار در آسانسور» علیرضا قزوه که هادی محمدزاده آن را ترجمه کرده کاندیدای کتابخانه بین المللی شعر شد.

جام جم: پانزدهمین دوره مسافران حیرت آور فستیوال بین المللی کتاب از ۲۹ تا ۳۱ مه در سن مالو فرانسه برگزار شد.

کتاب هفته: پنجمین نشست شورای حفظ و ترویج زبان فارسی دوم خردادماه در معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد.

○ کتاب کارآزمون «بخوانیم و بنویسیم» ویژه پایه دوم دبستان با هدف راهنمایی بیشتر دانش آموزان توسط مؤسسه آینده سازان منتشر شد.

○ اسفندیار چهاربند، مدیرکل دفتر آموزش و پرورش کاردانش اعلام کرد ۴۰ درصد از رشته های کاردانش فاقد کتاب درسی هستند و معلمان از جزوات آموزشی استفاده می کنند.

○ کتاب «چهره های ماندگار» نوشته فروغ بهمن پور که شرح احوال و آثار بزرگان موسیقی کشور است با حضور محمد سریر، سهیل محمودی و سید علیرضا میرعلی نقی، ۱۱ خرداد ماه در پاتوق فرهنگی مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

ایران: یکصد و بیست و هفتمین نشست کتاب ماه ادبیات و فلسفه ویژه بررسی آثار جی.دی.سلینجر با حضور مصطفی مستور، امید نیک فرجام و محمدحسن شهسواری ۱۲ خردادماه در خانه کتاب برگزار شد.

همبستگی: شهریور و مهرماه امسال داوود آزاد (خواننده و آهنگساز) به همراه پنج موسیقیدان خارجی بزرگداشت عطار نیشابوری را در تهران برگزار می کنند.

جوان: پژوهشکده اقبال شناسی ایران به ریاست محمد بقایی ماکان از سوی «اقبال آکادمی» بزودی راه‌اندازی می شود.

انتخاب: برنامه های هنری هنرمندان استان گلستان در مراسم بزرگداشت مختومقلی فراغی شاعر بزرگ ترکمن که ۹ خردادماه در عشق آباد پایتخت ترکمنستان برگزار شد، با استقبال مردم ترکمنستان مواجه شد.

جمهوری اسلامی: همایش «بررسی آثار ادبی حضرت امام(ره)» در آستانه پانزدهمین سالگرد ارتحال ایشان توسط کانون مطالعات فرهنگی- اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۹ خردادماه در تالار دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران برگزار می شود.

جمهوری اسلامی: ستاد بزرگداشت حضرت امام خمینی(ره) گزیده‌ای از آثار امام خمینی(ره) را درباره سیره نبوی منتشر کرد.

جام جم: برندگان جایزه ادبی «ال»، ۲۶ مه، مشخص شدند. «اشباح خاکستری» تألیف فیلیپ کلودل برنده جایزه بزرگ و «جچین، شرمساری روس» (کتاب مستند) تألیف آنا پولیتکوفسکایا و «شاتر ایسلند» (کتاب های پلیسی) تألیف دنیس لهان برنده جایزه خوانندگان «ال» شدند.

سیاست روز: نخستین همایش یک روزه آثار و اندیشه های صائب تبریزی نهم خردادماه در مجتمع فرهنگی و هنری تبریز برگزار شد.

ایران: همایش «اندیشه امام در نگاه جهان» با حضور ۱۲۰ مؤلف که آثاری درباره امام داشته اند و هزار و دویست میهمان خارجی در روزهای ۱۲ و ۱۳ خردادماه برگزار شد.

ایران: محققان ژاندنو دستگاهی اختراع کردند که هر جا خوانده کتاب نگاه می کند، متمرکز شود. این دستگاه نقاشی های متحرک و تصاویر ویژه متون و کتاب های کودکان و سایر عناوینی را که در آنها از توضیح استفاده شده است، تحت الشعاع قرار می دهد.

جام جم: چهارمین نشست ادبی «شرح و تفسیر گنجینه اسرار» عمان سامانی با حضور علی معلم دامغانی ۱۱ خرداد در حوزه هنری برگزار شد.

جام جم: دومین کنگره بین المللی ترجمه همراه با مراسم بزرگداشت سلیمان بستانی به مناسبت صدمین سالگرد ترجمه «الیاده» هومر به زبان عربی در قاهره افتتاح شد.

جام جم: نخستین نشست نقد و بررسی دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت در خانه پژوهش قم برگزار شد.

○ پنجمین همایش «با افلاکیان خاک نشین» ویژه بزرگداشت آیت الله میرزا محمدعلی شاه آبادی با سخنرانی نورالله شاه آبادی، نصرالله شاه آبادی، سید محمد مهدی دستغیب، فاطمی نیا و... ۱۲ خردادماه در سالن همایش های زکریای رازی دانشگاه علوم پزشکی ایران برگزار شد.

بازتاب

...با تشکر از لطف شما در چاپ مقاله «مقدمه‌ای در ستایش یک شیفتگی» لازم می دانم سهو کوچکی که اتفاق افتاده است تصحیح کنم. ذیل نام بنده، عنوان «پژوهشگر و مورخ موسیقی ایرانی» در متن اصلی مقاله بوده که متأسفانه در متن چاپ شده، این عنوان به انتهای مقاله رفته و این توهم را پیش آورده است که بنده تحت عنوان «پژوهشگر و...» پای مقالاتم را امضا می کنم! در حالی که این عنوان را خودم به خودم نداده‌ام بلکه لطف دوستان و اهل موسیقی سرمنشأ این عطای بی منت است. خواهشمندم این توضیح را در کتاب هفته درج فرمایند.

با سپاس مجدد
سید علیرضا میرعلی نقی

هیچ می دونستی

کودکان کتاب را هدیه می دانند

جام جم آن لاین: ۹۳ درصد کودکان کتاب را یک هدیه می دانند.

تحقیق ماهنامه ادبی کودکان و نوجوانان «کتاب می خوانم» انتشارات بایارپرس نشان می دهد که نوجوانان ۱۱ تا ۱۵ ساله نمی توانند دنیایی بدون کتاب را تجسم کنند.

به گزارش رادیو فرانس کولتور، بر اساس این تحقیق از نظر ۹۴ درصد کودکان کتاب یک دوست است و ۶۹ درصد آنها می گویند از تصور دنیای بدون کتاب شوکه می شوند.

همچنین بر اساس این تحقیق نوجوانان در سنین ۱۱ تا ۱۳ سالگی تنها دو درصد کتاب را دشمن می دانند که این احساس با بالا رفتن سن افزایش می یابد، به طوری که ۷ درصد نوجوانان ۱۴ تا ۱۵ ساله همین عقیده را دارند.

گفتنی است ۸۹ درصد کودکان و نوجوانان تا ۱۵ ساله کتاب خواندن را دوست دارند و ۱۱ درصد علاقه‌ای به کتاب ندارند.

فهرست خرید کتاب

مصوبه شماره ۱۸۰ هیأت انتخاب و خرید کتاب اعلام شد .

نام کتاب، نام ناشر، موضوع و تعداد نسخه‌های خریداری شده به این شرح است:

انسان موآها را نابود کرد، فنی ایران، کودک و نوجوان، ۵۰۰ قصه‌های سرزمین اشباح، قدیانی، کودک و نوجوان، ۷۰۰/ وقتی میا از خواب بیدار شد، قصه، کودک و نوجوان، ۵۰۰/ گلاب خانوم و آسمون، قیصر سربازی، کودک و نوجوان، ۷۰۰/ گلاب خانوم و خرگوش، قیصر سربازی، کودک و نوجوان، ۷۰۰/ گلاب خانوم و گل‌ها، قیصر سربازی، کودک و نوجوان، ۷۰۰/ گلاب قتل در جزاگاه، کتاب پنجره، کودک و نوجوان، ۷۰۰/درخنی به نام افرا، کتاب نیستان، کودک و نوجوان، ۷۰۰/ما دلقین هستیم، کتاب نیستان، کودک و نوجوان، ۷۰۰/ نی‌نی مامانی قاقا می‌خواد، کتاب‌های ارغوانی، کودک و نوجوان، ۷۰۰/ گشت و گذار در اینترنت، لک‌لک، کودک و نوجوان، ۷۰۰/زمین و ساختمان، میتکران، کودک و نوجوان، ۷۰۰/از هر وقت نمی‌دانست ساعت چند است، مرکز، کودک و نوجوان، ۵۰۰/سوزن جادویی و داستان‌های دیگر، مرکز، کودک و نوجوان، ۵۰۰/ساعت جادویی، میقات نور، کودک و نوجوان، ۵۰۰ اولین روز مدرسه برای سام و مادربزرگ، مینا شاهبازی، کودک و نوجوان، ۷۰۰/روحخانه آمازون در بعدازظهر، نخستین، کودک و نوجوان، ۷۰۰/شب نیخچاها، نخستین، کودک و نوجوان، ۷۰۰/قصه دانیال پیامبر(ع)، نگارینه، کودک و نوجوان، ۷۰۰/ آخرین لبخند زمستان، نیکیی، کودک و نوجوان، ۳۰۰/ سرگذشت مدارس موسیقی ایران، تالث، هنر، ۵۰۰/فرهنگ روسی به فارسی، جاودان خرد، هنر، ۴۰۰/ خراسان/ جهانی شدن و هنر جدید، چاپ و نشر نظر، هنر، ۴۰۰/ حتی با اکثریت نیست، روزنه، هنر، ۷۰۰/ راز عشق‌ماندگی ایران و راهکارهای پیشرفت، سنبله، هنر، ۵۰۰/خراسان/ قیزها، بیدایش، کودک و نوجوان، ۷۰۰/ماهواره‌ها، بیدایش، کودک و نوجوان، ۷۰۰/ افسانه شیرین کارنامه اردشیر بابکان، بیدایش، کودک و نوجوان، ۷۰۰/هفت خوان رستم، ترفند، کودک و نوجوان، ۷۰۰/زال و رودابه، ترفند، کودک و نوجوان، ۷۰۰/خسرو و شیرین، ترفند، کودک و نوجوان، ۷۰۰/قصه‌های شب، رجا، تهران، کودک و نوجوان، ۵۰۰/ نی‌نی نوبولی می‌خواهم مهتاب براش می‌نامه، رویش، کودک و نوجوان، ۷۰۰/نی‌نی نوبولی می‌دونه مامان چه مهربونه، رویش، کودک و نوجوان، ۷۰۰/نی‌نی نوبولی یکی به دونه خوشگل و نازه و دردونه، رویش، کودک و نوجوان، ۷۰۰/ دانه کوچولوی منتظر، زیتون، کودک و نوجوان، ۷۰۰/فکر می‌کنم بزرگ شده‌ام خدا، زیتون، کودک و نوجوان، ۷۰۰/مشول خان، زیار، کودک و نوجوان، ۷۰۰/ کوستان/مادرها هنام‌شدنی نیستند، زینه، کودک و نوجوان، ۵۰۰، گلستان/سرباز کوچولو، سنبله، کودک و نوجوان، ۷۰۰/، خراسان/عکس یادگاری، سنبله، کودک و نوجوان، ۷۰۰/ خراسان/آمده‌ام دوست بدارم، شباویز، کودک و نوجوان، ۷۰۰/ساخت و پرواز بادبادک، شریعه نوس، کودک و نوجوان، ۷۰۰/ خراسان/کودک کعبه، فرداپه، کودک و نوجوان، ۷۰۰/نظریه تاریخ ادبیات، تاژ، ادبیات، ۵۰۰/خاطرات سیلویاپلات، نی، ادبیات، ۵۰۰/گفت‌وگو با یورغس، نی، ادبیات، ۳۰۰/ غرب حقیقی، نیلا، ادبیات، ۷۰۰/ تقش ۸۰، نیلوفر، ادبیات، ۵۰۰/ هم‌آغوش روشنایی، بادیانو، ادبیات، ۵۰۰/ فرهنگ فارسی - هلندی، خاطره، زبان، ۳۰۰، خراسان/سیری در گویش دلشستان، راهگشا، زبان، ۳۰۰/ شیراز/زبان‌شناسی، رهنما، زبان، ۵۰۰/دستور مفصل امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید، سخن، زبان، ۵۰۰/ انسان و زبان، فرسی، زبان، ۵۰۰/ فرهنگ معاصر کوچک انگلیسی - فارسی، فرهنگ معاصر، زبان، ۷۰۰/ فرهنگ معاصر مدرسه، فرهنگ معاصر، زبان، ۷۰۰/داوود و جالوت، آیین تربیت، کودک و نوجوان، ۱۰۰۰، خراسان/نوح و طوفان بزرگ، آیین تربیت، کودک و نوجوان، ۱۰۰۰، خراسان/یوسف پسر وفادار، آیین تربیت، کودک و نوجوان، ۱۰۰۰، خراسان/پرطلایی، اردیبهشت، کودک و نوجوان، ۱۰۰۰/سوندی، افلاک، کودک و نوجوان، ۵۰۰، خرم‌آباد مهدی(عج) در آغوش ترحس، اندیشه مهر، کودک و نوجوان، ۷۰۰/ اژدهای کوچولوی مهربانی، ایران‌بان، کودک و نوجوان، ۷۰۰/روزی که مثل روزهای دیگر نبود، ایران‌بان، کودک و نوجوان، ۵۰۰/وقتی که من بزرگ شدم، ایران‌بان، کودک و نوجوان، ۷۰۰/ قصه‌ها و افسانه‌های استان بوشهر، بوشهر، کودک و نوجوان، ۵۰۰، بوشهر/راه فاطمه(س)، پاسارگاد، کودک و نوجوان، ۷۰۰/ ارتباطات، بیدایش، کودک و نوجوان، ۷۰۰/ باران حلقه، دنیای نو، ادبیات، ۵۰۰/بازی‌های شبانه، روزنه، ادبیات، ۵۰۰/ تدبه، روشنگران و مطالعات زنان، ادبیات، ۷۰۰/ گزیده متون ادب فارسی، زوار، ادبیات، ۷۰۰/آوازهای زن بی‌اجازه، سالی، ادبیات، ۵۰۰/هرچه نزدیک به تو آسمان آبی‌تر، سالی، ادبیات، ۵۰۰ کوتاه‌ترین داستان، سالی، ادبیات، ۵۰۰/نسیان، سالی، ادبیات، ۵۰۰/صحرا، شریعه نوس، ادبیات، ۵۰۰، خراسان/صندوق، قاب، ادبیات، ۵۰۰/ هشت نمایشنامه رادیویی، قاب، ادبیات، ۵۰۰/ سیاستمو، مجموعه داستان، قصه، ادبیات، ۵۰۰/ دستکش‌های طلایی، قصه، ادبیات، ۵۰۰/جام جهان‌بین، قطره، ادبیات، ۵۰۰ هویت، قطره، ادبیات، ۵۰۰/زیستن برای بازگفتن، کاروان، ادبیات، ۷۰۰/ شهر بی‌قانون، کتاب آرمان، ادبیات، ۷۰۰/ گزیده ادبیات معاصر، کتاب نیستان، ادبیات، ۵۰۰/بررسی و تحقیق در ادبیات معاصر ایران، گروه پژوهشگران ایران، ادبیات، ۵۰۰/شب آرام، لیوسا، ادبیات، ۷۰۰/ دوبیتی‌های عاشیانه هزارگی همراه با ...، محمدابراهیم شریعتی افغانستانی، ادبیات، ۵۰۰/ویس و رامین، مختومقلی فراغی، ادبیات، ۵۰۰، گرگان/گزینه اشعار طنزآمیز، مروارید، ادبیات، ۵۰۰/تجربه بازی سیاسی در میان ایرانیان، نی، تاریخ و جغرافیا، ۲۰۰/نبردهای ایران و روم، واژه آفرین، تاریخ و جغرافیا، ۳۰۰، شیراز/شرح حال ریاضی‌دانان بزرگ ایران و جهان، ارمغان، علوم عملی، ۵۰۰/توجوان کتابی سودمند برای پدرها و مادرها، افکار، علوم عملی، ۵۰۰/شناسایی از تندرستی، جابر، علوم عملی، ۵۰۰/فرهنگ اصطلاحات علوم زیست‌شناسی، جهر، علوم عملی، ۵۰۰/ فرهنگ اصطلاحات علوم بهداشت، جهر، علوم عملی، ۵۰۰/پیش‌درآمدی بر روانشناسی اجتماعی، دانشواژ، علوم عملی، ۲۰۰/ بازگشت به حالت اولیه مطلوب در ورزش، دنیای حرکت، علوم عملی، ۲۰۰/ تجارت الکترونیک، سیمای دانش، علوم عملی، ۵۰۰/ موسوعه کامل دانستنی‌های دنیای حیوانات، شیدوش، علوم عملی، ۱۵۰۰/اکولوژی خشکی و دریا، قدیس، علوم عملی، ۵۰۰/ دانوءالمعارف محیط زیست، کتاب

فرزانه، علوم عملی، ۵۰۰/درمان‌های خانگی، گلبرگ، علوم عملی، ۵۰۰/مدیریت ایرانی، هزاره سوم اندیشه، علوم عملی، ۵۰۰/مهر و اندیشه و شکسپیر، اندیشه عالم، ادبیات، ۷۰۰/طیران آدمیت، بازه، ادبیات، ۵۰۰/باورهای حقیقی، پیک‌آوین، ادبیات، ۵۰۰/بابا پدر من، تابش فرهنگ، ادبیات، ۷۰۰/بر سمند خیال، تالار کتاب، ادبیات، ۲۰۰/ژوضوع و نگارش، چاپار، ادبیات، ۷۰۰/تار عنکبوت، حقوقی، ادبیات، ۷۰۰/مجموعه نمایشنامه‌های کاشان، خاطرات قلم، ادبیات، ۲۰۰، کاشان/یکی از ما، خالدبن، ادبیات، ۵۰۰، خوزستان/راه‌گشای فیلمنامه‌نویسی، دستان، ادبیات، ۷۰۰/زنان مبارز جهان، رشکو، علوم اجتماعی، ۷۰۰/ کابل تا بغداد، عبدالله رفیعی، علوم اجتماعی، ۵۰۰/تویه ز ستوری، اجتماعی، تاریخ و جغرافیا، ۵۰۰/عصر امیرانوری ۱۹۱۴-۱۸۷۵، اختران، تاریخ و جغرافیا، ۷۰۰/نخبه الدهرفی عجائب البر و البحر، اساطیر، تاریخ و جغرافیا، ۵۰۰/نهضت ملی ایران، ابتا، تاریخ و جغرافیا، ۷۰۰/ایران و ماوراءالنهر در نوشته‌های چینی و مغولی، بنیاد موقوفه دکتر افشار، تاریخ و جغرافیا، ۳۰۰/سیری در تاریخ سیاسی کرد و کردهای قم، پرسمان، تاریخ و جغرافیا، ۵۰۰/دین قدرت و ثروت، ذکر، تاریخ و جغرافیا، ۵۰۰/سیری در تاریخ علویان، رسائش، تاریخ و جغرافیا، ۵۰۰/وداع با دوم خرداد، روزنه، تاریخ و جغرافیا، ۵۰۰/ کردها نوادگان ماداها، زیار، تاریخ و جغرافیا، ۵۰۰/ کردستان/گفتمان‌های دینی معاصر، سرابی، تاریخ و جغرافیا، ۵۰۰/نقادی قدرت، سرابی، تاریخ و جغرافیا، ۵۰۰/ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ قریب بزرگ سیاست، تاریخ و جغرافیا، ۵۰۰/تاریخچه اروپ، شیرازه/تاریخ و جغرافیا، ۲۰۰/ محاکمات سیاسی در ایران، علم، تاریخ و جغرافیا، ۵۰۰/ خاطرات دکتر مظفر بقایی کرمانی، علم، تاریخ و جغرافیا، ۵۰۰/ جهان در آستانه قرن بیست و یکم، قطره، تاریخ و جغرافیا، ۵۰۰/ گذر عمر، کویر، تاریخ و جغرافیا، ۵۰۰/عراق از دید سیاحان و جهانگردان، گوهر منظوم، تاریخ و جغرافیا، ۵۰۰/برخورد تمدن، مازیار، تاریخ و جغرافیا، ۵۰۰/افغانستان از جهاد تا جنگ‌های داخلی، محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی، تاریخ و جغرافیا، ۵۰۰/عبرت‌نامه، مرکز، تاریخ و جغرافیا، ۳۰۰/ اوضاع اجتماعی اقتصادی موالی در صدر اسلام، نی، تاریخ و جغرافیا، ۳۰۰ المتحولون ج ۱، ۲ و ۳، قفه، ۳۰۰، قم/آموزه‌های صوفیان از دیروز تا امروز، قصیده‌سرا، دین، ۵۰۰/درآمدی بر الهیات تطبیقی، کتاب طه، دین، ۵۰۰، قم/اصول تمدن شناسی تبلیغ در افغانستان، کشف‌الغطاء، دین، ۵۰۰، قم/شیون عرشیان، لاهوت، دین، ۵۰۰، قم/هدیه عشق، لاهوت، دین، ۵۰۰، قم/ آشنایی با اسلام و فرقه‌های آن، محور، دین، ۳۰۰/الامام المجتبی ابوءمحمد الحسن بن علی علیهما السلام، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، دین، ۳۰۰/ سیمای قرآن در نهج‌البلاغه، مصباح الهدی، دین، ۵۰۰/ خاطرات معظم، ممتاز، دین، ۵۰۰/درآمدی بر نظریه‌های اجتماعی دین، مؤسسه پژوهشی امام خمینی، دین، ۳۰۰، قم/نقش اسلام در توسعه حقوق بین‌الملل، مؤسسه پژوهشی امام خمینی، دین، ۳۰۰، قم/بحث خاک، موعود عصر، دین، ۵۰۰/ پیشگویی‌ها و آخرالزمان، موعود عصر، دین، ۷۰۰/ خوشی‌های دوران سخت، نزهت، دین، ۵۰۰/ورزش و ارزش، نصر، دین، ۵۰۰، قم/بیداری ایمان در مهابانه، نگاه، دین، ۵۰۰/ارزشیابی خلاق در تعلیم و تربیت دینی بصیرت گرا، نهج، دین، ۵۰۰/مجموعه مقالات تعلیم و تربیت دینی، نهج، دین، ۵۰۰/ بیدارترین سپیده، نیک معارف، دین، ۵۰۰/ارزش و ورزش، هزیر، دین، ۳۰۰/ انتخاب عاقلانه زندگی عاشقانه، یادآوران، دین، ۷۰۰/اندیشه‌های سیاسی مسلمانان، یاقوت، دین، ۵۰۰، قم/مبانی استقرا، بصیتی، دین، ۳۰۰، قم/زن در حلقه تعابیر، افلاک، علوم اجتماعی، ۷۰۰، ارسنان، بزرگان ری، دارالحدیث، دین، ۳۰۰، قم/دانشمندان و مشاهیر حرم حضرت عبدالعظیم(ع)، دارالحدیث، دین، ۳۰۰، قم/الفقه الاسلامی، دارالهدی، دین، ۳۰۰، قم/ کمیل بن زیاد، دارالهدی، دین، ۳۰۰، قم/ حیاة‌الشهید مسلم بن عقیل(ع)، دارالهدی، دین، ۳۰۰، قم/ محمدبن الحنیفه، دارالهدی، دین، ۱، دهکده جهانی آل محمد(ص)، دین، ۷۰۰/الفرقه الناجیه، زائر، دین، ۳۰۰، قم/تاریخ علما و رحلاتیت دزفول، زائر، دین، ۵۰۰، قم/جان شیفته یادنامه عارف قزلانه...، زلال کوثر، دین، ۵۰۰، قم مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، زواره، دین، ۵۰۰/الرسول المصطفی، زرف، دین، ۲۰۰/دراسه فی‌الرسول المصطفی، زرف، دین، ۲۰۰/ فصاحه الرسول المصطفی، زرف، دین، ۲۰۰/ اسماء الرسول المصطفی و القابه، زرف، دین، ۲۰۰/ من هن زوجات الرسول المصطفی، زرف، دین، ۲۰۰/اسلام و مبانی حکومت سرابی، دین، ۵۰۰/سازمان وکالت و نقش آن در عصر امامه، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، دین، ۳۰۰، قم/ تمدن غربی تمدن اسلامی و غرب‌گرایی، شلاک، دین، ۵۰۰، ۵۹/نکته درباره امام زمان(ع)، شیعه، دین، ۵۰۰، قم/آغاز عشق، طاق بستان، دین، ۵۰۰، کرمانشاه/ دوره‌ها و پیشگامان بیداری اسلامی معاصر، فراکتاب، دین، ۵۰۰/بررسی هفت‌ها، فروهر، دین، ۵۰۰/فلسفه اخلاق و دین، آفتاب توسعه، فلسفه و روانشناسی، ۷۰۰/اندیشه استاد محمدتقی شریعتی بر محور قرآن کریم، آزمد، دین، ۷۰۰، خراسان/کوی نیک نامان ج ۱/آفتاب دانش، دین، ۵۰۰، خراسان/ آشنایی با روش تربیت اسلامی، احسان، دین، ۵۰۰/ اصحاب کهف، ارمغان، دین، ۴۰۰/گنجینه‌ای از نقود اساطیی، دین، ۵۰۰/شیم ولایت، اسرا، دین، ۵۰۰، قم/قرآن حکیم/از مظلم امام رضا(ع)، اسرا، دین، ۵۰۰، قم/ایزدان و ایزدبانوان یونانی، اسطوره، دین، ۵۰۰، اسطوره/ ایزیس آزیریس و حماسه گیل گمش، اسطوره، دین، ۵۰۰/امام علی(ع) از زبان اهل سنت، انتظار سبز، دین، ۷۰۰، قم، سیاستگذاری و فرهنگ در ایران امروز، باز، دین، ۵۰۰/ لشکریان عقل و جهل، بضعه الرسول، دین، ۵۰۰، قم/فلسفه حقوق اسلامی، بوستان کتاب قم، دین، ۵۰۰، قم/ولایت در منبر عشق، پیام دبیر، دین ۵۰۰، قم/زندگینامه امام حسین(ع) پیری، دین، ۳۰۰/مبانی عزت در قرآن، تقلین، دین، ۵۰۰، قم/اندیشه دکتر علی شریعتی بزنیانی بر آیات قرآن کریم، جلیل، دین، ۷۰۰، خراسان/اسلام و خشونت، حره، دین، ۵۰۰، قم/قرآن و اندیشه، حکمت، دین، ۸۰۰/ شناخت‌نامه حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) و شهری جلد ۱ و ۲، دارالحدیث، دین، ۳۰۰، قم/ ماخذشناسی حضرت عبدالعظیم حسنی(ع)، دارالحدیث، دین، ۳۰۰، قم/روح وریحان یا جنه‌النعیم و العیش السلیم، دارالحدیث، دین، ۳۰۰، قم.

رسانه ها

فصلنامه کتاب

پنجاه و ششمین شماره فصلنامه کتاب (نشریه سازمان اسناد و کتابخانه ملی) در ۳۸۰ صفحه منتشر شد.

چالش‌های تبدیل کتابخانه‌های سنتی به دیجیتال، وب نامه راهی به سوی استفاده مؤثر از وب جهانی، کتابخانه ملی در قرن بیست و یکم، انقراض یا پویایی، کتابداران کتابخانه‌های دیجیتالی، گزارش همایش «کتابخانه ویژه»، از خیزش تئوریک تا تعریف و فلسفه علم، گفت‌وگو با استاد کامران فانی و ارزیابی دوره‌های آموزش عمومی کتابداری در کتابخانه ملی ایران از جمله مطالب این شماره فصلنامه کتاب است.

آینه میراث

بیست و سومین شماره آینه میراث با آثاری از دکتر پرویز اذکایی، جویا جهانبخش، محمد روشن، ایرج افشار، علی محمد روحبخشان، علیرضا ذکاوتی قراگوزلو و... منتشر شد.

بنیان کعبه، شروح شعرهای خاقانی شروانی، نامه‌نگاری دو دوست، نسخ خطی الازهر، کلیات بسحق و آموزگار آموزگاران از جمله مطالب این شماره آینه میراث است.

جهان کتاب

شماره ۱۸۲ جهان کتاب ویژه خردادماه ۸۳ منتشر شد.

در این شماره می‌خوانید: آدم‌های بدوی، ماریو بارگاس یوسا، ترجمه عبدالله کوثری؛ شمه‌ای از کمالات جمالزاده، فرخ امیر فریار؛ ۵۰ سال پس از آن روز سیاه، جلیل دوستخواه؛ ۵۰ سال «اندیشه و هنر»، حسن میرعابدینی؛ انسان بحران‌زده، جلال رستمی و... از جمله مطالب این شماره جهان کتاب است.

کتاب

خانه آخر

کوچه اول خانه آخر، حمیدرضا ساعتچی، نشر یادآوران، چاپ اول: ۱۳۸۳، ۲۸۷ صفحه، ۲۲۰۰ نسخه، بها: با جلد گالینگور ۳۵۰۰ تومان، با جلد شومیز ۲۵۰۰ تومان.

«کوچه اول خانه آخر» اقتباسی از سرگذشت واقعی نوئم صفریان معروف به «الماست که زندگی او با دیدن یک آگهی فال قهوه در مجله زن روز (سال ۱۳۲۹) دگرگون شد.

حمیدرضا ساعتچی در ابتدای کتاب زندگی «الما» را به ذرات پرمرز و راز قهوه در فنجان تشبیه کرده است.

خبر کوتاه

انتخاب: اولین کتاب سال آرم‌ها و لوگوهای «دانشجویان گرافیک» با ۱۰۰ اثر برگزیده دانشجویان، توسط نشر رسم منتشر خواهد شد.

جام جم آن‌لاین: هیأت داوران جایزه ادبی رخوردو، ۱۲ کتابی را که از میان آنها آثار برگزیده انتخاب می‌شوند، منتشر کرد.

ایسنا: کتاب «حتای مرگ» شامل نقدهایی بر مجموعه «هفتاد سنگ قبر» یدالله رویایی از جمله نقدهای منوچهر آتشی، رضا براهنی، هوشنگ گلشیری و رویا نقشی با تألیف محمدولی زاده و محمدحسین مدل منتشر می‌شود. نقد رویایی بر مجموعه شعر خود همراه با عکس‌های افشین شاهرودی با موضوع مرگ نیز ضمیمه این کتاب است.

شرق: کتاب «فمینیسم و دانش‌های فمینیستی» شامل تحلیل‌ها و نقدهای مجموعه مقالات دایرةالمعارف فمینیسم راتلج با رویکردی قرآنی توسط دفتر مطالعات و تحقیقات وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران منتشر شد.

کتاب هفته: کتاب «روضة‌المنجمین» در دوازدهمین نشست علمی و متن‌پژوهی مرکز نشر میراث مکتوب با سخنرانی دکتر پرویز اذکایی، دکتر رحیم رضازاده ملک و دکتر هاشمی‌پور ساعت ۱۷ چهارشنبه ۲۰ خردادماه در دفتر این مرکز نقد و بررسی می‌شود.

جام جم آن‌لاین: انتشارات گالیمار و رودومند به ازای هر ۲ کتابی که از ۲۵ ماه می‌به فروش برسد، یک کتاب رایگان به کودکان محروم اهدا می‌کند.

رسالت: در کتابخانه شهر ناصریه عراق ۳هزار و ۹۰۰ کتاب ارزشمند توسط افراد ناشناس به آتش کشیده شد.

جام جم آن‌لاین: وب‌سایت شخصی جی کی رولینگ، نویسنده کتاب‌های هری پاتر در هفته نخست، ۱۷ میلیون مراجعه کننده داشت. شما می‌توانید با مراجعه به نشانی اینترنتی www.jkrowling.com، راجع به ششمین کتاب هری پاتر اطلاعات بگیرید.

جام جم آن‌لاین: اولین فرهنگ جامع انواع ترس‌ها توسط یک نویسنده برزیلی نوشته شد.

گشت و گذار

مجتبی زارعیان جهرمی

ری: کتابخانه مرکزی آستان مقدس حضرت عبدالعظیم(ع)

کتاب نذر آستان مقدس می کنند

این بزرگوار، سیدالکریم است. خیلی بخشنده و صاحب کرامات بسیار، هر کسی به فراخور حالش بهره‌مند می‌شود، همین چند روز پیش نامه‌ای سری به دستم رسید از پیرمردی ۷۰ساله که نذر و عهد کرده بود اگر بینایی‌اش را به دست آورد ۲۰۰ جلد کتاب، به کتابخانه آستان هدیه کند و چنین شد.

اینها را حسین مؤذنی، رئیس کتابخانه مرکزی آستان مقدس حضرت عبدالعظیم(ع) فرزند مرحوم جواد مؤذنی بنیادگذار این کتابخانه می‌گوید. حسین مؤذنی از سال ۱۳۳۹ در کنار پدر مشغول خدمت بوده و پس از فوت پدر (بهمن ماه ۷۱) به دستور تولیت آستان عهده‌دار امور کتابخانه گردیده است. وی سرچشمه خدمات ارزنده‌ای در زمینه راهنمایی پژوهشگران و دانشجویان محقق و منبع گرانبهای تاریخ شفاهی این آستان و ری‌شناسی است.

از همکاری بزرگوارانه ایشان جهت تهیه این گزارش صمیمانه سپاسگزاریم.

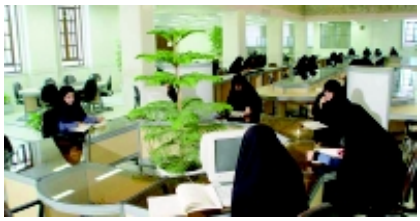

بنیادگذار

مرحوم جواد مؤذنی در سال ۱۲۹۰ شمسی متولد شد. جد او مرحوم شیخ حسین (مؤذن و قاری آستان) که حافظ قرآن بوده و از صوت خوشی نیز برخوردار بوده در ابتدای سلطنت ناصرالدین شاه قاجار به‌عنوان مؤذن و قاری به افتخار خدمتگذاری آستان مقدس نایل آمد.

پسر آقا شیخ حسین، شیخ رضا مؤذن، پس از پدر عهده‌دار منصب او گردید. جواد مؤذنی فرزند آقا شیخ رضا در ابتدای نوجوانی پس از فراگیری مقدمات در مدرسه علمیه امینیه (امین السلطان) نزد مرحوم حاج شیخ محمد خراسانی که از اوتاد بود به ادامه تحصیل مشغول گردید.

مرحوم مؤذنی در محضر ۳ نفر از عالمان بزرگ آن زمان، حاضر شد و با هر سه نفر آنان مؤانست و الفتی خاص برقرار کرد:

-حاج شیخ مرتضی آشتیانی، رئیس حوزه‌های علمیه مشهد که در اعتراض به واقعه مسجد گوهرشاد در ری ساکن گردیده بود.

-حاج شیخ محمدتقی باقفی، تبعیدی رضاخان از قم به شهرری.

-حاج شیخ هادی مجتهد تبریزی که در اعتراض به غائله پیشروی تبریز در ری ساکن گردیده بود.

-شیخ جواد مؤذنی از سال ۱۳۲۴ شمسی به عنوان کتابدار و مدیر برگزیده شد. متن حکمی که از طرف تولیت آستان حضرت عبدالعظیم به ایشان داده شد چنین است:

آقای جواد مؤذنی چون اداره آستانه برای استفاده عامه اقدام به تأسیس کتابخانه نموده، احتیاج به مراقبت یک نفر امین دارد. بنابراین از این تاریخ شما را به سمت کتابداری تعیین نموده، مقتضی است در انجام مأموریت خود نهایت جدیت را مبذول دارید.

گذشته

مدفن حضرت عبدالعظیم(ع) از ابتدا مورد توجه شیعیان بوده و تقریباً نیم قرن پس از وفات آن حضرت علاقه‌مندان و بعضی از حکام و سلاطین نسبت به ساخت بقعه توجه خاصی مبذول داشته‌اند. قسمتی از سردر آذین شده بقعه مربوط به زمان آل بویه و حوزه علمیه آستان مربوط به زمان سلجوقیان بیانگر آن است که این آستان از همان ابتدا پایگاه علمی و فرهنگی بوده و یقیناً این پایگاه علمی از وجود کتابخانه بی‌بهره نبوده است. از چگونگی تأسیس اولین کتابخانه اطلاع دقیقی در دست نیست ولی تا آنجا که شواهد نشان می‌دهد در سال ۱۲۲ قمری که شاه ظهماسب صفوی اقدام به توسعه آستان حضرت عبدالعظیم و امامزاده حمزه(ع) نمود، پس از ساختن رواق و شبستان‌های شرقی و غربی، تولیت آستان را به یکی از فرزندان خاتم المجتهدین (داماد محقق کرکی) که از جایگاه علمی و الایی برخوردار بود، رسید.

در همان عصر، حوزه علمیه و کتابخانه که با حمله مغول و تیمور تقریباً منهدم گردیده بود، حیات مجدد پیدا نمود و کتابخانه معظم و معتبری با مجموعه‌ای از کتاب‌های نفیس و کم‌نظیر دایر گردید. نمونه‌ای از نفایس آن کتابخانه ۱۲۰ جلد کتاب خطی است که شاه عباس صفوی در ذی‌القعده ۱۰۳۷ قمری به خط و مهر خود وقف کتابخانه آستان مقدس حضرت عبدالعظیم(ع) نموده و در وقف‌نامه آن ذکر کرده است: «هر کس این کتاب‌ها را از کتابخانه خارج نماید در خون حضرت اباعبدالله الحسین(ع) شریک و سهیم باشد.» متأسفانه با از بین رفتن کتابخانه، کتاب‌های وقفی نیز به تاراج رفت و پس از تأسیس کتابخانه جدید تنها ۶ جلد از آنها به کتابخانه بازگشته و اکنون موجود است.

در سال ۱۳۲۳ شمسی زنده‌یاد جواد مؤذنی (مؤذن آستان) به وجود کتابخانه قبلی پی برده و موجودیت آن را با تولیت وقت آقای حاج سید احمد هدایتی که فردی فاضل، متدین و علاقه‌مند به علم و ادب بود، در میان گذاشته و احیای مجدد کتابخانه آستان مقدس را خواستار گردید.

تولیت وقت آستان، جواد مؤذنی و فرزند خود دکتر محمدعلی هدایتی را مأمور تأسیس کتابخانه نمودند.

ابتدا با خرید حدود ۶۰۰ جلد کتاب از مرحوم نظرپاک (از اساتید مدرسه سپهسالار) کتابخانه‌ای در ضلع شرقی صحن امامزاده حمزه(ع) دایر شد و در تاریخ ۱۳۲۶/۹/۱ مورد بهره‌برداری قرار گرفت و طی حکمی مرحوم جواد مؤذنی به عنوان امین به مدیریت کتابخانه منصوب گردید. وی ضمن تماس با افراد علاقه‌مند به کتاب با علما و مؤلفان نجف اشرف و الازهر مصر مکاتبه و از آنان درخواست همکاری نمود.

کتابخانه مرکزی آستان از بدو تأسیس تا به حال به پنج جا نقل مکان پیدا کرده: در سال ۱۳۴۰ به علت کمبود جا به جنب راهروی جنوبی صحن امامزاده حمزه(ع) منتقل شد. این ساختمان را سرتیپ محمد میمند (یکی از افسران ارتش ایران) در دو طبقه ساخته بود. بعد از آن به ضلع جنوبی باغ طوطی روبه‌روی بازار جدید و پس از آن به مرکز فرهنگی جوانان در ضلع شرقی صحن مصلی انتقال یافت. کتابخانه مرکزی هم‌اکنون در بست شمالی واقع شده است.

حال

تولیت آستان مقدس حضرت عبدالعظیم(ع) حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی ری‌شهری در برنامه طرح توسعه آستان، احداث ساختمانی را با وسعت ۵ هزار متر مربع در ۳ طبقه با کلیه تجهیزات و امکانات مدرن مد نظر قرار دادند که این پروژه پس از تکمیل در تاریخ ۸۱/۷/۳۰ مصادف با ۱۵ شعبان ۱۴۲۳ ه.ق مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

هم‌اکنون این کتابخانه دارای بیش از ۵۰ هزار جلد کتاب است. بیشتر این کتاب‌ها مرجع هستند که بیشترشان توسط علمای حوزه و دانشگاه و افراد خیر وقف شده‌اند. همچنین کتاب‌های خطی کتابخانه از نفایس مکتوب است که فهرست ۴۳۰ جلد آن در سال ۱۳۴۲ توسط استاد محمدتقی دانش‌پژوه تهیه و در نشریه شماره ۳ سخ خطی دانشگاه تهران چاپ و منتشر گردیده است.

در ابتدای سال ۸۱ به دستور تولیت آستان، به منظور فهرست‌نویسی مجدد کلیه کتب خطی و نزدیک به ۳ هزار جلد کتاب چاپ سنگی و سربی کمیاب موجود، گروهی از کارشناسان مجرب به کتابخانه اعزام گردیدند تا پس از فهرست‌نویسی همزمان با کنگره بزرگداشت حضرت عبدالعظیم(ع) که در اوایل سال ۱۳۸۲ برگزار گردید، چاپ و در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد. گفتنی است کتاب‌های چاپ سربی در قاهره، بغداد، قسطنطنیه، هلند، کراچی، دهلی، بمبئی و انگلستان به چاپ رسیده است.

این کتابخانه طی ۸ سال اخیر ۹۸۶۱ عضو فعال داشته و به طور متوسط روزانه پاسخگوی ۸۵۰ نفر مراجعه‌کننده می‌باشد. حسین مؤذنی از علاقه‌اش به کار می‌گوید: من و پدرم تمام سال‌های عمرمان را در این کتابخانه و خدمت به آستان سپری کرده‌ایم. من هر روز صبح به اینجا می‌آیم و در ضمن باید در روز ۳ یا ۴ ساعت مطالعه کنم تا بتوانم پاسخگوی نیاز مراجعان و راهنمایی دانشجویان و دانش‌آموزان باشم. اگر خودسازی نباشد تقریباً کسی در شهر نیست که بتواند جواب محققان ری‌شناسی را بدهد. هر روز مراجعانی که می‌خواهند در ارتباط با شهرری تحقیق کنند و به دنبال منبع هستند، به سراغ من می‌آیند و این خودش باعث می‌شود که من به کارم علاقه‌مند باشم و با آن زندگی کنم.

وی با اشاره به امکانات منحصر به فرد کتابخانه آستان می‌افزاید: در سال ۷۳ با مجهز شدن کتابخانه به سیستم رایانه‌ای و ثبت مشخصات کتاب‌ها با انگیزه پاسخگویی به نیاز تحقیقاتی مراجعان و اطلاع‌رسانی در کوتاه‌ترین زمان ممکن، جمع‌آوری و ثبت ریز مطالب مندرج در کتاب‌ها و نشریات آغاز گردید.

حسین مؤذنی در مورد روش‌های نگهداری کتاب‌های خطی و سنگی در این کتابخانه می‌گوید: تا ۳۰ سال پیش به روش سنتی پشت قفسه‌های کتاب‌های قدیمی از تباکو استفاده می‌کردیم که ریخت و پاش آن زیاد بود. الان حدود ۲۵ سال است که از نفتالین گلوله‌ای استفاده می‌کنیم و تا به حال که ۲۵ سال است با اینکه قفسه‌ها چوبی بوده هیچ کتابی عیب نکرده، البته به تازگی از قفسه‌های پروفیل استفاده می‌کنیم و فقط ۱۰۰ قفسه چوبی داریم.

مدیر کتابخانه مرکزی آستان مقدس با اشاره به برنامه‌های آینده‌شان در ادامه می‌افزاید: سعی می‌کنیم نقایص و کمبودها را برطرف کنیم و کتاب‌های دوره‌ای را تکمیل کنیم همچنین کتاب‌های جدید را تهیه کنیم و به اینترنت وصل شویم. همچنین در صدد هستیم کف صحن امامزاده حمزه(ع) به کتابخانه تبدیل شود و مهندسان هم برای این کار طرح و نقشه داده‌اند.

یک خاطره

مرحوم پدر پس از اطلاع از اینکه کسی تعدادی کتاب دارد، به هر طریق که بود با او ارتباط برقرار کرده و او را تشویق و ترغیب می‌کرد که بهترین جا برای حفظ کتاب‌های شما، کتابخانه آستانه می‌باشد. به هر حال فرد مورد نظر یا در زمان حیات خود یا طبق وصیت بعد از فوت خود، کتاب‌ها را وقف کتابخانه می‌کرد، پدر پس از اطلاع، به منزل صاحب کتاب می‌رفت، کتاب‌ها را جمع‌آوری و صورت‌برداری می‌کرد و به کتابخانه منتقل می‌نمود که یک مورد آن از این قرار است:

شخصی پس از ارتباط با ایشان و اعلام آمادگی برای اهدای کتاب‌هایش آدرس منزل خود را به پدر داده منزلی واقع در کوچه ساربان‌های تهران -کوچه بسیار طویلی که خیابان شهباز را به میدان قیام و میدان شاه، وصل می‌کرد- ایشان روز بعد به آدرس موعود رفته، در زیرزمین منزو که در چند صندوق قدیمی چوبی با تعدادی کتاب که از خاک و تار عنکبوت انباشته بود، روبرو شده بود. ایشان کلیه کتاب‌ها را از صندوق خارج کرده و گردگیری کرده و مرتب و منظم می‌کند.

صاحب کتاب‌ها پس از بازگشت از محل کار خود به منزل آمد و داخل زیرزمین شد. ابتدا باور نمی‌کرد که این کتاب‌ها همان کتاب‌هایی است که سال‌ها داشته، قدری مردد می‌شود، بعد هم تعدادی از آنها را جدا کرده تحت عنوان اینکه خودم نیاز دارم، کنار می‌گذارد و باقی مانده را که مندرس و کهنه بود به پدر می‌دهد. او هم آنها را داخل یک گونی چیده بر دوش گذاشته و از منزل خارج می‌شود. البته عبا و عمامه خود را به من که کودکی ۸ یا ۹ ساله بودم داد که راحت‌تر بتواند گونی پر از کتاب را حمل نماید. اواسط کوچه طویل ساربان‌ها باران شروع به باریدن کرد، او که عرق و آب از سر و رویش جاری بود کتاب‌ها را بر روی سکوی منزلی گذاشته عبایش را از من گرفت و روی گونی کتاب‌ها کشید تا به کتاب‌ها آسیبی نرسد. وقتی به ایستگاه اتوبوس در میدان قیام رسیدیم من و او خیس شده بودیم ولی کتاب‌ها حتی مرطوب هم نشده بود.

کتابهای این کتابخانه این جوری جمع‌آوری شد. این خاطره را یادآور شدم تا آیندگان بدانند که گنجینه نفیس آستان با چه سختی‌ها و مشقتی جمع‌آوری شده که انشاءالله در حفظ آن کوشا باشند.

شهرری؛ بیشترین سهم از کتابخانه عمومی

نبض حیات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هر کشور در کتابخانه‌های عمومی می‌زند و گسترش کمی و کیفی این مکان‌ها تأثیری قابل توجه در تداوم توسعه کلان و رشد حیات مادی و معنوی هر ملت دارد. نخستین جوانه‌های اندیشه و امید در آرامش و سکوت مقدس کتابخانه‌ها به بار می‌نشیند.

بر اساس جدیدترین آمارگیری دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۸۲، استان تهران بیشترین تعداد کتابخانه‌های عمومی، مساجد، مدارس و کودک و نوجوان را در سطح کشور داراست. شهر ری به عنوان یکی از شهرستان‌های این استان که بیشترین کتابخانه‌های عمومی را در خود جای داده، دارای ۶ باب کتابخانه در حال بهره‌برداری، ۱ باب کتابخانه آماده بهره‌برداری و ۳ باب کتابخانه در حال ساخت می‌باشد که حدود ۸۰ درصد عملیات آنها انجام گرفته است.

مهدی شفیعی اردستانی، مسؤول امور کتابخانه‌های عمومی شهرستان ری که در سال ۸۲ از طرف دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی به عنوان مسؤول نمونه در سطح کشور برگزیده شده، عملکرد کتابخانه‌های عمومی «ری» را بسیار مثبت ارزیابی می‌کند و اظهار می‌دارد: با توجه به گسترش کتابخانه‌های شهرستان که از یک باب در سال ۷۹ به تعداد ۶ باب کتابخانه فعال در حال حاضر افزایش یافته و همچنین استقبال از کتابخانه‌های مذکور و نیاز این شهرستان به بیش از این تعداد و نیز آمار و ارقام مراجعان به کتابخانه‌های مذکور، عملکردشان بسیار مثبت ارزیابی می‌شود.

وی تنها مشکل کتابخانه‌های شهر ری را کمبود نیروی انسانی می‌داند و امیدوار است با ابلاغ آیین‌نامه اجرایی لایحه تأسیس و نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی مصوب مجلس شورای اسلامی این کمبود مرتفع گردد.

بنا به گزارش مسؤول امور کتابخانه‌های عمومی شهرستان ری، طبق آخرین آمار، ۶ باب کتابخانه فعال این شهرستان دارای ۶۰ هزار جلد کتاب و نزدیک به ۱۰۲۰۰ عضو فعال می‌باشد.

در سال ۸۲ تعداد ۳۷۵۰۱۶ جلد کتاب به امانت داده شده و حدود ۴۰۸۹۵۶ نفر به کتابخانه‌های مذکور مراجعه کرده‌اند.

به سراغ کتابخانه‌های عمومی، مسؤولان و کتابداران ری رفته‌ایم. از نزدیکترین آنها به مرکز شهر، کتابخانه رازی تا دورترینشان کتابخانه حسن‌آباد که در ۳۵ کیلومتری تهران واقع شده تا در جریان اوضاع و احوالشان قرار گیریم و گزارش توصیفی و تصویری فراهم آوریم.

وضعیت نیروی انسانی، وضعیت فیزیکی ساختمان‌ها و تجهیزات کتابخانه‌ها، برنامه‌های جنبی و فعالیت‌های فوق برنامه کتابخانه‌ها و وضعیت استخدامی کتابداران و نحوه اداره کتابخانه‌ها در آینده توسط انجمن دبیرخانه‌های استان‌ها عمده‌ترین موضوع‌هایی است که این گزارش به آن پرداخته است.

خانه تازه‌های کتاب و اطلاع‌رسانی و کتابخانه رازی کتاب‌هایمان روزآمد است

اولین کتابخانه عمومی شهر ری در سال ۱۳۴۶ تأسیس شد. این کتابخانه در حال حاضر دارای ۲۰۲۰۰ جلد کتاب است که به خاطر کمبود جا برای تازه‌های کتاب در سال ۸۲ هفت هزار جلد کتاب آن وجین شده. در هر ماه حدود ۱۷ تا ۱۸ هزار جلد کتاب از کتابخانه رازی به امانت داده می‌شود. این کتابخانه در طول ماه حدود ۲۰ هزار نفر مراجعه کننده دارد و بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ نفر عضو می‌پذیرد. ۴۲۰۰ نفر عضو فعال به‌صورت دائم از این کتابخانه استفاده می‌کنند.

مرکز اطلاع‌رسانی و تازه‌های کتاب شهر ری که در طبقه زیرین کتابخانه قرار گرفته در آبان ماه ۸۰ افتتاح شده است.

مرضیه هاشمی زاده با ۲۹ سال سابقه خدمت در کتابخانه‌های عمومی که در سال ۸۱ به عنوان کتابدار نمونه کشور برگزیده شده، سرپرستی کتابخانه و مرکز تازه‌های کتاب را به عهده دارد. وی با اشاره به جذابیت کار کتابداری می‌گوید: با کتاب سر و کار داشتن همه‌اش جذابیت و خاطره است. کتابدار خودش یک مرجع است که روزانه باید مطالعه داشته باشد و پاسخگوی نیاز مراجعان باشد که همین مطالعه داشتن باعث جذابیت کار می‌شود.

خانه تازه‌های کتاب شهر ری در سال ۸۲ حدود ۶۵۰۰ جلد کتاب دریافت کرده که مبلغ ریالی آن حدود ۱۶ میلیون تومان می‌شود.

تعدادی از این کتاب‌ها در کتابخانه رازی برای استفاده مراجعان می‌ماند و بقیه کتاب‌ها بین ۵ کتابخانه دیگر شهری تقسیم می‌شود.

هاشمی زاده با اشاره به روزآمدی کتاب‌های این کتابخانه می‌گوید: بهترین امتیازی که کتابخانه رازی توانسته بگیرد همین خانه کتاب است، چون تنها شهرستانی است که توانسته این امتیاز را بگیرد. این امتیاز در تأمین نیاز مراجعان خیلی تأثیر داشته و به نظر من چون عموم مردم از کتابخانه‌های عمومی استفاده می‌کنند هدف ما دسترسی مردم از آسانترین و کم‌هزینه‌ترین راه به کتاب‌های مورد نیازشان است. خانه کتاب بهترین مکان برای ارائه این خدمات است.

وی که معضل اساسی کتابخانه‌های عمومی را کمبود نیروی انسانی می‌داند در ادامه می‌گوید: در حال حاضر ۷ نیرو، این کتابخانه را اداره می‌کنند اما چون دو واحد در اینجا داریم، کار در برخی مواقع سنگین می‌شود.

کتابخانه عمومی صاحب بن عباد-خاورشهر «مطالعه در بوستانی باصفا»

کتابخانه خاورشهر که در ۵ کیلومتری شرق ری، در بوستان زیبای شهید بابایی قرار گرفته با ۵۰۰ متر زیربنا در اسفندماه ۸۱ افتتاح شده است. ساختمان این کتابخانه را شهرداری منطقه ۱۵ تهران و نیروهایش را اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهر ری تأمین کرده است. این کتابخانه دارای ۵۱۵۴ جلد کتاب و ۱۱۰۰ نفر عضو فعال است. دو نفر نیروی کتابدار این کتابخانه را اداره می‌کنند. علی اکبر قربانی، مسؤول کتابخانه عمومی خاورشهر با اشاره به نداشتن سرایدار

می‌گوید: بر اثر کمبود نیرو گاهی اوقات فشار زیادی بر ما می‌آید. احداث سرایداری نیز از مسائل دیگر است که در صدد رفع آن هستیم. وی در ادامه می‌گوید: دید عموم مردم نسبت به کتابخانه‌های عمومی هنوز رشد نکرده و امیدواریم دستگاههای اجرایی دید مردم را نسبت به کارآیی کتابخانه‌ها تغییر دهند چون اگر رشد بالندگی این مکان‌ها روزافزون باشد به رشد فرهنگی کشور کمک می‌شود.

کتابخانه عمومی امام خمینی(ره) کلیه اطلاعات کتابخانه را کامپیوتری کرده‌ایم

این کتابخانه که با ۵۰۰ متر زیربنا در دو طبقه در ضلع شرقی حرم حضرت عبدالعظیم(ع) واقع شده در اسفند ۷۹ مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. کتابخانه امام خمینی(ره) با ۶۰۰۰ جلد کتاب افتتاح شد اما اکنون ۹۰۰۰ جلد کتاب در اختیار مراجعه کنندگان قرار دارد.

محمدرضا حامد مسؤول این کتابخانه می‌گوید: اینجا تنها کتابخانه شهری است که توانسته کلیه اطلاعات کتابخانه را وارد کامپیوتر کند اما متأسفانه کامپیوتر ما خیلی قدیمی و از دور خارج است. وی با اشاره به نامناسب بودن وضعیت فیزیکی ساختمان کتابخانه می‌افزاید: برای ساختن کتابخانه‌ها باید اصول ساخت و ساز را در نظر بگیرند. در این ساختمان جایی را برای سالن‌های مطالعه، نشریات و بخش مرجع به صورت مجزا در نظر نگرفته‌اند. حامد، با اظهار خوشبینی نسبت به نحوه اداره کتابخانه‌ها از طریق انجمن دبیرخانه کتابخانه‌های عمومی استان‌ها می‌گوید: ان شاءالله بهتر می‌شود و کمبودها و مشکلات زودتر برطرف می‌شود.

کتابخانه عمومی باقرالعلوم-باقرشهر «کتاب‌ها و منابع ما خیلی کم است»

این کتابخانه در فضایی به وسعت ۶۰۰ متر مربع و با زیربنای ۳۰۰ متر مربع در سال ۸۱ تأسیس شده. اعضای فعال آن ۱۰۱۵ نفر است و تعداد ۱۵۲۷ جلد کتاب کودک و ۴۰۵ جلد کتاب با موضوعات دیگر در این کتابخانه موجود می‌باشد.

رحمت‌الله اسماعیلی مسؤول کتابخانه باقرشهر با اشاره به این موضوع که کتابخانه باقرشهر بیشترین مراجعه کننده را دارد می‌گوید: روزانه ۶۰ تا ۷۰ جلد کتاب به امانت می‌دهیم و همین تعداد نیز به کتابخانه برگردانده می‌شود. من در کتابخانه‌های رازی، حسن‌آباد و کهریزک هم کار کرده‌ام و به نظرم می‌آید بعد از کتابخانه رازی شهر ری، در این کتابخانه بیشترین مراجعه کننده را داریم.

اسماعیلی، مهمترین مشکل این کتابخانه را کمبود منابع، کتاب و نیروی انسانی می‌داند و می‌افزاید: منابع کتاب ما خیلی کم است. اکثر کتاب‌ها قدیمی است و جای فهرست‌نویسی ندارد. من به عنوان مسؤول کتابخانه، شبانه صبح و عصر در اینجا کار می‌کنم البته یک نیروی کمکی هم از شهرداری گرفته‌ایم که ایشان کتابدار نیست و به کارهای فنی آشنایی ندارد.

وی در ادامه با اشاره به وضعیت نامناسب حقوقی کتابدارها می‌گوید: قبل از اینکه وارد این حرفه شوم شنیده بودم که معلم‌ها قشر خیلی مستضعفی هستند اما وقتی وارد این شغل شدم دیدم به غیر از معلم‌ها کسان دیگری هم هستند که واقعاً زحمت می‌کشند اما در دید نیستند و از نظر مالی در تنگنا هستند. در کتاب‌های مربوط به کتابداری می‌خوانیم که یک کتابدار باید امنیت شغلی داشته باشد. وقتی کتابدار می‌بیند که می‌تواند هر لحظه هر تصمیمی درباره‌اش

شهرری دارای ۶ باب کتابخانه در حال بهره‌برداری، ۱ باب کتابخانه آماده بهره‌برداری و ۳ باب کتابخانه در حال ساخت می‌باشد که حدود ۸۰ درصد عملیات آنها انجام گرفته است

بگیرند فقط به فکر تثبیت موقعیت شغلی خود است.

اسماعیلی در مورد نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی در آینده می‌گوید: ما نه اساسنامه آن را دیده‌ایم و نه در جریان آیین‌نامه اجرایی آن هستیم. باید اساسنامه آن در اختیارمان قرار بگیرد تا در موردش نظر دهیم. این طوری که من از دیگران شنیده‌ام می‌گویند از نظر حقوقی و استخدامی بهتر می‌شود.

مسؤول کتابخانه عمومی باقرشهر، آینده فرهنگی این منطقه را بسیار مثبت ارزیابی می‌کند و می‌افزاید: آینده فرهنگی باقرشهر را خیلی مثبت می‌بینم، وضعیت فرهنگی در حال پیشرفت است چون به بچه‌ها توجه بیشتری شده، در سالن‌های مطالعه ما جای نشستن نیست و مراجعه کننده زیاد داریم که اکثرشان دانش آموز و دانشجو هستند.

اگر آمارها را مقایسه کنید متوجه می‌شوید ما بیشترین مراجعان را بعد از کتابخانه رازی داریم، من در کتابخانه رازی که کار می‌کردم برایم پیش نیامد که حتی به یک مراجعه کننده «۵» بگویم حتی اگر شده کتابهای مشابه در همان موضوع مورد درخواست را برایشان می‌آوردم اما در اینجا به ۶۰ یا ۷۰ درصد مراجعان به خاطر کمبود منبع جواب منفی می‌دهیم.

کتابخانه عمومی حسن‌آباد نمی‌دانم چرا استخدام نمی‌کنند

دورترین کتابخانه تحت پوشش اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان ری در اسفند ۷۹ با وسعت ۱۲۰۰ متر مربع در حاشیه پارک بزرگ و زیبای حسن آباد افتتاح شده، این کتابخانه دارای ۱۳۰۰ عضو فعال، ۲۰۰۰ جلد کتاب کودکان و ۷۰۰۰ جلد کتاب مربوط به بزرگسالان است. کتابخانه حسن‌آباد با نیروی خدماتی و مسؤول کتابخانه دارای ۴ نفر نیروست که یکی از این نیروها را شورای شهر در اختیار کتابخانه گذاشته است.

سعید برزگری با اشاره به برنامه‌های جنبی این کتابخانه می‌گوید: پارسال در طبقه دوم کتابخانه کلاس‌های خیاطی و گلسازی برای خانم‌های خانه‌دار برگزار کردیم استقبال خیلی خوب بود اما خیلی‌ها برم ما خرده می‌گرفتند که کتابخانه چه تناسبی با این کلاس‌ها دارد ولی دیدگاه ما این بود که خانم‌های خانه‌دار می‌آیند و با کتابخانه شهرستان آشنا می‌شوند و اولین زمینه‌های علاقه به کتاب و مطالعه از خانواده‌ها به وجود می‌آید که همین طور هم شد و تعدادی از خانم‌هایی که مراجعه می‌کردند الان عضو دائمی ما هستند و بچه‌هایشان را هم عضو کرده‌اند. از بزرگان کتابداری شنیده‌ایم که یک کتابدار موفق برای جذب مردم از اقشار مختلف باید از هر ترفندی استفاده کند.

سرمایش نامناسب کتابخانه در تابستان، وضعیت نامناسب اکوستیک و پیچیدن صدا در سالن مطالعه آقایان و عقب افتادن برنامه‌های جنبی و کارهای فنی به خاطر کمبود نیرو از مشکلات عمده کتابخانه حسن‌آباد است.

برزگری با اشاره به استقبال مردم از نمایشگاه کتاب که در آذرماه ۸۲ (هفته کتاب) در این مکان برگزار شده، می‌گوید: برای دوستان و همکاران ما در اداره کل هم غیرقابل باور بود که در حسن آباد با جمعیت حدود ۱۵۰۰۰ نفر تقریباً ۳ میلیون تومان فروش داشتیم.

گفتنی است زمین کتابخانه عمومی حسن‌آباد از شهرداری بوده و اعتبارات ساختمانی‌اش از طریق دفتر ریاست جمهوری، فرمانداری شهر ری و بخشداری حسن‌آباد تأمین گردیده است.

کتابخانه عمومی کهریزک (کتابخانه جدّا) از مسؤولان شهر سپاسگزاریم

زمین این کتابخانه را مرحوم حاج عباس محمدی و ساختمان آن را خیّر کتابخانه‌ساز حاج علی‌اصغر جدّا اهدا کرده‌اند. کتابخانه عمومی کهریزک با ۹۵۰ متر زیربنا در سه طبقه با حمایت جدی مسؤولان شهر به‌ویژه بخشداری و شورای شهر در اسفندماه ۷۹ مورد بهره‌برداری قرار گرفته. کتاب‌های موجود در کتابخانه ۱۰۲۴۵ جلد و تعداد اعضای فعال آن ۱۴۳۹ نفر هستند. کلاس‌های فوق برنامه این کتابخانه عبارتند از: کلاس‌های زبان، ریاضی، ادبیات، خوشنویسی طراحی و نقاشی که بیشتر در تابستان برگزار می‌شود. کلاس‌های شعر و ادب و شرح مثنوی معنوی نیز هر هفته در طبقه دوم این کتابخانه برگزار می‌شود.

عین‌الله فلاح، مسؤول کتابخانه عمومی کهریزک ضمن تشکر از مسؤولان شهر به‌ویژه بخشدار، شهردار و اعضای شورای شهر می‌گوید: این کتابخانه آب شرب و تصفیه شده نداشت که به همت شهرداری آب تصفیه‌شده برای آن تهیه شد. همچنین شورای شهر حق‌الزحمه یکی از همکاران ما را تأمین می‌کند. یک دستگاه کامپیوتر، پرینتر، کتاب‌های تست و کمک‌آموزشی نیز از طریق شورای شهر برای این کتابخانه تهیه شده است. وی می‌افزاید: چون کتابخانه‌ها مکانی عمومی و عام‌المنفعه است و درش به روی همه باز است، لازم است حمایت شود. وظیفه ما این است که از طریق بخشداری، شهرداری و شورای شهر رایزنی کنیم و تا آنجاکه می‌توانیم ارتباط برقرار کنیم و برای کتابخانه امکانات بگیریم قطعاً مسؤولان هم برای کمک نظر موافق دارند و تا به حال به ما کمک کرده‌اند.

فلاح، در مورد نحوه اداره کتابخانه‌ها از طرف انجمن‌ها می‌گوید: نظر همه همکاران در سطح کشور این است که کتابخانه باید دارای یک سازمان مستقل باشد که ما واقعاً بدانیم زیر نظر کدام سازمان کار می‌کنیم. امیدواریم در سال ۸۳ آیین‌نامه اجرایی مشخص شده و به آن عمل شود. در این صورت کتابخانه‌ها جان تازه‌ای پیدا می‌کنند و آینده کتابخانه‌ها و کتابدارها مسلماً بهتر خواهد شد. خانم قلی‌زاده که از طرف بخشداری و شورای شهر به عنوان کتابدار به این کتابخانه معرفی شده‌اند در مورد کم بودن دستمزدش می‌گوید: با توجه به ۷ ساعت کار حقوقم پایین است و برای اینکه کار یک کتابدار بازده داشته باشد باید از نظر روحی و روانی در آرامش باشد.

نازنین برادران

وقتی به شعر فکر می کنیم

گام هایی برای شاعری

شعر، راهی برای شرح واضح و دقیق چیزهایی که می شناسید نیست. در عوض شعر چگونگی کشف و سنجیدن چیزها را بیان می کند و راهی برای سازمان دادن افکار و احساسات یک نفر درباره یک موضوع به منظور پیدا کردن طرحی در آشفتگی و رسیدن به نوعی تحلیل یا نتیجه است.

وقتی به شعر فکر می کنیم در حقیقت به خطوط، بندها، وزن و قافیه، زبان خیال و کلمات زیبا می اندیشیم. گاهی اوقات فکر می کنیم نوشتن شعر آسان است. تمام کلماتی که نوشته‌ایم کامل است و اصلاً نیاز به ویرایش ندارد. در نتیجه انرژی لازم را برای کار کردن از دست خواهیم داد. بعضی مواقع، فکر می کنیم در شعر گفتن موفق نخواهیم بود و هرگز شاعر نخواهیم شد و باید از تلاش دست برداریم.

تقریباً هر شعری می تواند با یک تجدید نظر اصلاح شود و البته بعضی از اشعار به مرور و تجدید نظر بیشتری نیاز دارند و تقریباً تمام اشعار با تجدید نظر و اصلاح می توانند شعر بهتری شوند. بزرگترین کلید شعر، غیر از آموختن جزئیات تکنیکی، پیدا کردن موضوعی درست است که درباره آن بنویسید.

مانند دیگرگونه های نویسندگی، شاعرها به طور کلی درباره چیزهایی می نویسند که احساسی قوی نسبت به آن دارند. اولین قدم برای شاعر شدن، پی بردن به چیزهایی است که تأثیر بیشتری روی شما می گذارد. مثلاً چه چیزهایی شما را عصبانی می کند یا باعث گریه کردن یا لرزیدن شما می شود و...

حتی اگر آن موضوع‌ها خیلی جزئی و ناچیز به نظر برسند، اگر باعث واکنشی قوی در شما شوند، خواهید توانست با قدرت و صادقانه درباره آنها بنویسید و مطمئن باشید که آنها در نظر خواننده جزئی جلوه نمی کنند. وقتی موضوعی را پیدا می کنید که بر روی شما تأثیر می گذارد، ممکن است نیاز داشته باشید که آن را یک مرحله دورتر ببرید. با دقت به چیزهایی که شما را آشفته یا مجذوب می کند یا به وحشت می اندازد، فکر کنید و ببینید چرا این عکس‌العمل را نشان می دهید اینگونه می تواند موضوعی برای شعر یا اشعارتان پیدا کنید.

شروع کنید...

حتی اگر قبلاً شعر گفته‌اید و در عرصه نظم خودی نشان داده‌اید، این می تواند عقیده خوبی باشد که به عقب بازگردید، به مرحله اول بازگردید و از ابتدا شروع کنید و اگر هم‌اکنون شروع به نوشتن شعر کرده‌اید، این خیلی مهم است که کم‌کم شروع کنید. در این قسمت از این متن تمرین‌های ساده‌ای را پیدا خواهید کرد که کمک می کنند تا متوجه شوید که شعر از کجا می آید و مهمتر از آن، اینکه، به شما کمک خواهند کرد تا پی ببرید «شعر شما» از کجا می آید!!

اگر روی این موارد با جدیت کار کنید، مطمئناً موضوع مورد نظرتان را پیدا خواهید کرد و می توانید شعرتان را بهتر کنید.

پیوستگی کلمات (تداعی معانی کلمات)

همه ما می دانیم چگونه با معانی کلمات بازی کنیم: شخصی یک کلمه می گوید، نفر بعد اولین کلمه‌ای که بعد از آن به نظرش می آید را می گوید و به همین ترتیب ادامه پیدا می کند. خیلی از کلمات نیز قبلاً توسط همین تداعی معانی ساخته شده‌اند. وقتی کسی کلمه «سرما» را به کار می برد، ما اغلب به یاد «رطوبت» یا «یخ» یا «تاریکی» می افتیم. نکته این تمرین پی بردن به این مطلب است که شما معانی کدام کلمه‌ها را نزدیک به هم می دانید. نتیجه‌های این تمرین اغلب می تواند حیرت‌انگیز باشد و ممکن است موضوعی عالی برای شعر به شما بدهد.

برای انجام دادن این تمرین، شما فقط باید تمام کلماتی که در یک دوره زمانی مشخص به ذهنتان می رسد را به‌صورت لیست بنویسید. بهتر است این کار را در مدت بیست دقیقه انجام دهید، این باعث می شود تا کلمات را آگاهانه انتخاب نکنید و با سرعت هر کلمه‌ای که به ذهنتان می آید را بنویسید. به محض تمام شدن بیست دقیقه، شما باید ترتیب جالبی از کلمات مترادف داشته باشید. بعضی از آنها ممکن است حتی در ابتدا مرتبط به هم نیز به نظر نرسند. به آنها نگاه کنید و درباره‌شان فکر کنید و اگر بتوانید کشف کنید که چرا در آن زمان مشخص به این کلمات فکر می کردید، می توانید آنها را به هم مرتبط کنید.

«را بین اسکلتون» از طرفداران این نوع تمرین است و توصیه می کند این تمرین را هر شب درست قبل از خواب برای مدت حداقل ده شب، متوالی انجام دهید، اما این کار را بیش از چهارده شب تکرار نکنید همچنین نظر او این است که نباید لیست‌ها قبل از آخرین شب خوانده شوند.

ساختن لیست‌ها به تمرین پیوستگی کلمات شباهت زیادی دارد، جز اینکه در اینجا هر مورد در یک خط قرار می گیرد. هر کدام از این موارد ممکن است یک کلمه یا گروهی از کلمات مرتبط با یک عبارت کامل باشند. راههای زیادی برای ساختن این لیست‌ها وجود دارد، اما راهی که خیلی خوب نتیجه می دهد این است که برای چند ثانیه به یک شیء نگاه کنید و اگر بتوانید برای این کار از یک دوست کمک بگیرید که یک شیء را به شما نشان دهد بهتر است چون آمادگی ذهنی قبلی نسبت به آن شیء ندارید. سپس هر کلمه‌ای که به ذهنتان می رسد را بنویسید- خواه به آن شیء ربط داشته باشد یا نه- این کار را در زمان دو یا سه دقیقه انجام دهید. بابت کلمات یا عباراتی که روی خطوط جدا نوشته می شوند نگران نباشید، فقط آنها را بنویسید. گروه کلماتی را که در دست دارید، دوباره مرور کنید و بدون اینکه در آنها تغییری دهید، آنها را روی خطوط جدا بنویسید. این کار باعث می شود تا شما شکلی از یک شعر داشته باشید که هنوز کامل نیست. بعداً، می توانید لیست‌هایی مانند این را مرتب کنید، ویرایش کنید، لغاتی را حذف یا اضافه کنید و به آنها سر و سامان دهید. در آخر نیز می توانید شعرهایی جالب و عجیب داشته باشید!!

اختلاط کلمات

این یک تمرین دیگر است که در کتاب «راین اسکلتون» با نام «تمرین فن شاعری» آمده است. درست مانند مخلوط شدن رنگ‌ها در هنرهای تجسمی که در ساخت تصویرهای جدید از تکه‌ها و قطعه‌های تصاویر افراد، نقاشی‌ها و طراحی‌ها استفاده می‌شود، اختلاط کلمات در شعر نیز به معنی ساختن شعرهای جدید با استفاده از تکه‌ها و قطعه‌های نوشته‌های دیگران است. شما می‌توانید از اشعار دیگران برای تمرین استفاده کنید. همچنین می‌توانید از خطوط و عبارات رمان‌ها، نوشته‌های ادبی، نمایشنامه‌ها و دیگر انواع منابع استفاده کنید.

مزیت این تمرین این است که می‌توانید روی ترتیب خطوط به منظور مؤثر کردن آنها، متمرکز شوید، بدون اینکه نگران ساخت خطوط منفرد باشید. همچنین استفاده کردن از لغات زنده اشخاص که در اصل ربطی به هم ندارند و بازی با معنی آنها خیلی جالب است.

البته مشکل این تمرین نیز این است که شما نمی‌توانید اینگونه اشعار را بدون اجازه اشخاصی که از لغاتشان استفاده کرده‌اید، ویرایش کنید.

موضوع اصلی

درست مانند داستان، شعر نیز نیاز به یک موضوع اصلی دارد، هر چند که موضوع اصلی شعر کاملاً با موضوع اصلی داستان یکسان نمی‌باشد.

در حقیقت نوشتن شعر اکتشاف عقاید و احساسات است. البته این تنها چیزی نیست که در نوشتن شعر درگیر آن هستید، برای نوشتن شعر، باید قادر به مرتب کردن چیزهایی که کشف کرده‌اید باشید.

«دگرگونی موضوع اصلی» همانگونه که از اسمش پیداست، تغییر یک سری از ایده‌ها و تصورهاست. هر تغییری می‌تواند فوراً چیزی به موضوع اضافه کند یا اینکه راه جدیدی برای دیدن آن موضوع مهیا کند. این تغییرات باید در کل مطالبی را به شعر اضافه کند که در فهم حالت شعر به خواننده کمک کند.

نوع دیگری از موضوع شعر، مناظره است. مناظره شامل یک سری عبارات شامل سؤال و جواب یا بحث و مذاکره برای سازماندهی به محتویات شعر است. اینگونه اشعار ممکن است با یک سؤال شروع شود که این سؤال امکان دارد در شعر جواب داده نشود. با اینکه ساختار شعر ممکن است از یک دیالوگ واقعی تشکیل شده باشد. در اشعاری که با یک سؤال بی‌جواب شروع می‌شوند، از این سؤال بی‌جواب برای ایجاد حالت تعلیق توسط مطرح کردن یک راز استفاده می‌شود. این ممکن است راهی مؤثرتر برای ایجاد چیزهایی باشد که نیاز به کشف شدن دارند.

شعرهای داستانی گونه‌ای دیگر از اشعار هستند که در آنها یک داستان روایت می‌شود، جزئیات ویژه این نوع موضوع به داستانی که می‌خواهید روایت کنید بستگی خواهد داشت. ممکن است شما سعی کنید همانگونه که موضوعی را در داستانی روایت می‌کنید، با این نوع شعر نیز کار کنید، هرچند که در کل امانه همیشه شعرهای داستانی، کوتاهتر از نثرهای داستانی هستند. در ضمن ممکن است انواع این موضوع‌ها با هم ترکیب شوند و یک موضوع مرکب به وجود آورند. مثلاً یک بحث یا یک سؤال بی‌جواب، موضوع تأثیرگذاری خواهد شد.

طرز بیان

هنگامی که شما می‌دانید در مورد چه موضوعی می‌خواهید بنویسید یا باید بنویسید، باید به دنبال کلماتی بگردید تا آن موضوع را بیان کنید. قسمت عظیمی از پیدا کردن لغات صحیح، انتخاب طرز بیان است.

طرز بیان در حقیقت مرتب کردن کلماتی است که در نوشته به کار می‌برید.

آیا زبان خاصی برای شعر گفتن وجود دارد یا اینکه هر کدام از ما باید کلمات خودمان را برای شعرمان پیدا کنیم.

در قرن هجدهم بعضی از شاعران (و دیگران) فکر می‌کردند شعر باید سبک و زبانی متفاوت از نثر و متفاوت از زبان روزانه داشته باشد. حتی یکی از شاعران با نام «توماس گری» گفت: «زبان معاصر هرگز زبان شعر نیست». احتمالاً شما شعرهای زیادی از این قبیل را در مدرسه خوانده‌اید و حتماً فکر کرده‌اید که اشعار باید آهنگی مانند آنها داشته باشند.

مدتی بعد شاعران دیگر شروع به مخالفت با این نظریه کردند و می‌گفتند که شعر باید با زبانی نوشته شود که برای همه دست یافتنی و قابل فهم باشد. البته، اشعار همیشه با زبانی مصنوعی سروده خواهند شد و حتی اشعار بی‌قافیه نیز حالت طبیعی نخواهند داشت.

بهترین راه برای شما به‌عنوان یک شاعر معاصر، برای آموختن اینکه چگونه دیگر شاعران معاصر شعر می‌گویند و از چه زبانی استفاده می‌کنند، این است که شعرهای معاصر زیادی بخوانید و توجه داشته باشید که این اشعار از شاعران متفاوت باشند. هر شخص هنرمندی باید بداند در حال حاضر چه اتفاقاتی در رشته‌اش روی می‌دهد، نه اینکه در گذشته چه اتفاقاتی رخ داده است، شعر نیز از این قاعده مستثنا نمی‌باشد.

چرا اسم مستعار

آیا شما باید از تخلص یا نام مستعار استفاده کنید یا اینکه باید عیناً از نام خودتان برای هر چیزی که می‌نویسید استفاده کنید؟ البته جواب این است: «بستگی دارد». از خودتان بپرسید «چرا». اولین سؤالی که از خودتان می‌پرسید این است: چرا می‌خواهید از نام مستعار یا تخلص استفاده کنید؟

آیا به خاطر چیزی که نوشته‌اید خجالت می‌کشید؟ من روزنامه‌نگاری را می‌شناسم که در مورد مسائل غیراخلاقی هم می‌نوشت و نام مستعاری که برای اولین نوشته‌ها انتخاب کرده بود، آبرو و شهرتش را در عرصه خبر حفظ می‌کرد.

آیا غیر از نویسندگی در زمینه دیگری هم شهرت دارید؟ مثلاً اگر از لحاظ علمی شهرت دارید، ممکن است بخواهید یک نام مستعار برای رمان‌های تخیلی که می‌نویسید داشته باشید. یا اینکه ممکن است بخواهید ناشناس بمانید.

اینها تماماً دلایلی برای پنهان کردن نام واقعی شما در حین نوشتن هستند.

قانون و دیگرتوجهات

شما به صورت قانونی می‌توانید از هر نامی که انتخاب کرده‌اید استفاده کنید البته تا زمانی که نام مستعار را برای اهداف غیر مشروع به کار نبرید.

ناشران در اغلب مواقع راحت از نام مستعار شما برای چاپ استفاده می‌کنند و مانع انتشار نام قانونی شما می‌شوند.

پس حتماً اطمینان حاصل کنید که هنگامی که قرارداد و یا توافق نامه‌ای را با کسی امضا می‌کنید حتماً توضیح داده باشید که چه کاری انجام می‌دهید اگر شما به شغل نویسندگی با نام مستعار ادامه دهید ممکن است مشکلات کوچکی رخ دهد. کارت‌های اعتباری شما و دیگر مدارک شناسایی تان همگی با نام قانونی شما هستند اما تمام تبلیغات با نام مستعار شما به وجود آمده‌اند. حالا برای توضیح دادن خود را آماده کنید!!

گزارش

مجید فروغی

ماجرای یک کتاب

روزنامه نگاری نوین

ماجرا از وقتی شروع شد که شرکت تعاونی خدمات آموزشی کارکنان سازمان سنجش آموزش کشور و سنجش تکمیلی ناشر کتاب «روزنامه‌نگاری» (آیین روزنامه‌نگاری و خبرنویسی) تألیف فریبا صیاد و دکتر علی‌اکبر فرهنگی را در سال ۱۳۸۱ وارد بازار کرد. این کتاب که ویژه داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد رشته علوم ارتباطات است در دسترس علاقه‌مندان و داوطلبان قرار گرفت. حدود یک سال بعد که دکتر نعیم بدیعی پس از پایان فرصت مطالعاتی به کشور بازگشت به انتشار این کتاب اعتراض کرد و در اولین اقدام نامه‌ای به معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی نوشت. دکتر بدیعی در این نامه نوشت: در کتاب «روزنامه‌نگاری (آیین روزنامه‌نگاری و خبرنویسی)، بخش‌های زیادی متعلق به کتاب روزنامه‌نگاری نوین تألیف اینجانب (نعیم بدیعی) و حسین قندی و صفحات بسیاری از کتاب «مقاله‌نویسی» تألیف حسین قندی است. همچنین صفحات زیادی از کتاب مذکور، صفحات زیادی از کتاب «روزنامه‌نگاری» تألیف دکتر کاظم معتمدنژاد (انتشارات سهم) را مورد سوءاستفاده قرار داده که توسط ناشر و مؤلف کتاب قابل پیگیری است.

دکتر بدیعی در نامه خود از معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی آورده است: از آنجا که در کتاب روزنامه‌نگاری نوین و مقاله‌نویسی از انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی است و حق هرگونه سوءاستفاده تجاری از آن ممنوع است، مراتب مورد پیگرد حقوقی، قانونی و قضایی قرار گیرد تا حق دانشگاه و مؤلفان ضایع نگردد.

پیرو این درخواست معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی در نامه‌ای به سازمان سنجش آموزش کشور با تأکید بر اهمیت حفظ حقوق مادی و معنوی مؤلفان درخواست کرده که گرنه برداران کتاب و مسؤولان شرکت تعاونی خدمات آموزشی سازمان سنجش به جبران حقوق تضییع شده استادان دانشگاه علامه طباطبایی ملزم شوند و ضمن انعکاس موضوع در نشریات خود سازمان و اعتراف به این خطا، نسبت به جمع‌آوری نسخ باقی‌مانده اثر اقدام شود.

سازمان سنجش آموزش کشور در پاسخ نوشته است: اولاً شرکت تعاونی خدمات آموزشی کارکنان سازمان سنجش آموزش کشور، کتابی تحت عنوان «روزنامه‌نگاری نوین» منتشر نکرده است. (البته دانشگاه علامه طباطبایی هم گفته که «روزنامه‌نگاری نوین» از انتشارات آن بوده است. بنابراین این پاسخ نشان از درک نادرست مفهوم نامه دارد.

در ادامه پاسخ سازمان سنجش آمده است: کتاب «روزنامه‌نگاری» یکی از کتاب‌های منتشره شرکت تعاونی خدمات آموزشی کارکنان سازمان سنجش و مؤسسه سنجش تکمیلی می‌باشد که طبق قرارداد فیمابین مسؤولیت کامل و قانونی بخش مربوط به تألیف کتاب مذکور بر ذمه مؤسسه سنجش تکمیلی بوده است و شرکت مزبور منحصراً عهده‌دار مسؤولیت چاپ و توزیع آن بوده است. بنابراین در صورت وجود هرگونه شائبه در ارتباط با تألیف مناسب است مراتب

ماجرا از وقتی شروع شد که شرکت تعاونی خدمات آموزشی کارکنان سازمان سنجش آموزش کشور و سنجش تکمیلی کتاب «روزنامه نگاری» را در سال ۱۳۸۱ وارد بازار کرد

از طریق مؤسسه سنجش تکمیلی پیگیری شود.

دکتر نعیم بدیعی مؤلف کتاب «روزنامه‌نگاری نوین» و استاد دانشگاه علامه طباطبایی با انتقاد از انتشار کتاب «روزنامه‌نگاری» می‌گوید: ما می‌خواهیم جلو این کار گرفته شود و به دنبال نفع مادی آن نیستیم. نباید در کشور چنین باشد که فردی با زحمت و تجربه چندساله کتابی منتشر کند و بعد افرادی آن را بازسازی و کتاب‌سازی کنند. این کار جرم است و باید از آن جلوگیری شود. انتشار این کتاب توسط سازمان سنجش و تشکیلات آن درست نیست. از آنجا که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توان کنترل کتاب‌ها را ندارد که تألیف خودنویسنده است یا از جایی برداشته شده، افرادی کتاب‌هایی را برمی‌دارند و با اشتای خود می‌نویسند.

دکتر بدیعی می‌گوید: کتاب «روزنامه‌نگاری نوین» حاصل تجربیات حرفه‌ای و آموزشی من و آقای قندی است که با تجدیدنظر در جزوه‌های درسی منتشر شد و مؤلفان کتاب روزنامه‌نگاری (آیین روزنامه‌نگاری و خبرنویسی) و خبرنویسی) تألیف فریبا صیاد و دکتر علی‌اکبر فرهنگی را در خدمات آموزشی کارکنان سازمان سنجش و مؤسسه سنجش تکمیلی می‌باشد که طبق قرارداد فیمابین مسؤولیت کامل و قانونی بخش مربوط به تألیف کتاب مذکور بر ذمه مؤسسه سنجش تکمیلی بوده است و شرکت مزبور منحصراً عهده‌دار مسؤولیت چاپ و توزیع آن بوده است. بنابراین در صورت وجود هرگونه شائبه در ارتباط با تألیف مناسب است مراتب

این موضوع مؤلف‌ها باید پاسخگو باشند. پس از جمع‌آوری مطالب از طرف مؤسسه فرمی در اختیار مؤلفان قرار می‌گیرد تا امضا کنند که آن نشانه تأیید مطالب است و براساس آن مؤلفان درباره مطالب کتاب باید پاسخگو باشند.

اللهبیگی درباره چاپ مجدد کتاب می‌گوید: ما از این موضوع که مؤلفان کتاب «روزنامه‌نگاری» از مطالب «روزنامه‌نگاری نوین» و «مقاله‌نویسی» بدون ذکر منابع استفاده کرده‌اند، بی‌اطلاع بودیم، بنابراین تا وضعیت مشخص نشود و این مشکل رفع نشود در خصوص چاپ مجدد آن اقدام نمی‌کنیم.

دکتر علی‌اکبر فرهنگی، ناظر و مؤلف دوم کتاب روزنامه‌نگاری در این باره می‌گوید: این کتاب برای استفاده دانشجویان بوده و طبیعتاً از کتاب‌های موجود استفاده شده، اما اشتباهی که رخ داده، این است که منابع پایان کتاب جا افتاده است. البته در چاپ دوم کتاب حتماً منابع چاپ خواهد شد.

فریبا صیاد، مؤلف اول کتاب «روزنامه‌نگاری» می‌گوید: کتاب «روزنامه‌نگاری» با تلخیص کتاب‌های «روزنامه نگاری نوین» و «مقاله نویسی» و استفاده از جزوه‌های درسی تألیف شده اما چون با عجله منتشر شد، منابع پایان کتاب درج نشد. این یک اشتباه غیرعمد بوده است که آن را می‌پذیرم و از استادان و مؤلفان کتاب‌های مذکور پوزش می‌خواهم. در چاپ دوم کتاب که همراه با اضافاتی مهر یا آبان ماه سال جاری منتشر خواهد شد، توضیحی درباره این موضوع می‌آید و منابع آن هم به طور کامل درج می‌شود.

دکتر بدیعی در این باره می‌گوید: سؤال من این است که آیا رونویسی از یک کتاب از مقدمه تا انتها تألیف است؟ کتابی که سطر به سطر از کتاب روزنامه‌نگاری نوین رونویسی شده است، چگونه می‌توان پانویس‌های آن را نوشت. اگر من یک کتاب تألیفی یا ترجمه را که مثلاً پانصد صفحه است، بخش‌هایی از آن را گزینشی انتخاب و آن را در دویست صفحه منتشر کنم تألیف است؟!

* * *

بر اثر این اتفاقات در حوزه کتاب و نشر، حقوق مادی و معنوی مؤلفانی که سال‌ها تلاش کرده‌اند، لطمه می‌بیند و متأسفانه در حال حاضر پدیده کتاب‌سازی و تضییع حقوق مادی و معنوی مؤلفان بسیار مشاهده می‌شود که ضرورت برنامه‌ریزی و انجام اقداماتی برای جلوگیری از آن بیش از پیش احساس می‌شود.

یادداشت

علی‌الله سلیمی

یادداشتی بر مجموعه داستان «دو پله گودتر» نوشته مهیار رشیدیان

جولان در عرصه تجربه‌های تازه

دو پله گودتر، مهیار رشیدیان، نشر قصه، چاپ اول، بهار ۸۳، ۱۵۰۰ نسخه، ۷۰ صفحه، ۷۵۰ تومان

به تازگی مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه نویسنده جوان، مهیار رشیدیان با عنوان «دو پله گودتر» توسط نشر قصه در تهران چاپ و در بازار کتاب ایران توزیع شده است. این کتاب شامل سیزده داستان کوتاه با عناوین «پای گلدسته‌های زیدین علی»، «دوپله گودتر»، «کاشی رنگ باخته ۶۵»، «معصومه»، «تصنیف خاک» «قصی»، «انشای سایه‌ها»، «۲۲۲۱ - الف - ۲۲»، «منظره»، «باد لباس‌ها را می‌برد»، «دار»، نقاش ساختمان»، «پرده‌ها»، و «حاج لفظ لله دبلنا» است.

مجموعه داستان «دو پله گودتر» برای نویسنده جوانی همچون مهیار رشیدیان که هنوز فراز و نشیب‌های یک زندگی طولانی را نکرده است و می‌شود گفت هنوز در عنفوان جوانی است، قدم مستحکمی محسوب می‌شود. او قدم اول را آنچنان با احتیاط برداشته است که نتوان او را به لحاظ بعضی کاستی‌های آثارش سرزنش کرد. در همین حال هم می‌توان از زاویه‌های خاص به داستان‌های این نویسنده جوان خرده گرفت، اما همین عمل شاید کمی دور از انصاف باشد. چراکه نقاط قوت داستان‌های مهیار رشیدیان بیش از نقاط ضعف آثار این نویسنده جوان است.

اولین ویژگی عمده داستان‌های کتاب حاضر، تنوع فضاهای داستانی است. هیچیک از فضاهای سیزده داستان این کتاب مشابه هم نیست. گویی رشیدیان در اولین کتاب قابل تأمل خود به این نتیجه رسیده است که از تکرار فضاهای یکنواخت به شدت پرهیز کند. فضاهای شهری به همان اندازه در این کتاب حضور دارند که کوهها و دشت‌های دوردست.

همچنین فضاهای متعلق به دوران گذشته، در بعضی از داستان‌های این کتاب با چنان ریزه‌کاری ترسیم شده‌اند که گویی این نویسنده جوان در آن فضاهای دوردست زیسته است.

داستان کوتاه «تصنیف خاک» به زمان حضور سربازان روس در خاک ایران اشاره دارد. یقیناً از نظر فاصله زمانی، نویسنده جوان نمی‌توانسته در آن روزگار حضور داشته باشد. ولی توصیف‌های او از آن زمان به قدری

اولین ویژگی عمده داستان‌های کتاب حاضر تنوع فضاهای داستانی است. هیچیک از فضاهای سیزده داستان این کتاب مشابه هم نیست

واضح و شفاف است که گویی در آن روزگار در کنار سربازان روس زیسته است که اینگونه آن صحنه‌ها را بازسازی می‌کند: حال اگر بخواهم برخیزم، شلوار خیس نمی‌گذارد و این چک چک دستشویی لعابی نمی‌خواهد فرج سربازهای مویور آکاردئون بزند و بیاید به سوی من که جانم هم بوی پیرمرد را می‌دهد، به خود می‌پیچید و ضجه می‌زد، تا برخیزم و راه بیافتم روی سنگفرش خیس خیابان تا رَتْلْ تُرَی کالسکه سرهنگ کاسپاریان بیاید و او زیر زردی فانوس، نشسته توی کالسکه... اگر آن شب پیرمرد ضجه نمی‌زد از اتاق زیر طاق بیرون نمی‌زدم پی کالسکه، تا سر کوچه افسران دلباخته دختر سرهنگ شوم و هر شب راه بیافتم وقتی که پیرمرد هَوَس تریاک ناصری می‌کند و در اگزوز اسمال روسی شلوغ است. قصه‌های چوبی و ناخن‌های سرخ هنوز هم می‌چرخند دور سرم. از وقتی جوان سفیدپوش گفت: «باغ سوخت.» (ص ۳۱ و ۳۲)

همچنین در ادامه این تنوع فضاها، نویسنده در داستان کوتاه «پرده‌ها» به دنیای محض زنان قدم می‌گذارد، جهانی که به شدت زنانه است و تجربه‌های جنس مردانه در آن راهی ندارد.

تجاربی از این دست در عرصه نوشتن برای مهیار رشیدیان فرصت‌های مغتنمی است تا در حوزه‌های مختلف تجربه آزمایی کند. همین سرک کشیدن به دنیاهای متنوع، باعث تنوع در داستان‌های کتاب حاضر شده است. اما گاه همین دنیاهای متنوع باعث سردرگمی مخاطبان آثار مهیار رشیدیان می‌شود.

احتمال دارد که مخاطب این داستان‌ها بعضی از فضاهای مورد اشاره در کتاب را از نزدیک تجربه و لمس کرده باشد در این صورت حس همدلت پنداری می‌تواند در این فضاها پررنگتر باشد. ولی برای فضاهای غریب و ناآشنا چنین انتظاری بیهوده است. یقیناً یک مخاطب زمانی به سراغ تمامی بخش‌های یک کتاب می‌رود که با تمامی آنها بتواند به نوعی کنار بیاید. در کتاب هایی از این دست نمی‌توان از مخاطب انتظار داشت که در تمامی بخش‌های کتاب، همراه نویسنده حضور داشته باشد. یک مخاطب می‌تواند از یک یا چند داستان این کتاب خوشش بیاید. البته این مورد برای نویسنده جوانی که قصد تجربه آزمایی در شیوه‌های مختلف نویسندگی دارد. به خودی خود عیب محسوب نمی‌شود. او می‌خواهد دنیای رنگارنگ را از قلم خود عبور دهد و این عبور گاه می‌تواند برای مخاطب کم‌حوصله ناخوشایند باشد.

یقیناً مهیار رشیدیان در کتاب «دوپله گودتر» به انبوه مخاطبان سهل‌الهضم نیندیشیده است. او به مخاطب محدود اما کنجکاو در نوردیدن دنیاهای متنوع اندیشیده است، کسانی که در دنیای داستان‌ها به عناصری غیر از قصه و روایت هم فکر می‌کنند.

نویسنده تقریباً با تمامی عناصر داستانی در این کتاب دست و پنجه نرم می‌کند. عنصر زبان بیش از سایر عناصر مورد توجه نویسنده بوده است و او ایجاز را در این عنصر همواره مدنظر داشته است: «باز می‌کند. هیچ‌کس نیست. باد است. لنگ در پس و پیش می‌زند. فراش چادر را پهن می‌کند روی طناب، کنار لباس‌های زیر خودش. سعادت غلت می‌خورد. قوطی قرص‌های خوابش خالی است.» (ص ۶۶)

وسواس مهیار رشیدیان در انتخاب داستان‌های این کتاب، طبعاً انتظار مخاطبان از آثار بعدی وی را بالاتر برده است. طبیعی‌ترین انتظار مخاطبان داستان‌های این نویسنده جوان، این است که داستان‌های بعدی وی به مراتب منسجم‌تر، همراه با نوآوری‌های تازه‌تری باشد. چنین انتظاری مراحل بعدی کار این نویسنده جوان را سخت‌تر از پیش کرده است.

«دوپله گودتر» اعلام حضوری جدی و پررنگ در عرصه نویسندگان نوظهر محسوب می‌شود. البته رشیدیان با توجه به حضور در عرصه روزنامه‌نگاری می‌تواند تجارب متنوعی را در داستان‌های بعدی به کار گیرد. به امید موفقیت برای این نویسنده جوان در انتظار کار بعدی وی می‌نشینیم.

گفت‌وگو

صالح تسبیحی

سرشتِ انکارشدهٔ جنوبی

گفت‌وگو با محمد ایوبی به بهانه چاپ رمان جدید او

در نمایشگاه کتاب امسال رمان سه جلدی محمد ایوبی منتشر شد. این داستان‌نویس نام‌آشنای معاصر، در آخرین دستاورد خود «آواز طولانی جنوب» را به طبع رسانده و در آنها از ستم و گرسنگی و جنگ می‌گوید.

نشر فرهنگ‌گستر به همراهی نشر شاهد، این رمان قابل توجه را چاپ و نشر داده‌اند. هر چند نشستن پای صحبت اهالی ادب بهانه نمی‌خواهد اما به همین جهت و بهانه با «ایوبی» به گفت‌وگو نشستیم.

از همان آغاز و از نام مجموعه سه جلدی، ویژگی‌های منحصر به فرد ساختاری نمود پیدا می‌کنند. سه جلد کتاب، سه نام دارند اما عنوان واحد «آواز طولانی جنوب» آنها را باهم مرتبط کرده است؛ این نوای طولانی، چه چیز جنوب را زمزمه می‌کند؟

به لحاظ اقلیمی، جنوب یک ناحیه مشخص جغرافیایی است؛ اهواز و آبادان و خرمشهر و روستاهای اطرافشان. اقلیمی که آدم‌های داستان من آنجا هستند. این نواحی در طول تاریخ مدام تحت ستم بوده‌اند، بنابراین آدم‌هایشان قابلیت پیدا می‌کنند که نماد شوند؛ نماد ستم. شاید از نزدیک آدم‌های جنوبی را نشناسید، حتی درس خوانده هایشان در گرداب احساس و عواطفشان به شدت وضعیتی عینی پیدا می‌کنند. گویی مسائل ذهنی، شکل می‌یابند و مادی می‌شوند. در این زمان است که بیشتر جنوبی‌ها را، کودکانی معصوم و دوست داشتنی می‌بینی، کودکانی بغض کرده که لطمه دیده‌اند و شروع این لطمه از خانواده است. شاید اکثر آدم‌های ما چنین حالاتی داشته باشند. اما جنوبی، واقعاً، همه چیزش را تقدیم می‌کند تا محبت و دوستی واقعی را تجربه کند به کف آورد؛ مارگزیده‌ای است که متأسفانه بارها از یک سوراخ گزیده می‌شود.

در آواز طولانی جنوب به واقع عشقی را شاهدیم که در واقع نباید چنین تضادی وجود می‌داشت. چون عرب جنوبی هم ایرانی بوده، گواه بارزش نفوذ زبان فارسی است در گویش عرب جنوبی اما متأسفانه دشمن تفرقه‌ها می‌اندازد برای تسلط خود و آدم‌ها به جای بافت نقاط مشترک و رسیدن به یگانگی، فریب دست استعمار را می‌خورند بعد هم قضیه برعکس می‌شود. یعنی زمانی که خوزستان نام دیگری پیدا می‌کند تا دوران صفویه - گویا، عرب خود را به دلیل شیخوخیت سرور آدم‌های دیگر می‌داند. تا دوران رضاخان که باز نام خوزستان به نام واقعی باز می‌گردد، قضیه برعکس می‌شود. این بار به دلیل قلع و قمع خزعل یعنی شیوخیت مسلط، عجم است که احساس سروری می‌کند بر عرب.

بحث طولانی است، اما این اسیر سایه‌ها شدن، ادامه می‌یابد، چنین است که در دفاع و مقاومت ایرانی در هجوم عراق، باز این جنوب است که بیشتر از جاهای دیگر لطمه می‌بیند و آدم‌های آن و این ستم که واقعاً باعث آزردگی جنوبی‌ها شده، در جنگ و بعد از جنگ نمود آشکارتری می‌یابد. تا آن‌جا که می‌ترسی این آزردگی به هویت باختگی هموملایتی‌های من بکشد، که وحشتبار و هراس‌آور است. مثال می‌زنم: وقتی جنوبیِ جنگ‌زده که با دست غذا می‌خورده و فرضی‌اش پایین آسمان قمر است و عطارد و زهره و شمس و مریخ و مشتری و زحل، تازه بعد هم سدرةالمنتهی و تخت و تختگاه مثلاً و از همین جاست که نور باید بتابد. مسلماً این نور زمانی که از زحل می‌گذرد، قدری کدر می‌گردد. در مشتری هم همین طور. تا برسد به زمین کلی از درخشش آن برای زمینی‌ها کاسته شده. اما با این همه مثال خوبی زدید، انگار تمام نعمات دنیایی و معنایی کم و کمتر شده تا رسیده‌اند به جنوب. در عوض هر واقعه ناگواری، اول بر مردم جنوب اثر مخربش را گذاشته. قدری به مطایبه می‌ماند. لکن آدم به یاد همان شعر انوری می‌افتد که گفته است، هر بلایی از آسمان می‌رسد، نارسیده می‌پرسد، خانه انوری کجا باشد! دقت کنید زمان اشغال جنگ جهانی دوم، مردم جنوب ستم و تحقیر انگلیسی‌ها را حس می‌کنند. بیشتر از مردم دیگر میهنمان. چرا که استعمار در همین نقطه پای استعمار را به زمین می‌گذارد. حتی شاید ندانید در آب‌های خرمشهر و آبادان است که ناوی از ایران را اشغالگران غرق می‌کنند. در صورتی که ظاهراً اعلام بی‌طرفی ایران پذیرفته شده، بعد هم مسأله نفت و مرده باد و زنده بادها و بعدها هم آوارگی به خاطر هجوم صدام.

مسائل انسانی در جنوب بنا بر اینهاست که بارز شده. اما این بروز شدید به شکلی نهان، کل آدم‌ها را در بر گرفته. من در اکثر آثارم این بینش را داشته‌ام. در «جنوب سوخته» - که پیش از انقلاب سانسور شد - به شکلی، اشاره‌های اقلیمی داشته‌ام. اما کل انسان را می‌توان در این آثار جدیدتر مورد ستم دید.

به روندی اشاره کردید که در آثارتان به چشم می‌خورد. این روند ذهنی از کجا شروع شده و حالا به کجا رسیده؟

در آثار نخستین تا «راه شیری»، از فقر جنوبی شروع کرده‌ام. فقر برای جنوبی مضاعف می‌شود. به قول دوستی، «راه شیری کتاب «فقر» است. می‌بینید که «ستم» در دل فقر پنهان، اما موجود است. حالا می‌رسد به «آواز طولانی جنوب» که جوهره این دردها یعنی ستم، در آن بروز یافته. حالا چرا آنقدر به این ستم تکیه می‌کنم. چون جنوب به قول مردمش روی گنج زندگی می‌کند، اما چندان نصیبی نمی‌برد. حتی طبیعت هم با او مهربان نیست. هشت ماه سال را باید عرق بریزد. جنوبی که سال‌ها پیش جندی‌شاپور داشته، حتی بعدتر نفت داشته که به یغما می‌بردند. بیشتر به دزد زده‌ها می‌مانند. در صورتی که روزگاران گذشته، پیش از اسلام و در زمان پذیرش اسلام جنوب فرهنگ‌ساز بوده، حالا جنوبی چیزی ندارد. می‌گویند پیامبر اسلام(ص) از جنوب ایران پزشک و عالم می‌برده برای درمان نزدیکان خود. مثلاً سلمان فارسی و شاید هم به توصیه سلمان مثلاً. اما حالا چه؟ جنوبی دیگر تبدیل شده به نمود ستم تاریخی که بهای گزافی برای آن پرداخت می‌شود. عشقی که سودمادی ندارد اما معنویت و هستی آدم‌ها را پرتر می‌کند. آن چنان که تأثیر این آواز عاشقانه در ذره ذره زندگی‌اش از جوانی تا کمال سنی او آشکار است.

این پذیرش درد را گفتم، از خانواده شروع می‌شود اما انگار که تا آخر جهان ادامه می‌یابد، مشخصه این شکستن در خود ستمی است که طاقت درد او را بیشتر می‌کند، از خانواده تا سلطه استعمار. مثلاً نگاه کنید به مقاطع تاریخی مختلف در جنوب که در مقاطعی به ستم فرهنگی هم ختم می‌شود. نقطه آشکار این تاریخ مسئله نفت است. چه پیش از ملی شدن که ارباب انگلیسی، این آدم‌های شریف را به سایه می‌راند، چه بعد از ملی شدن و آن بازی‌های حزبی و دخالت استعمارگران از راه دور و نزدیک، اختاپوس‌هایی که همیشه به جنوب می‌کند، از خانواده تا سلطه استعمار. مثلاً نگاه کنید به مقاطع تاریخی مختلف در جنوب که در مقاطعی به ستم فرهنگی هم ختم می‌شود. نقطه آشکار این تاریخ مسئله نفت است. چه پیش از ملی شدن که ارباب انگلیسی، این آدم‌های شریف را به سایه می‌راند، چه بعد از ملی شدن و آن بازی‌های حزبی و دخالت استعمارگران از راه دور و نزدیک، اختاپوس‌هایی که همیشه به جنوب می‌کند، از خانواده تا سلطه استعمار. مثلاً نگاه کنید به این ارتباط در لایه‌های درونی است که مشخص‌تر می‌شود. با معذرت، اگر آواز را خوب و راحت بخوانیم.

این ستم چه نمودهایی دارد؟ آیا آدم‌های داستان شما عمده مسأله‌شان مورد ستم واقع شدن است؟

نمودش را گفتم در فرهنگشان می‌شود یافت. زمانی که نام خوزستان هم تبدیل می‌شود به عربستان و شیخوخیتی است که بر تمام منطقه مسلط می‌شود و استعمار انگلیس (و بعدتر آمریکا) همین را می‌خواسته؛ تضاد عرب و عجم فرهنگ منطقه را مغشوش می‌کند آزادانه می‌گشته، می‌رود در شهری به عنوان جنگ‌زده میهمان می‌شود، با قیاس آن فضا دچار تناقض می‌شود. به تار و پود ستمی پیچیده می‌شود که جنوبی بودنش باعث شده به آن درافکنده شود. می‌بیند که میزبان با قاشق غذا می‌خورد و رفتارهای متفاوتی دارد. خوب این دچار خلأ می‌شود. از طرفی از شهرش رانده شده، شهری که اگر جای دیگری از زمین بود شاید مورد تعرض قرار نمی‌گرفت. از طرفی دیگر در برخورد با فرهنگ جدید دچار خلأ شده.

می‌گویم انگار این ستم برای جنوبی حالتی تقدیری پیدا کرده، بسط پیدا کرده به جنگ، به استعمار قبل از آن و به جنگ‌زدگی بعد از آن. جنوب شاید استعاره‌ای باشد از «جنوبِ جهان» انتهای جهانی که در آن هستیم.

یعنی همچون «قصه غربت غربی» که سهروردی، غربی‌ترین نقطه جهان را به عنوان غربت می‌گیرد، «آواز طولانی جنوب» هم می‌رود که قهقرای وجودی آدم‌ها را به عنوان «جنوب» بگیرد؟

البته، قصه غربت غربی که شیخ شهید مطرحش می‌کند به این آسانی نیست. در فلسفه اشراق است که فلسفه درخشان سهروردی، ابعادش را نشان می‌دهد، یکی از اشارات او، دور شدن آدمی است از نورالانوار، یا بهتر بگوییم دور «افتادن» آدمی است از نورالانوار، که از فراز هفت آسمان و سدرةالمنتهی به زمین می‌تابد. حالا زمین را در نظر بگیریم، در عین لامکانی، مکان به گمان من.

در مورد استعمار، به طور مشخص ریشه‌های خود را از کجا آورده که منجر شده به این ستم؟

همانطور که روس از شمال آمده، انگلیس به عنوان استعمار از جنوب وارد شده. اما این ورود چگونه فرهنگ اقلیمی جنوب و سرانجام ایران و در نهایت «انسان ایرانی» را مورد تعرض قرار داده؟ از زبان شما در زبان جنوبی بارقه‌های بیگانگی را به وفور می‌یابید. این نوعی شکافنده و پنهان از ستم است که فرهنگی زبانش منهدم و یا حتی آمیختگی شدید پیدا می‌کند. ببینید، نمادها بسط پیدا می‌کنند. جنگ به کل جنگ‌ها. ستم به کل ستم انسانی و آواز طولانی جنوب، آوای دردمندانه‌ای است که به کل آدمی رسیده و ادامه یافته.

در مورد بسط زبان و نمادها بیشتر بفرمایید. با توجه به این که مقدار زیادی از بار کتاب بر دوش زبان آن می‌باشد، نثر شکلی نو دارد. انگار برای این آواز، موسیقی ویژه آن نیز کوک شده. آیا نثر کتاب هم شکلی نمادین دارد؟

نثر، تو است اما آواز، طولانی‌تر است. حالا اینجا به این شکل و به نام «جنوبی» متجلی شده. هر کدام از آدم‌های داستان؛ نه، فکر می‌کنم هر کدام از انسان‌ها تکه‌ای از این آواز را زمزمه می‌کنند. حتی هر کدام از نویسنده‌ها.

جلد اول را در نظر بگیرید (غمزه مردگان) ظاهراً مردگان مرده‌اند، جسمشان رفته اما غمازی‌شان دوباره فرهنگ‌سازی می‌کند. انسان وقتی به عدالت برسد دوباره فرهنگ‌سازی می‌کند. مردگان چون کلی‌تر به هستی نگاه می‌کنند، چون از دریچه نیستی به آن می‌نگرند ناگزیر از رعایت عدالت‌اند و غمزه‌شان - غمزه مردگان - فرهنگ‌سازی می‌کند و آدم‌های داستانش را پیش می‌برد.

این رودخانه فرهنگ از ابتدا بوده است اما اگر راهش را کج هم کنید باز به زبان و نثر دیگری ادامه می‌یابد.

با این اوصاف وجه تسمیه «سفر سقوط» (کتاب دوم) چه می‌تواند باشد؟ چرا سِفرِ روایت از کتاب دوم آغاز می‌شود؟

کتاب دوم کتاب سقوط است. نه سفر سقوط. سفر در کتب مقدس بیانگر آغاز است. کوشیده‌ام در این کتاب، سقوط را، سقوطی که از آغاز شروع می‌شود نشان دهم. انگار آدمی از همان لحظه سقوط از بهشت در سراشیبی انحطاط بوده، سقوطی که تحت اختیار خود آدم‌ها نیست.

بازگردیم به «راه شیری» یعنی کتاب قبلی شما شکل ستم و سقوط در کارهای جدید به نظر متفاوت می‌رسند. در راه شیری زندگی بارزتر بود تلخی ستم در عین حضورش با عشق و زندگی رفع و رجوع می‌شد اما اینجا...

راه شیری را بیشتر برای دلم نوشتم. در آن هم به نوعی این بحث هست. ولی صورت مسأله انسان ستم طولانی نیست. گفتم، می‌شود نام آن را تغییر داد. راه شیری مانیفیست گرسنگی است. آنجا خانواده یعنی خانواده گرسنگی. جنوبی‌ها از دوران قاجار و مصر «شیخ خزعل» گرسنه‌اند. از ۱۰ روستایی که من در جنوب رفتم و معلمشان بوده‌ام، ۸ روستا تان خشک در آب می‌زدند و می‌خوردند. گرسنه بودند. تازه برای میهمان تجملات حفظ می‌کردند چون فرهنگ داشتند و شایسته این گرسنگی نبودند و «لوبیا پخته» می‌آوردند. حالا دریافته‌ام و نوشته‌ام که گرسنگی نه، اصل این ماجرا به ستم بازمی‌گردد.

در صحبت‌هایتان و همچنین سرنوشت آدم‌های رمانتان جنگ نقشی اساسی را برعهده دارد. آیا از منظر مقوله‌ای به نام «ادبیات جنگ» این ستم را بیان کرده‌اید یا جنگ را علتی دیده‌اید که حواشی‌اش قابل بررسی و معلول‌هایش قابل تأمل بوده باشند؟

کارنامه محمدایوبی

غیر از جنوب سوخته و طیف باطل - که پیش از انقلاب چاپ شده‌اند -این آثار از محمد ایوبی چاپ و منتشر شده است:

راه شیری (رمان)، ۱۳۷۸، انتشارات طهوری؛

گزیده و تفسیر چند شعر از نیما، ۱۳۷۸، انتشارات قطره؛

پایی برای دویدن (مجموعه داستان)، ۱۳۷۹، انتشارات فرهنگ‌گستر و سروش (چاپ دوم ۱۳۸۰ همان ناشران)؛

مراثی بی‌پایان (مجموعه داستان)، ۱۳۸۱، انتشارات نسیم دانش؛

تریلوژی آواز طولانی جنوب رمان ۳ جلدی:

جلد اول غمزه مردگان؛ جلد دوم سِفر سقوط؛ جلد سوم زیتون تلخ، خرمای گس، سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳، ناشر: فرهنگ‌گستر و شاهد.

همچنین رمان‌های اندوه جنوبی و سال‌های کبیسه، در دست چاپ است.

آدم‌های داستان من در «آواز طولانی جنوب» به جنگ منتهی می‌شوند. جلد سوم درباره جنگ است. من کتاب را پیش از جنگ آغاز کردم به نوشتن. بعد وقتی جنگ آغاز شد، انگار سرنوشت ستم‌آمیز این آدم‌ها تعیین شده باشد. «خرمای گس، زیتون تلخ» به عنوان جلد سوم مجموعه، جنگ را نیز به نماد تبدیل می‌کند. نماد تمام جنگ‌های جهان. تمام جنگ‌ها که سرنوشت این آدم ستم‌زده را تحت لوای خود گرفته، جنگ یک دوران را قطع می‌کند. دورانی دیگر پدید می‌آورد. این خاصیت آن است. اما این تنها ظاهر آن است. جنگ ستم را مضاعف می‌کند. چه آنها که کشته و شهید می‌شوند و چه آنها که ناچار فرار می‌کنند و آواره می‌شوند، مورد ستم واقع شده‌اند. خوب، این به جنگ با ادبیات خاص آن ارتباط مستقیم ندارد دیگر. بیشتر نماد ظلم نهایی انسان می‌تواند بوده باشد.

این جنوبی‌ها با جنگ آواره شدند. خیلی‌هاشان شاید هنوز برنگشته باشند. من می‌گویم «فرار مغزها». این مغز، فرهنگ جنوبی است که از جنوب فرار کرده و جنگ باعث این فرار بوده، وقتی آواره و فراری می‌شوند، فرهنگشان را که از پیش مورد ستم بوده از دست می‌دهند و نابود می‌شوند. در جلد سوم آواز طولانی جنوب، این سرنوشت نهایی به داستان کشیده شده. آنها رفتند آواره شدند. وقتی انسان وامی‌دهد و گریز می‌کند یعنی چاره دیگری ندارد. چون ماندنش در جنگ یعنی مردن. اما می‌گوییم رفتنش هم یعنی مردن. چندان که آدم‌های داستان من در پایان «آواز طولانی جنوب» دچار آن می‌شوند.

ضمن آن که من به حواشی جنگ پرداخته‌ام، در دو جلد دیگر تا دیده‌ام جنگ دارد ما را با خودش می‌برد کات کردمام به جای دیگر، به جنگ اعراب و اسرائیل مثلاً.

اینکه می‌گویند ادبیات مقاومت اصطلاح درستی است. چون ما مورد هجوم واقع شدیم و مقاومت کردیم. بنابراین سعی کردم تمام مسائل را تا جلد سوم معطوف کنم به این مقاومت.

اعتقاد دارم جنگ اخیر ما جنگ جهانی بود. جنگ اعراب و اسرائیل هم جنگ جهانی است. برای همین به آن هم پرداخته‌ام. این که می‌گویم جهانی از آن‌روست که کثیف شده. نزدیک شده به جوهره جنگ، راحت می‌گویند تروریسم کنیم. جوهر جنگ بسیار کثیف است و سرشت اصلی سنمتمکاری است. همین سرشت انکارشدهٔ محترم جنوبی.

بازگردیم به شکل کتاب و از محتوا اندکی فاصله بگیریم. «زبان» در آثار شما نقشی اساسی دارد. احاطه‌تان به متون کهن پارسی و فلسفه اسلامی که نمادهایش را به وضوح به کار می‌گیرید نشان می‌دهد که تعلق خاطری خاص به آن دارید. کارکرد این زبان کجاست و چقدر منهای کارکردگری آن به «ادای دین»هایتان فکر می‌کنید؟

به اینها توجه دارم. اعتقاد دارم آنچه از گذشته برای ما باقی مانده با ارزش بازنگری و احیا دارد یا ندارد. یعنی جزم‌اندیشانه نگاه نمی‌کنم. نثر بیهقی و سعدی را می‌بینیم. هنوز و انگار همیشه، در آنها طرح مسئله انسان امروز می‌شود. مثلاً عمیق‌ترین مسئله یک رمان معاصر در یک پاراگراف کهن آمده. با دیدن چنین مسأله‌ای می‌گویم چرا میراث کهن را نادیده می‌گیریم. نویسنده می‌تواند از تمام هستی استفاده کند. بدون توجه به ظاهرشان در وهله اول. نثر کهن فارسی بسیار عالی است.

لااقل به اندازه «فاکنر» کمک ذهن نویسنده که هست. بلکه هم عمیق‌تر. از طرفی از مسائل مرده نمی‌توان سود جست. مقوله‌ای که اصلاً در جهان جایی نداشته باشد اصلاً قابل استفاده نیست. از این مقولات در فارسی کهن کم نیست، اما اساس و زبان اصلی آن کاملاً زنده و قابل طرح در جهان امروز است.

عین القضات همدانی را ببینید. نجم کبری، سهروردی یا سعدی را. اینها فراموش نمی‌شوند. نویسنده مدرن فارسی امروز جایگزین همین بزرگان شده. زبان درخشان و پر و پیمانی که قابل عرفی شدن هم نیست. قابل طرح و کار است. حالا آقایی می‌آید تلویزیون و طرح مسأله عرفان می‌کند به شکل عرفی. ساده و روزمره مطرحش می‌کند. این بینش ریطی به عرفان و زبان

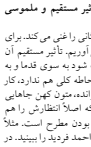

جنوبی، واقعا همه چیزش را تقدیم می‌کند تا محبت و دوستی واقعی را تجربه کند

شکوهمند آن ندارد. باید پژوهش، کار و مطالعه شود.

این تأثیر غیرمستقیم چه تجلیاتی دارد؟ یعنی روی نویسنده و نوشته‌اش چه تأثیر مستقیم و ملموسی می‌گذارد؟

مهمتر از همه فرهنگ واژگانی را غنی می‌کند. برای بیان یک مفهوم، کلمه کم نمی‌آوریم. تأثیر مستقیم آن باعث می‌شود مخاطب هدایت شود به سوی قدما و به سوی اصل خویش. کسی که احاطه کلی هم ندارد، کار پژوهشی هم نکرده و صرفاً خوانده، متون کهن جاهایی روی کارش تأثیر می‌گذارند که اصلاً انتظارش را هم ندارد. برای من البته در زمان بودن مطرح است. مثلاً مقاله داریوش آشوری درباره احمد فردید را ببینید. در آن، نویسنده از ذهن تاریخی خود در مورد متون کهن و این غربی سود جسته و حرفش را خیلی بهتر و موجزتر زده. نویسندگان ما ادبیات اروپا و غرب را خوانده‌اند. آن هم در حد ترجمه. بعضی هم که «نوگرایی» را قبول ندارند. من در کارهای جدیدم تلاش کرده‌ام که در این میانه باشم و آوای طولانی‌ای را به نثر آورم که از دوران کهن تا امروز ادامه یافته.

قصه ساده نوستالژی ما

یادداشت

رامین همایون

چهره‌های ماندگار ترانه و موسیقی (مجموعه گفت‌وگوهای فروغ بهمن‌پور)، (دو جلد)، تهران، انتشارات بدرقه جاویدان و نشر نامک، ۱۳۸۴، مصور

داستان شور و شیفتگی فروغ بهمن‌پور، چهره آشنا و همیشه کوشای صفحات موسیقی روزنامه‌های مهم هفت سال گذشته، ابتدا در سال ۱۳۷۸ با کیفیتی نامطلوب و به هم ریخته، به چاپ رسید. کتاب بد چاپ و پریشانی که حاصل سهل‌انگاری و بی‌اعتنایی ناشری بود که در جریان وام‌های حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همانند هزاران ناشر موقتی دیگر، مثل قارچ از زمین روییدند و با اولین کتابی که منتشر کردند، از میان رفتند. مجموعه اول گفت‌وگوهای فروغ بهمن‌پور با چهره‌های مشهور موسیقی و ترانه، به سرنوشتی دچار شد که حقش نبود. اگرچه پیش از این که به‌صورت کتاب در بیاید، در روزنامه‌های مهمی چون جامعه، توس، صبح امروز و... چاپ شده بود و اهالی موسیقی با این خانم جوان و پرشور که با شیفتگی شگفت‌انگیزی به دنبال چهره‌های ترانه و موسیقی در دهه‌های ۱۳۵۰ - ۱۳۳۰ می‌رفت و گفت‌وگو می‌گرفت، آشنایی داشتند.

با این حال، نشر کتاب دوم فروغ بهمن‌پور بلاتعلیله انجام نشد. مشکلاتی که روزنامه‌نگاران پرتلاش و بدون پشتوانه‌ای چون او را در کشور ما آزار می‌دهد و همچنین سعی و وسواس او در بهتر کردن کارهای آینده‌اش باعث این تأخیر پنج‌ساله شده است. در این پنج سال بسیاری از هنرمندان که صداقت و پیگیری بی‌ریای او را می‌شناختند و زحمتش را رایج می‌گذاشتند، از دنیا رفتند و عده‌ای هم از ایران مهاجرت کردند. از این رو بسیاری از گفت‌وگوهای او عملاً منحصر به فرد است و جز او هیچ‌کس دیگری با این هنرمندان تنها و منزوی، گفت‌وگو نکرده است.

آخرین آنها، زنده‌یاد سیاوش زندگانی بود که حرف‌های او در جلد سوم منتشر خواهد شد. گفتنی این که میان کتاب‌هایی که بعد از انقلاب درباره موسیقی چاپ شده و تعدادشان کم هم نیست، مجموعه فروغ بهمن‌پور اولین مجموعه گفت‌وگوهاست.

موسیقیدان و ترانه‌سرایانی که در این دو جلد طرف گفت‌وگوی او قرار گرفته‌اند، متعلق به دهه‌های ۱۳۳۰ تا اوایل ۱۳۷۰ هستند و هشتاد درصد آنها متعلق به طیفی هستند که اصطلاحاً آنها را موسیقیدانان رادیو و می‌گوییم به‌ویژه برنامه گلها که حالا تبدیل به اصلی‌ترین نوستالژی موسیقی امروز ایرانی شده است. حداقل برای عده‌ای که عاشقانه نوارهای آن دوره را جمع می‌کنند و مؤلف کتاب دوجلدی چهره‌های ماندگار شعر و موسیقی هم از آنهاست. موسیقی‌ای از دورانی که حالا تبدیل به یک کارت پستال سیاه و سفید و قدیمی و البته زیبا و نوستالژیک شده است، با چهره‌های درخشانی مثل علی تجویدی، بیژن ترقی، نواب صفا، پرویز یاحقی، معینی کرمانشاهی، تورج نگهبان، اسدالله ملک، جهانگیر ملک، عبدالوهاب شهیدی، اکبر گلپایگانی و بسیاری دیگر که جزو برنامه گلها نبودند. ولی متعلق به همان دوره هستند. نظیر حسین ملک که قصه صداقت و صفای انسانی او از خاطر هیچ کدام از دوستان و شاگردانش محو نخواهد شد. گفت‌وگوها از روال نسبتاً ثابتی پیروی می‌کند و در مجموع، روایت‌کننده تعلق خاطری است که فروغ بهمن‌پور، همانند یکی از هزاران شیفته موسیقی ایرانی عصر «رادیو تهران» به این موسیقی و موسیقیدانانش دارد. هر گفت‌وگو اطلاعات مفیدی را درباره زندگی و آثار هنرمند مورد نظر ارائه می‌کند که برای زندگینامه‌نویسان می‌تواند مأخذ باشد. عکس‌های زیبا و انحصاری بر جذابیت کتاب افزوده است و هنرمند در ابتدای فصل مربوط به خود، «شناسنامه‌وار» و بالایجاز معرفی و شناسانده شده است. گفت‌وگوکننده اصراری ندارد که بحث را بر مطالب فنی و تخصصی موسیقی بکشاند و اصلاً کتاب را به این منظور تهیه نکرده است. قصد او آشنا کردن مردم با زندگی و عقاید موسیقیدانان محبوبشان است و تعلقات نوستالژیک گفت‌وگوکننده به اجرای خوب این ایده کمک کرده است.

کم نیستند، موسیقیدانانی که برای اولین بار در این کتاب گفت‌وگو کرده و اصلاً در سال‌های بعد از انقلاب (و حتی پیش از آن)، حرف و سخن منتشر شده‌ای نداشته‌اند: نظیر جمشید شیبانی، عبدالوهاب شهیدی و جهانبخش پازوکی. سعی و تلاش گردآورنده -گفت‌وگوکننده- در برقراری ارتباط با این هنرمندان و ضبط حرف‌ها و طرح سؤالات خوب، به یادماندنی است.

گذشته از این، باید یادآوری کرد که سهم آشکاری از زیبایی کتاب، مدیون مساعی ناشران (بدرقه جاویدان و نامک) است. آشکار است که نشر نیز تعلق خاطر به همان موسیقی‌ای داشته که مورد علاقه گردآورنده است. این علاقه

از نشر کتاب‌های دیگری نظیر مجموعه آثار استاد بیژن ترقی هویداست. طرح زیبای جلد نیز که کار هنرمند نقاش - گرافیست، کورش صفی‌نائیست، بار نوستالژی و خاطره انگیزی کتاب را افزون کرده است.

گفتن دو سه نکته در اینجا ضروری است. یکی اینکه چنین کتابی نباید فاقد فهرست‌نویسی تخصصی باشد. چراکه فقدان فهرست، یعنی فقدان ارزش ماخذی و مرجعی، در حالی که حق کتاب حاضر، بیش از این است. دوم، نام طراح جلد در شناسنامه درج نشده و سوم این که یادداشت ابتدای کتاب، که آشکارا به قلم سید علیرضا میرعلی‌نقی، محقق و مورخ موسیقی ایرانی است، احتمالاً به طور سهو، تحت عنوان یادداشت ناشر(؟) چاپ شده و امیدواریم در چاپ‌های بعد و جلدهای بعد، این نقایص بی‌اهمیت هم برطرف شود.

از متن اتفاق

از این هفته در ستون «از متن اتفاق» قرار است حرف پدیدآورنده یا ناشر هر کتاب را درباره اثر در دست چاپش بخوانید.

سنت و تحول در موسیقی ایران، نویسنده: پروفسور ژان دورینگ، ترجمه: سودابه فضایلی، ویراستار بخش موسیقی :دکتر داریوش صفوت، ویراستار بخش خارجی :ع. روحبخشان، انتشارات توس، تعداد صفحات:۳۱۲، قیمت؟، زمان احتمالی انتشار: تیر ۸۳.

پروفسور ژان دورینگ (۱۹۴۷) موسیقیدان و خاورشناس فرانسوی است که سالیان متمادی به تحقیق در موسیقی محلی شرق خصوصاً ایران، آذربایجان، ازبکستان و تاجیکستان پرداخته است. تاکنون از و کتاب‌های «موسیقی و عرفان» و «ردیف‌سازی موسیقی سنتی ایران» به چاپ رسیده است. پروفسور دورینگ در حال حاضر ریاست انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران را به‌عهده دارد.

آنچه در ذیل می‌آید حاصل گپی است با ایشان درباره کتاب «سنت و تحول...» که ضمن حذف سؤالات به‌صورت یادداشت تنظیم شده است.

ریشه‌های کتاب «سنت و تحول در موسیقی ایران» به سال ۱۹۷۰ برمی‌گردد. آن زمان تازه به ایران آمده و در کلاس‌های اساتید آن دوره ردیف موسیقی می‌آموختم. بعد از چند سال با جمع‌آوری و تدوین این آموزه‌ها به شکل کتاب از آن به‌عنوان تز دکترا دفاع کردم.

پس از تقریباً یک دهه، کتاب به زبان فرانسه توسط انتشارات فرهنگ چاپ شد و از آن رو که پرداخت از درون به موسیقی ایرانی توسط خارجی‌ها سابقه چندانی نداشت، تمامی نسخه‌های آن به فروش رفت. علی‌رغم این دیگر رغبتی به تجدید چاپ کتاب نداشتم. چون امکان داشت فاصله زمانی به‌وجود آمده و تغییرات بسیار در شیوه تدریس اساتید، برخی مطالب کتاب را کهنه یا بی‌ربط جلوه دهد.

اکنون بعد از گذشت بیش از ۳۰ سال از چاپ اول کتاب، احساس می‌کنم مطالب آن به لحاظ تاریخی می‌تواند قابل بحث باشد. این روزها نوآموزان موسیقی سنتی کمتر به ریزه‌کاری‌ها، ظرافت و لطافت آثار نسل پیشینشان واقفند و در آشفته‌بازار موسیقی امروز، گوش اکثر شنوندگان به شنیدن سر و صدا و همهمه (به جای ادراکات و لذت موسیقیایی) عادت کرده است و متأسفانه گاه از میان قالب موسیقی سنتی، نواهای مبتذل لاله‌زار به گوش می‌رسد. در این کتاب سعی کرده‌ام ضمن بررسی ابعاد تئوریک موسیقی ایرانی به ظرافت‌های اجرایی موسیقی، چنانچه از اساتیدم شهنازی، فروتن، هرمزی و... آموخته‌ام، بپردازم.

شاخه زرین (پژوهشی در جادو و دین)، نویسنده: جیمز جرج فریزر، ترجمه: کاظم فیروزمند، ناشر: آگاه، قیمت: ۸۵۰۰۰ ریال، بیش از ۸۰۰ صفحه، زمان احتمالی انتشار: اواخر خرداد ۸۳

یادداشت زیر را انتشارات آگاه در اختیارمان قرار داده است.

جیمز جرج فریزر (۱۸۵۴-۱۹۴۱) نژادشناس و ادیب انگلیسی است که کتاب شاخه زرین را از ۱۸۹۰ تا ۱۹۱۵ نوشت.

فریزر ضمن تحقیق درباره منشأ آداب و اعتقادات و مناسک متعدد در جهان قدیم و در فرهنگ عامه جوامع ما، به توصیف تاریخ تفکر آدمی و تا حدی تاریخ ادیان ابتدایی و مناسکی جوامع که خاطره آنها را طی قرن‌ها حفظ کرده‌اند، می‌پردازد.

اثر فریزر به یک تعبیر «پارسنگ تبار انسان و انتخاب جنسی» نوشته داروین است و با وجود اکتشافات بعد یکی از غنی‌ترین منابع انسان‌شناسی به شمار می‌رود.

فریزر در ۱۹۲۳ خلاصه‌ای از اثر خود را نیز منتشر کرد. کتاب وی تأثیر عمیقی بر اندیشه انگلیسی عصر خود داشت.

کاکاتوفیق دیگر سماق نخواهد مکید

همه آنهایی که حتی یکی از شماره‌های توفیق را خوانده‌اند، با سمبل آن یعنی «کاکاتوفیق» آشنا هستند. کاکاتوفیق که از ظاهرش پیدا نبود چه جور جانوری است، دستمایه بسیاری از کاریکاتورهای اجتماعی روزنامه توفیق بود.

روزی که «توفیق» توقیف شد، گردانندگان نشریه در یک اقدام جالب طرحی از چهره کاکاتوفیق را روی یک کاغذ چاپ کردند که کیسه‌ای سماق به آن الصاق شده بود و زیر آن نوشتند: «فعلاً سماق بمکید!» حالا نشر آبی پس از سال‌ها با انتشار کتاب «روزنامه توفیق و کاکاتوفیق» همه دوستداران توفیق را از حالت «سماق مکیدن» بیرون آورده است!

در این کتاب که دکتر فریده توفیق (خواهر حسن توفیق، صاحب امتیاز و مدیر روزنامه توفیق) آن را گردآوری کرده است، مطالب و کارتون‌هایی به چاپ رسیده که در دوران حیات روزنامه توفیق هرگز امکان انتشار نیافته‌اند.

مبارزات طولانی کاکاتوفیق بعد از توقیف غیر قانونی توفیق، علت واقعی توقیف توفیق با اسناد و مدارک محرمانه، نام حقیقی بعضی از سمبل‌های روزنامه توفیق، تشکیلات حزب خران و... و نظرات شخصیت‌هایی همچون دکتر محمد مصدق، سید محمدعلی جمالزاده، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، غلامرضا نخعی، جلال‌الدین همایی و... درباره توفیق از جمله مطالب این کتاب است.

این کتاب ۳۱۷ صفحه‌ای مصور در ۳۳۰۰ نسخه و به بهای ۳۰۰۰ تومان راهی بازار نشر شده است.

زهرا حاج محمدی

پس از مدت‌ها تلاش و پیگیری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سرانجام قانون معافیت مالیاتی کلیه کنشگران حوزه نشر، مطبوعات و دیگر بخش‌های فرهنگی و هنری کشور در هر یک از مراحل تولید، توزیع و پخش به تأیید سازمان امور مالیاتی کشور (وزارت اقتصاد و دارایی) رسید. از همان ابتدا چشم‌انداز این قانون در مشمولیت فعالیت‌های متمرکز نشده در بخش‌های عرضه، توزیع و فروش محصولات هنری و فرهنگی امیدواری شاغلان این حوزه را پیش از پیش در نگاه عادلانه نسبت به میزان عرضه تلاش این محصولات از دیدگاه مسؤولان موجب شد از یک سو آنان هنوز دل‌نگران روند اجرا و قابلیت اجرای این قانون بودند. از سویی این بار نظر دیگری در همین حوزه مطرح شد و آن اینکه این بار، فروشندگان محصولات فرهنگی - هنری در اینجا ناشران- به جای کسب مجوز از اتحادیه کتابفروشان باید به دولت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اسلامی مراجعه نمایند تا مجوز را مستقیماً از دولت دریافت کنند؛ این سؤالات و طرح سؤالاتی درباره چگونگی معافیت شاغلان درجه ۲ (کسانی که مستقیماً از ارشاد مجوز ندارند نظیر نویسندگان، مترجمان، ویراستاران، بخش فنی و...) و بازرهای اجرایی قانون اخیر و- موجب شد به سراغ ابوالقاسم ایرجی معاون طرح و برنامه‌ریزی و تحول اداری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برویم و این سؤالات را با وی در میان بگذاریم. قصد داریم این گفت‌وگو را با سلسله گفت‌وگوهایی با دست‌اندرکاران حوزه نشر و طرح ابهامات، مشکلات و پیشنهادات آنان در نحوه اجرای قانون اخیر ادامه دهیم.

در گفت‌وگو با ابوالقاسم ایرجی

معافیت مالیاتی ناشران ، کتابفروشان، نویسندگان و مترجمان

آقای ایرجی برای پرسش اول می‌خواهیم قانون مالیات را در حوزه فرهنگ و هنر مرور نماییم. این قانون در حوزه فرهنگ و هنر چه تعریفی دارد، حقوق افراد حقیقی و حقوقی و دیگر شاغلان درجه ۲ و ۳ در این حوزه چگونه تعریف می‌شود. فراگیری این قانون دقیقاً چه دسته از کنش‌گران این حوزه را در بر می‌گیرد و شیوه رعایت آن در جامعه به‌ویژه نشر کشور چگونه است؟

صنوف فرهنگی - هنری، به‌ویژه دست‌اندرکاران نشر کتاب از نویسنده تا کتابفروش، یعنی از کسانی که آفرینش فرهنگی می‌کنند، تحقیق می‌کنند یا تألیف، تا وقتی ناشر و تولیدکننده وارد عمل می‌شوند، تا وقتی پخش و توزیع به میان می‌آید و آنجا که فروشنده کالا را به دست متقاضی می‌رساند، همه در قانون معافیت مالیاتی دیده شده‌اند. به این معنا که قانونی که نوشته شده همه دست‌اندرکاران و کنش‌گران فرهنگی را از تولید تا توزیع و فروش در بر می‌گیرد. اصلاحات قانون مالیات‌های مستقیم در تاریخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۷ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و قانون اخیر در واقع قانون اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم است. یکی از موارد جدید این قانون ماده ۱۳۹ است. این ماده به بخش معافیت‌ها توجه کرده است که بند «ل» آن مربوط به فعالیت‌های فرهنگی و هنری است. عین متن این قانون چنین است: «فعالیت‌های انتشاراتی، مطبوعاتی، فرهنگی و هنری که به موجب مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام می‌گیرد، از پرداخت مالیات معاف هستند.» در این متن یا دو نکته تازه روبه‌رویم: ابتدا اینکه فعالیت فرهنگی از مالیات معاف است، بر خلاف قوانین سابق که اشخاص حقیقی- حقوقی که فعالیت می‌کردند، معاف بودند، این قانون می‌گوید اشخاص حقیقی و حقوقی که «این فعالیت» را دارند از پرداخت مالیات معاف هستند و فعالیت‌های دیگرشان معاف نیست. دوم آنکه فعالیت‌های فرهنگی با معیار دریافت مجوز اشخاص از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی محاسبه می‌شود. آیین‌نامه این قانون که به تصویب هیأت وزیران رسید در فصل ۱۲ به صورت کلی بیان کرده که دستورالعمل این معافیت‌ها توسط سازمان مالیاتی کشور و با کمک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه و ابلاغ می‌شود و ما در این کار یک همکار برای سازمان مالیاتی کشور بودیم. بعد از اینکه آیین‌نامه در دولت تصویب شد، اوایل سال ۸۲ ما شروع به رایزنی با سازمان مالیاتی کشور کردیم. اولین بحث ما این بود که به صورت فراگیر همه دست‌اندرکاران فعالیت‌های فرهنگی و کنش‌گران فرهنگی را پوشش دهیم. در همین راستا ما مجبور بودیم تعریفی از فعالیت انتشاراتی، مطبوعاتی، فرهنگی و هنری ارائه دهیم. ماده ۱ دستورالعمل نیز حاصل تعریف عملیاتی فعالیت انتشاراتی در کشور و چارچوب‌ها و کاربردهایی است که برای ناشران تعریف شده است. (ناشران به این دلیل که شما از دیدگاه ناشران این سؤالات را مطرح می‌کنید) این ماده مجموعه فعالیت‌هایی که در فرآیند نشر صورت می‌گیرد از وقتی نویسنده می‌نویسد و تحقیق می‌کند، تا تصحیح، ویراستاری، تولید فنی و پخش و توزیع و فروش کتاب را در بر می‌گیرد. پس ما نحوه عرضه را نیز مورد توجه قرار دادیم. این عرضه در هر شیوه‌ای خواه سنتی و یا بر اساس تکنولوژی روز (بر روی حامل‌های رایانه‌ای، CD یا سایت) انجام گیرد مشمول همین تعریف می‌شود. **تکلیف مجوزها در این قانون چگونه تعیین شده و بر اساس همین قانون افراد درجه ۲ که خود مجوز ندارند چگونه و در چه سطحی با این قانون ارتباط پیدا می‌کنند؟**

متن ماده دوم قانون می‌گوید: «درآمد حاصل از فعالیت‌های انفرادی یا جمعی موضوعات مذکور در ماده یک این دستورالعمل توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی که دارای مجوز فعالیت یا پروانه تأسیس از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشد و به صورت مکتوب، سمعی، بصری و صحنه‌ای تولید، توزیع و عرضه می‌شود از پرداخت مالیات معاف است.» بر اساس این ماده ناشر که از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز فعالیت می‌گیرد یا دیگران که با ناشر ارتباط برقرار می‌کنند از پرداخت مالیات معاف می‌شوند. دسته دوم کسانی را در بر می‌گیرد که مستقیماً از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز دریافت نمی‌کنند، اما ما خواهان معافیت مالیاتی آنها هستیم چراکه اینان در فرآیند کتاب قرار دارند. این دسته را در پیوست تعریف کرده‌ایم. بر اساس این پیوست فعالیت‌هایی شامل نویسندگی (تحقیق، تألیف، ترجمه، تصحیح گردآوری)، ویراستاری، صفحه‌آرایی، صفحه‌بندی، حروفچینی، خطاطی، طراحی جلد، بازنویسی، نشر کتاب اعم از کاغذی یا الکترونیکی، پخش و فروش کتاب مانند ناشران، از مالیات معاف هستند. قطعاً یک نویسنده، ویراستار، صفحه‌آرا و دیگران برای فعالیت خود از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز نمی‌گیرند، اما تبصره ۲ ماده ۲ آنها را از مالیات معاف کرده است. اینان بر اساس همان قراردادی که با ناشر می‌بندند از مالیات معاف می‌شوند، پس ما تنها یک چیز را به این

قانونی که نوشته شده همه دست اندرکاران و کنش‌گران فرهنگی را از تولید تا توزیع و فروش در بر می‌گیرد

قانون اضافه کرده‌ایم «قرارداد» یعنی نویسنده، مترجم، صفحه‌آرا، ویراستار و دیگران که با ناشر برای یک کتاب قرارداد می‌بندد، همان قرارداد مبنای معافیت آن هست. **تکلیف حقوق‌بگیران در این قانون چیست، حروفچین و یا هر کارمندی که در حوزه نشر با ناشر فعالیت می‌کند و از او حقوق می‌گیرد؟**

حقوق‌بگیران اساساً مشمول قانون مالیات‌های مستقیم نیستند بلکه مشمول قانون مالیات‌های تکلیفی هستند. ماده ۶ می‌گوید: «حقوق‌بگیرانی که برای انجام فعالیت‌های موضوع بند ل ماده ۱۳۹ قانون یادشده در استخدام اشخاص حقیقی یا حقوقی می‌باشند، مشمول مقررات مالیات بر درآمد حقوق موضوع فصل سوم از باب سوم (مواد ۸۲ الی ۹۲) قانون مالیات‌های مستقیم بوده و مشمول معافیت موضوع بند ل ماده ۱۳۹ اصلاحی قانون مذکور نخواهند بود.» این ماده تکلیف حقوق‌بگیران را روشن ساخته است. لذا حقوق‌بگیرانی که تا سقف ۱۸۰ هزار تومان حقوق می‌گیرند از مالیات معاف هستند. معافیت حقوق‌بگیران در واقع در مبحث مشاغل می‌گنجد و بنابراین کسی که کارمند ثابت است تکلیفش جای دیگری در قانون مشخص شده است. این قانون فعالیت افرادی را که کار فرهنگی دارند، مورد نظر قرار داده است. شما می‌توانید جایی حقوق بگیرید و جایی هم با ناشر قرارداد داشته باشی، تکلیف این دو جداست.

دادن اظهارنامه از سوی افرادی که فعالیت فرهنگی دارند (افراد دسته ۲) برای معافیت الزامی است؟

قطعاً آنها که مستقیماً از ارشاد مجوز می‌گیرند تکلیف روشنی دارند، اما آنها که با اشخاص دارای مجوز قرارداد دارند نیز معاف هستند. اما مشروط به آنکه اظهارنامه را پر کنند. بر اساس آیین‌نامه کل ماده ۱۳۹ که در دولت تصویب شده، هر کس اظهارنامه مالیاتی را پر نکند از معافیت مستثنی خواهد بود. قطعاً برای ما که در حوزه فرهنگی کار می‌کنیم و مسؤولیتی در کشور داریم، واجب‌تر است که اقدام به فرهنگ‌سازی کنیم. فرهنگ مالیات دادن نیز از همین جا شروع می‌شود، باید همه دارای پرونده مالیاتی باشیم فعالیت‌هایمان را اطلاع دهیم و اتفاقاً با همین اطلاع‌رسانی، مشمول معافیت بیشتری خواهیم شد. لذا من به تمامی صنوف فرهنگی اعلام می‌کنم که اظهارنامه‌های خود را به موقع به اداره مالیات ارائه دهند. قراردادهایی که در سال ۸۱ و ۸۲ با نویسندگان و سایر معافان از مالیات نیز بسته شده، مشمول همین معافیت است. اگر این دسته افراد فاقد قرارداد هستند، می‌توانند از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأییدیه بگیرند و بر اساس همان تأییدیه از مالیات معاف شوند. اما تمام افرادی که از سال ۸۳ با ناشران فعالیت خود را آغاز می‌کنند باید قرارداد خود را به حوزه مالیاتی خود تحویل دهند.

اما تمام این موارد منوط به تاریخ مجوز پروانه نشر شده است. تاریخ مجوز پروانه نشر آیا تسهیلاتی را برای دارنده قرارداد یا مجوز فراهم می‌کند یا صرفاً یک آمار شناسنامه‌ای را در بر می‌گیرد؟

در تبصره ۲ کسانی که مستقیم از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز ندارند اما با افراد دارای مجوز قرارداد دارند، ذکر شده در این قرارداد باید شماره و تاریخ مجوز ذکر شود. در این قرارداد ابتدا باید مشخصات دو طرف قرارداد دقیقاً ذکر شده باشد دیگر آنکه شماره و تاریخ پروانه نشر ناشر بایستی ذکر شود. همین برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کافی‌ست تا بر اساس همان شماره و تاریخ مجوز، قرارداد را ببیند.

کتابفروشان که از صنف مجوز می‌گیرند نه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این قانون چه تکلیفی دارند؟

درباره فروشندگان کتاب ما از ابتدا با بحث‌های زیادی با سازمان مالیاتی کشور داشته‌ایم تا این دسته را هم به معافان مالیات اضافه کنیم. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تا سال‌های قبل از ۷۰ برای کتابفروشان نیز مجوز صادر می‌کرد، بعدها طبق قراردادی بنا بر آن شد که اتحادیه خود پروانه کتابفروشی در تهران و دیگر استان‌ها را صادر نماید. اما سازمان مالیاتی کشور الان شرط کرده که این دسته نیز باید از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز بگیرند. به نظر می‌رسد ما الان باید شروع به دادن مجوز به تمام کتابفروشان کنیم تا از معافیت استفاده کنند. **نمی‌توانید طور دیگری با اتحادیه توافق کنید که آنها مجوز بدهند تا به نوعی شاهد افزایش تصدی‌گری دولتی هم نباشیم؟**

همه بحث ما با سازمان مالیات کشور همین بود، اما نتوانستیم. تا این لحظه به توافق برسیم. مشکل این بود که سقف زمانی برای این توافق حاصل شده بود، لذا به نظر می‌رسد هنوز چند نکته‌ای در دستورالعمل باقی مانده که باید با سازمان آن را طرح کنیم. ما نیز قصد نداشتیم سازمان عریض و طویل صدور مجوزها را ایجاد کنیم پس بهتر می‌بینیم که اتحادیه این وظیفه را انجام دهد، اما هنوز در مذاکره با سازمان به جایی نرسیده‌ایم. در تمام این مدت سعی ما این بود که ناشران، کتابفروشان، پخش‌کنندگان و توزیع‌کنندگان مشمول قانون معافیت مالیاتی شوند.

به هر حال این صحبت‌ها و مذاکرات هنوز ادامه دارد. اما پیش از آن من از همین جا از تمام ناشران، اتحادیه‌ها و تعاونی‌های مرتبط با نشر کشور دعوت می‌کنم با برگزاری جلسات توجیهی و حتی نشست‌هایی که به طرح سؤالات و ابهامات مورد نظر آنها در قانون اخیر بینجامد، این نکات را طرح نمایند تا با همکاری سازمان مالیاتی کشور به جواب‌های روشنی برای این سؤالات دست یابیم و باز از همه دوستان دعوت می‌کنم با پر کردن اظهارنامه‌های مالیاتی که کمتر از ۳۰ دقیقه هم وقت آنها را نمی‌گیرد، به ما در جهت معافیت خودشان و انجام امور اداری کمک نمایند و از شما نیز درخواست می‌کنم با ترتیب دادن نشست‌ها و جمع‌آوری پرسش‌های دوستان در حوزه نشر به رفع این ابهامات کمک نمایید. باز هم تأکید می‌کنم به دلیل رسالت فرهنگ‌سازی که بر دوش ماست و برای اشاعه فرهنگ مالیاتی در کشور، همه ما باید خودمان را ملزم کنیم که پرونده مالیاتی داشته باشیم. پر کردن یک اظهارنامه برای اشخاص حقیقی کار سنگینی نیست و این امر در تمام دنیا رایج است. افرادی که در فهرست پیوست دستورالعمل مجوز از ارشاد ندارند نیز باید از این پس به داشتن قرارداد خود را ملزم نمایند. نکته دیگر آنکه ماده ۳ این قانون می‌گوید: اشخاص موضوع این دستورالعمل مکلف به انجام سایر تکالیف مربوط از جهت تسلیم به موقع اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان یا اظهارنامه حسب مورد می‌باشند. عدم رعایت شرایط و ترتیبات مقرر در قانون مالیات‌های مستقیم و آیین‌نامه موضوع ماده ۱۳۹ قانون مزبور از سوی اشخاص موضوع این دستورالعمل، در هر سال مالی موجب محرومیت معافیت مقرر در آن سال خواهد شد. این ماده خواست ما نیست بلکه خواست سازمان مالیاتی کشور است و قانون معافیت همه افراد حقیقی و حقوقی را در بر می‌گیرد. اظهارنامه‌ها بسیار ساده و روان است و سازمان مالیاتی کشور آنها را طراحی کرده است. در ماده ۴ ما آمدیم الزام ماده ۱۰۴ قانون مالیاتی را که ۵ درصد است کسر و به حساب سازمان مالیاتی کشور واریز می‌شد، معاف کردیم. این معافیت مشروط به عقد قرارداد و ارائه اظهارنامه ظرف مدت ۳۰ روز است. در ماده ۶ ذکر شده که حقوق‌بگیران، قانون جداگانه‌ای دارند. در مواد ۸۲ الی ۹۲ قانون ذکر شده پس وجهی ندارد که این افراد مشمول معافیت شوند. در ماده هفت هم اشاره شده این قانون از سال ۸۱ قابل اجراست. پیش‌بینی ما این بوده که این قانون احتمال دارد دچار اشکالاتی باشد. لذا ذکر کردیم این قانون هر ۲ سال یک بار می‌تواند مرور شود و اگر اشکالی در فهرست‌های اعلامی بود، تصحیح شود. دوستان ما در حوزه نشر نیز اگر فعالیتی را جا افتاده از طرح معافیت مالیاتی تشخیص دادند، می‌توانند با ما آن را در میان بگذارند تا در پیشنهادات خود به سازمان مالیاتی و برای اضافه کردن به دستورالعمل بگنجانیم.

یادداشت

محمود صدری

گراز ها و انسان ها

نقد روش و ایدئولوژی جورج اورول درمزرعه حیوانات

«مزرعه حیوانات»، جرج اورول، ترجمه: صالح حسنی، محبوبه نبی‌زاده، ناشر: انتشارات دوستان، چاپ اول: زمستان ۱۳۸۲، قیمت: ۹۵۰ تومان.

ترجمه دیگری از کتاب نامدار animal farm به بازار آمد و این بار با نام مزرعه حیوانات. این کتاب پیش از این دست کم توسط ۵ مترجم دیگر ترجمه شده که آنها نام «قلعه حیوانات» را برایش برگزیده‌اند. تکرار ترجمه و تجدید چاپ چند باره این کتاب اگر بیانگر اهمیت آن نباشد دست کم نشانه استمرار علاقه و توجه به آن هست.

تفسیر و تکمله‌ای که مترجم چاپ جدید مزرعه حیوانات در انتهای کتاب آورده، برای معرفی کتاب و واکاوی عناصر تمثیلی آن جای چندانی نمی گذارد؛ زیرا این تفسیر تقریباً همه آنچه را که درباره هدف جورج اورول از نگارش آن می توان گفت در بر دارد. لذا در این نوشتار به وارسی شکلی مزرعه حیوانات، انگیزه احتمالی جورج اورول از نگارش آن، نگاه ایدئولوژیک اورول به جنبش چپ و مآلاً علت استقبال گسترده از این کتاب در ایران و جهان اکتفا می کنیم. در خاتمه نیز چند نکته نگارشی ساده از باب تذکار ارائه می شود.

نوع ادبی

مزرعه حیوانات به لحاظ شکلی در شمار قصه‌های پریان است اما به لحاظ مفهومی با این نوع ادبی فرسنگ‌ها فاصله دارد. قصه‌های پریان که ایرانیان با نمونه‌هایی از آن در متل‌های فولکلوریک و آثار کهن (قابوسنامه حضرت سلیمان، قصه‌های کلیله و دمنه، قابوسنامه، مثنوی و...) آشنایی دارند، از انواع ادبی است که همه یا بخشی از اجزای آن، جانوران هستند. این جانوران در تعامل با یکدیگر و با انسان‌ها نوعاً افعال و اقوالی بروز می‌دهند که حکمت‌آموز است و تا حدود زیادی خارج از بند زمان و مناسبات اجتماعی اعصار خاص. این ویژگی باعث می‌شود که افعال و اقوال آنها برای آیندگان نیز پندآموز باشد.

رجوع مکرر به اشعار، پندها و متل‌های پریانی در گفتار روزمره مردم نشانه این پایداری است. رمز پایداری نیز احتمالاً این است که پندها و متل‌ها برگرفته از عام‌ترین ویژگی‌های بشری و جامع گفتار و کردار آنها هستند.

اما مزرعه حیوانات جورج اورول از این قاعده پیروی نمی‌کند و استعاره‌های پریانی آن نماینده گفتار و کردار عام انسانی نیست. فی‌الواقع آنچه در کتاب اورول به‌صورت نمادین مطرح شده، ابتدا تحقق بیرونی یافته آنگاه به‌صورت قصه در آمده است. علت مهندسی دقیق مزرعه حیوانات همین است. زیرا نمادهای آن همگی ابتدا در هیأت چهره‌های واقعی مفروض گرفته شده آنگاه به حیوانات منتقل شده است. این ویژگی باعث می‌شود که مزرعه حیوانات در فاصله ۱۹۱۷ میلادی که کمونیست‌ها در روسیه به قدرت رسیدند تا ۱۹۹۱ که رژیم آنها فروپاشید و حداکثر تا چند دهه پس از این تحولات که آخرین رژیم‌های توتالیتر جهان رخت می‌بندند اعتبار یک قصه پریانی را داشته باشد. پس از آن اعلامیه‌ای سیاسی است در نقد رژیم یا رژیم‌هایی که دیگر وجود ندارند.

زندگی و ایدئولوژی اورول

جورج اورول (۱۹۵۰-۱۹۰۳) نام مستعار اریک آرتور بلر است. نام واقعی اورول هیچ‌گاه مطرح نشد، زیرا‌ی همه آثار برجسته و مشهور خود را با نام اورول منتشر کرد.

جورج اورول از پدر و مادری انگلیسی در بنگال هند به دنیا آمد. پدرش از «سیویل سروانت»ها، کارمندان ارشد دولت بریتانیای کبیر و مادرش دختر یکی از بازرگانان نامدار انگلیسی بود یک ساله بود که خانواده‌اش او را به انگلیس بردند و ۲۲ ساله بود که به عنوان عضو لژیون امپراتوری بریتانیا به هند بازگشت. زندگی در کنار نظامیانی که هر روز با مقاومت مردم هند روبرو می‌شدند، اورول را از کاری که به آن مشغول بود بیزار کرد. او در سال‌های ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۶ مشاهدات خود را نوشت و پس از استعفا از ارتش، دستنوشته‌های خود را در کتابی به نام «شلیک به فیل» منتشر کرد. این کتاب که در سال ۱۹۳۱ منتشر شد، شرح ستمی بود که به هندی‌ها می‌رفت.

این رویکرد اورول او را از دستگاه دیوانی انگلیس جدا و به حلقه منتقدان وارد کرد. اورول با تأسی به نویسندگان قرن نوزدهمی انگلیس، به‌ویژه چارلز دیکنز علاقه وافری به نوشتن درباره تیره‌روزان و تهیدستان از خود نشان داد و حتی برای لمس تجربه‌های شاخه‌ای از تیره روزان یعنی زندانیان، تظاهر به بدمستی کرد تا به زندان برود و زندگی زندانیان را از نزدیک ببیند.

همین نگرش، او را به سوسیالیسم و سپس به کمونیسم کشاند و با همین ایدئولوژی و ذهنیت عدالت‌جویانه به اسپانیا رفت و در کنار کمونیست‌های اسپانیا با فاشیست‌های هوادار ژنرال فرانکو جنگید. در این جنگ زخمی شد و با کوله‌بار خاطرات یعنی همان «گرامیداشت کاتالونیا» به انگلیس برگشت.

درمیان آثار اورول دو اثر طنز با طنزگونه به نام‌های مزرعه حیوانات و ۱۹۸۴ و گزارشی به نام گرامیداشت کاتالونیا (در ایران به زنده‌باد کاتالونیا هم ترجمه شده است) درخشندگی بیشتری دارند. ۱۹۸۴ داستان مسخ شدن زبان و عشق در مناسبات تحمیلی رژیم‌های توتالیتر است و گزارش کاتالونیا شرحی است بر جنگ داخلی اسپانیا که جورج اورول در آن علیه فاشیسم جنگیده است. شرکت در جنگ اسپانیا برای اورول هم

مزرعه حیوانات به لحاظ شکلی در شمار قصه‌های پریان است اما به لحاظ مفهومی با این نوع ادبی فرسنگ‌ها فاصله دارد

آنچه درکتاب اورول به صورت نمادین مطرح شده، ابتدا تحقق بیرونی یافته آنگاه به صورت قصه درآمده است

نظم گریزی اورول از این دوران رو به فزونی گذاشت و به‌تدریج مبارزه با امپریالیسم، جای خود را به مبارزه با سوسیالیسم داد. یک مرحله قبل از این چرخش بزرگ، اورول، جنگ انگلیس با آلمان را نکوهش کرد و گفت امپراتوری انگلیس از نازیسم هیتلر بدتر است. اما این خلجان روحی دیری نپایید و اورول ابتدا به‌عنوان سرجوخه به استخدام ارتش انگلیس درآمد و پس از آن گزارشگر جنگی بی‌بی‌سی، ایزرورد و تریبیون شد. خشمی که اورول در این دوران از کمونیست‌ها داشت او را به لغزش حرفه‌ای دچار کرد که کارنامه روزنامه‌نگاری‌اش را تباه کرد. او در گزارش‌های جنگی‌اش درباره جنجالی‌ترین رسوایی نازیسم یعنی کوره‌های آدم‌سوزی آشویتس سکوت کرد.

مزرعه حیوانات دقیقاً در همین زمان نوشته شد که اورول از کمونیسم کنده شده بود و در معبر پیوستن به کاپیتالیسم به قلاب فاشیسم گرفتار شده بود. او اکنون به این نتیجه رسیده بود که هرکس با توتالیتاریانیسم استالینی می‌جنگد، لاجرم شریف‌تر از استالین است.

شوق اورول برای شوریدن بر استالین در این مرحله چنان گذازان است که او تاریخ اتحاد شوروی از سال ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۵ (پیروزی انقلاب اکتبر تا مصالحه استالین با آلمان و پس از آن منتقلان) را پیش رو می‌گذارد و هرآنچه را رخ داده با مهندسی دقیق بازنویسی می‌کند. این کار که به لحاظ ادبی مرجح شمردن اختراع بر کشف و به لحاظ روشی ترجیح دادن عمل بر نظر و به لحاظ تئوریک، انتخاب تاریخ به جای نظریه بود او را واداشت تا «رفتاری معاصره را قبای پریانی و اسطوره‌ای بپوشاند. مزرعه حیوانات یا قلعه حیوانات در ۵۰ سال اخیر، در زیر صورت تمثیلی و پریانی خود همواره ادعاننامه‌ای سترگ علیه رژیم‌های توتالیتر بوده است. این فریاد افشاگرانه اورول از وی و کتابش برای ملل اتحاد شوروی پیشین، اروپای شرقی عصر جنگ سرد و مردمانی که در دیگر کشورها تحت سلطه جباران زندگی می‌کردند و می‌کنند، قهرمانی جنبش مقاومت، کمونیست‌های متمایل به اتحاد شوروی هستند که با حرکت‌های آنارشیستی و هدایت ناشده مخالفت می‌کنند و اورول از آنها بیزار می‌شود.

او از همین جا به سوسیالیسم غیر روسی متمایل می‌شود و به همراه همسرش از جبهه اسپانیا می‌گریزد. از این مقطع اورول شوریده‌ای است که فارغ از هر قید ایدئولوژیک و بدون احساس نیاز به هیچگونه تئوری برای مبارزه، خود را به گرداب احساسش می‌سپارد. او که اکنون ۳۵ ساله است، گرامیداشت کاتالونیا را می‌نویسد و به نقد مبارزه می‌پردازد. اورول برای نشان دادن اینکه کمونیست‌ها، بدون شعور لازم در اسپانیا می‌جنگند و بی‌گناهان را می‌کشند، خاطره‌ای از روزهای جنگ را نقل می‌کند که خودش دقایقی انتظار می‌کشد تا یکی از سربازان فرانکو از توالت صحرایی خارج شود تا او را بکشند. اما وقتی سرباز بیرون می‌آید و در حال جمع کردن شلوار خود است، مدام شلوار می‌افتد و اورول با خود می‌اندیشد من آمده‌ام اینجا با امپریالیسم مبارزه کنم نه با سرباز مفلوکی که توان جمع کردن شلوارش را ندارد. اورول تفنگ خود را پایین می‌آورد. آن سرباز مفلوک خود قربانی امپریالیسم است و روا نیست به دست انقلابیون کشته شود؛ اما از منظر نظم آهنین مبارزه و جنگ، گلوله‌ای که از تفنگ سرباز مفلوک بیرون می‌آید درست مانند گلوله‌ای که از سلاح یک ژنرال سیاسی آگاه بیرون بیاید کشنده است.

اورول در کتاب به استالین به عنوان یک ابرانسان می‌نگرد و الهام بخش گزارش جنگ شد و هم نگاه او را به سوسیالیسم و کمونیسم عوض کرد.

مشهورترین سوسیالیست‌های اروپایی که در جریان عمل انقلابی و پیش از آموختن آموزه‌های مارکسی (نه مارکسیستی) به کمونیسم گراییدند، گروه شش نفره‌ای بودند که پس از رویگردانی از کمونیسم کتاب The cod That Failed را نوشتند. این کتاب مشتمل بر مقالاتی به قلم آرتور کوستلر آلمانی، آندره ژید فرانسوی، ایگناسیو سیلونه ایتالیایی، استفان اسپندر انگلیسی و ریچارد رایت و لوئی فیشر آمریکایی بود که هر یک داستان روی‌آوری و رویگردانی از کمونیسم را در آن شرح داده‌اند.

این کتاب از جنبه افشاگری درباره توتالیتاریانیسم استالین در آثار درخشان قرن بیستم به شمار می‌رود. اما در عین حال به لحاظ مبانی نظری از جمله نقدهای بی‌مایه بر جنبش کمونیستی و نظریه انقلاب اجتماعی کارل مارکس است. زیرا بخش اعظم کتاب شرح نامرادی‌های نویسندگان و احساس جفایی است که آنها از ناحیه کمونیسم روسی متحمل شده‌اند. فی‌المثل آرتور کوستلر در یکی از بخش‌های مقاله خود رفقای حزبی سابق خود را با تعابیری مانند «بوی متعفن عرق تن آنها» تحقیر می‌کند. نکته جالب اینکه این عبارت را در وصف دوره‌ای از زندگی یاران خود به کار می‌برد که همگی به‌صورت مخفی و از بیم دستگیری توسط پلیس در آپارتمان کوستلر حالت زندانی دارند و در واقع چاره‌ای ندارند مگر اینکه «بدنشان بوی متعفن عرق» داشته باشد. ریچارد رایت نیز به سیاهپوست بودن خود و نگاه نژادپرستانه سفیدپوستان اشاره می‌کند و آن را یکی از دلایل دور شدن از کمونیست‌ها می‌داند.

جورج اورول نیز داستانی کمابیش مشابه گروه شش نفره دارد. او به اسپانیا می‌رود تا در کنار جنبش مقاومت، علیه فاشیسم بجنگد. گردانندگان اصلی ساخته بود و ساخته است که برای خوانندگان مجال نقد نمی‌گذارد. آنها اورول را می‌خوانند تا مرهمی بر تیره‌روزی‌ها و دردهای جانگاهشان باشد. اما منتقدان که این کتاب را با خونسردی بیشتر خوانده‌اند در عین حال که وجه افشاگرانه آن را ستوده‌اند به لحاظ ادبی، نظری و روشی پایه آن ناخته‌اند و پایی اعتنایی کرده‌اند. بزرگترین بی‌اعتنایی از آن گردآورندگان گزیده تاریخ ادبیات انگلیس است که در ۲۹۵۵ صفحه کتاب با صدها مدخل، و هزاران نام جایی برای نام اورول لازم ندیده‌اند زیرا از نظر منتقدان و مورخان همو طن اورول که دست بر قضا بیشتر آنان از گرازان مزرعه حیوانات بیزارند و در نکوهش انقلاب حیوانات که در نیمه راه توسط خوکان به یغما رفت با اورول هم‌داستانند، بیانیه سیاسی هرقدر هم شریف باشد جایش در کنار آثار پالایندگان روح آدمی از تباهی‌ها یعنی نویسندگان آثار ادبی نیست. تعابیر حماسی هومر و فردوسی در همه حال حماسی‌اند و تعابیر تراژیک شکسپیر در همه زمانه‌ها تراژیک. این مفاهیم فارغ از نظام‌های سیاسی معین و مشخص وجود دارند و نویسندگان آنها اثر خود را به بند ناف هیچ نظامی گره نزده‌اند.

چند نکته نگارشی

۱- برگزیدن معادل مزرعه برای واژه انگلیسی Farm در عنوان و متن کتاب طبیعی است. اما مترجمان قبلی که با ترجمه معنایی و آزاد، قلعه را به جای مزرعه به کار برده‌اند، در واقع می‌خواسته‌اند فضای بسته و رعب‌آور قصه را به خواننده منتقل کنند. به هر حال این گزینش‌ها از جنس سلیقه است و به مترجمان قبلی و مترجم کنونی نمی‌توان خرده گرفت. ما نیز در این بررسی به احترام مترجم از همان معادل مزرعه حیوانات استفاده کردیم.

۲- در ترجمه‌های قبلی برای واژه Scrull آبدارخانه و در ترجمه صالح حسینی ظرفشورخانه به کار رفته که هر دو در معماری و زبان ایرانی نامأنوس می‌نماید. در ایران همه کارهایی که در Scrull می‌شود از جمله نگهداری ترشی‌ها، عرقیات، مربا جات و نظایر اینها یا در مطبخ و آشپزخانه می‌شود یا در انباری و سردابه.

۳- تعبیر بنی حیوان که به نمط بنی‌آدم و بنی بشر ابداع شده، نامأنوس است، مگر بر سیاق طنز به کار رفته باشد.

۴- ترجمه Tyrannical به متغلب، اگرچه نادرست نیست اما دور کردن متن از نوع داستانی به نوع فلسفی است که به نظر نمی‌رسد جورج اورول قصد آن را داشته باشد. مدینه تغلب یا ستمکار لفظی است که ابونصر فارابی در طبقه‌بندی حکومت‌ها و در کنار سه نوع دیگر یعنی مدینه کرامه (تبدارشی یا حکومت فیلسوف. شاه)، مدینه نذاله (الیگارشی یا حکومت اقلیت انحصارگر) مدینه جماعیه (دمکراسی) به کار می‌برد. حکومتی که اورول برای گرازان مزرعه حیوانات تصویر کرده در واقع از نوع همان مدینه تغلب است که مترجم به کار برده اما در ادبیات امروز این شیوه حکومت بیشتر ستمکار یا جبار خوانده می‌شود. حتی دیکتاتوری اگرچه واژه‌ای غیر ایرانی است، منظور اورول را بهتر از متغلب بیان می‌کند.

۵- حاشیه‌ای که در صفحه آخر کتاب درباره جمله‌ای از کارل مارکس آمده اولاً معلوم نیست از آن نویسنده است یا مترجم؛ و ثانیاً تقلیل دادن یکی از عمیق‌ترین و جدی‌ترین فصول فلسفه سیاسی مارکس است. در داستان اورول، نمایندگان انقلاب ربوده شده در برابر نمایندگان ضد انقلاب نشسته‌اند و چنان نرد عشق می‌بازند که در هم تنیده‌اند و تشخیص آنها از یکدیگر ناممکن است. این تصویر ربطی به آنچه کارل مارکس درباره «حیوانی شدن انسان» بر اثر انجام کار از خود بیگانه می‌گوید، ندارد. در مفهوم مارکسی وقتی کارگر کار می‌کند و به علت استثمار از کار خود لذت نمی‌برد و محصول کارش به یغما می‌رود به این احساس می‌رسد که گویی دیگران او را انسان نمی‌شمارند. بدیهی است این مفهوم در مواجهه مستانه گرازان و انسان‌ها که در پایان کتاب مزرعه حیوانات رخ می‌دهد، هیچ نسبتی ندارد. مواجهه اول ستیز طبقاتی است و مواجهه دوم مستی هم‌پیمانی.

گزارش

لیلا تیرانداز

برای کودکان

شناخت ادبیات کودکان از آغاز تا انجام

کتاب «شناخت ادبیات کودکان: گونه‌ها و کاربردها از روزن چشم کودک» به ابتکار «مؤسسه فرهنگی، هنری خانه ترجمه کودکان و نوجوانان» به عنوان یکی از معدود کتاب‌های مرجع در حوزه «شناخت ادبیات کودکان» منتشر شد.

دونا نورتن، نویسنده کتاب، استاد دانشگاه AM نگزاس و برنده جایزه موفقیت برجسته در زمینه تدریس است. این کتاب که حاصل سال‌ها تجربه، پژوهش و تدریس او در کودکستان، مدارس ابتدایی و البته دانشگاه است، در ایران توسط گروهی از مترجمان صاحب‌نظر، ترجمه و با چاپ نفیس و جلد گالینگور در دو جلد به بهای ۱۸۰۰۰۰ ریال به بازار عرضه شده است. کتاب ۱۲ فصل دارد که هشت فصل آن (از فصل ۳ تا ۱۲) مشتمل بر دو بخش است: بخش نخست ویژگی‌ها، تاریخچه و عنوان‌های گونه‌های ادبی را به شکل ریشه‌ای مورد بحث قرار می‌دهد و بخش دوم راههای جلب کودکان به ادبیات را ارائه می‌کند و شاید به همین دلیل دو واژه «گونه‌ها و کاربردها» از سوی مترجمان، به عنوان اصلی کتاب

an introduction to childrens literature: through the eyes of a child

افزوده شده است. در هر فصل از کتاب «شناخت...» نویسنده علاوه بر مطالب اصلی به ایتکاراتی چون: ارائه بحث‌های باز (بدون نتیجه‌گیری)، طرح دیدگاههای صاحبنظران (نویسنده، تصویرگر، ناشر یا کتابدار)، توجه به ادبیات چندفرهنگی و ارائه مطالب از روزن چشم کودک دست زده است.

در آخر باید به تصویرهای متعدد کتاب اشاره کرد که درک مطالب را آسان می‌کند و نیز نمونه‌های فراوانی که اگرچه، به طور طبیعی، از ادبیات کودکان کشور نویسنده- آمریکا- برگزیده شده‌اند برای خواننده ایرانی نیز خالی از فایده نیستند.

برای اینکه حق مطلب را در مورد این کتاب مرجع ادا کنیم با پدید آورندگان کتاب گفت‌وگو کردیم، گام به گام، از آغاز تا انجام.

گام اول: انتخاب

نخست از حسین ابراهیمی (الوند) می‌پرسیم که کی و چطور این کتاب را پیدا کردو چرا آن را برای ترجمه مناسب تشخیص داد و چه شد که ترجمه را به یک گروه واگذار کرد؟

او گفت: در خانه ترجمه کودکان و نوجوانان، همیشه در جست‌وجوی کتاب‌های تازه و خوب برای کودک و نوجوان هستیم و تاکنون هم داستان‌ها و رمان‌های خوبی را انتخاب و ترجمه کرده‌ایم، ولی متأسفانه در زمینه کتاب‌های مرجع، کتاب‌های نقد و تحلیل، نظریه‌پردازی و... کار نکرده‌ایم. می‌دانید که برای رفع این نقص، دو راه بیشتر نداریم، تألیف و ترجمه، که برای تألیف اینگونه کتاب‌ها، مؤلف باید علاوه بر آشنایی با زبان خارجی و آخرین دستاوردهای مباحث تئوریک در زمینه ادبیات کودک در دنیا، مجهز به دانش و اطلاعات اساسی دیگری هم باشد و وقت و حوصله این کار را هم داشته باشد. راه دوم یعنی ترجمه همین مباحث از زبان‌های دیگر البته آسان‌تر است. به همین دلیل من همیشه، در حین جست‌وجو برای سایر کتاب‌ها، به دنبال کتاب‌های مرجع و کتاب‌های آموزشی هم بودم که این کتاب هم از جمله آنهاست؛ من وقتی چند فصل آن را خواندم، دیدم یکی از نمونه‌های قابل توجه نقد و تحلیل آثار کودک و نوجوان است و خیلی به درد ما می‌خورد. این موضوع را با آقای حجوانی در میان گذاشتم و ایشان هم از این فکر استقبال کردند و پیشنهاد شد که کتاب فصل به فصل ترجمه شده و در پژوهش‌نامه چاپ شود، اما خوب، این کار خیلی طول می‌کشید و عملی هم نبود، به همین دلیل تصمیم گرفتیم که کتاب را به گروهی از مترجمان صاحبنظر در زمینه ادبیات کودک بدهیم. این فکر را با خانم قزل ایاغ در میان گذاشتم و کار را با مشورت ایشان شروع و مترجمان را انتخاب کردیم.

معیار انتخاب مترجمان

ابراهیمی درباره معیار انتخاب مترجمان هر بخش می‌گوید: فصل‌های چهار و پنج را که مربوط به کتاب‌های تصویری است خانم زهره قایینی ترجمه کرده‌اند که می‌دانید دو بار داور جایزه اندرسن در حوزه تصویرگری بوده‌اند؛ بخش شعر را آقای رضی هیرمندی ترجمه کرده‌اند که به این کار احاطه دارند؛ فانتزی را هم آقای محمدی با توجه به کارهای ارزشمندشان در مورد فانتزی ترجمه کرده‌اند.

از الوند در مورد انتخاب معادل‌ها می‌پرسیم:

قرار گذاشتیم هر هفته پنجشنبه‌ها در همین اتاق جلسه داشته باشیم؛ برای بحث در مورد انتخاب معادل‌ها و حل مشکلات احتمالی.

وی می‌افزاید: کار گروهی خوبی‌هایی دارد و مشکلاتی. خوبی آن، استفاده از دانش همکاران است که باعث بهتر شدن حاصل کار می‌شود و مشکل آن هم اختلاف سلیقه‌هاست، البته در نهایت کار به بنیاد پژوهشی تحویل داده شد، آنها هم بعد از ویرایش اثر آن را به مترجمان برگرداندند و بعد از اطلاع از نظر مترجمان انتخاب نهایی انجام شد.

از ابراهیمی می‌پرسیم: دلیل انتخاب هفت مترجم

حسین ابراهیمی (الوند)

برای یک کتاب، تنها استفاده از دانش و تخصص آنها در مباحث گوناگون بوده است یا پرحجم بودن کتاب؟

می‌گوید: هر دو. اگر یک نفر قرار بود این کار را انجام بدهد، حتی یک مترجم خبره، دست کم دو سال طول می‌کشید، البته همان طور که گفتم استفاده از تخصص افراد هم در عین توجه به سرعت کار مورد نظر ما بود؛ کتاب باید در کوتاهترین زمان ممکن به دست مخاطب می‌رسید، شما اگر چاپ ۲۰۰۳ کتاب را که به بازار آمده ببینید متوجه می‌شوید که حدود چهل درصد از کتاب تغییر کرده است؛ ۱۳۰ صفحه بر تعداد صفحه‌ها اضافه شده و تعداد زیادی کتاب با کتاب‌های جدید جایگزین شده‌اند، یعنی کار ما تازه تمام شده و چاپ جدید کتاب اصلی به بازار آمده است. بنابراین سرعت هم در کنار دانش و مهارت مترجمان برای ما مهم بود. من فراموش نمی‌کنم که خانم راعی با وجود بیماری، نهایت همکاری را کردند و در آن شرایطی که به علت استفاده از دارو سرگیجه داشتند تمام توان خود را به کار گرفتند تا کتاب هر چه زودتر و بهتر به دست مخاطب برسد. من از ایشان هم خیلی تشکر می‌کنم و آرزو می‌کنم هر چه زودتر سلامتی‌شان را به دست بیاورند.

کتاب‌های مرجع

در مورد کتاب‌های مرجع و آموزشی در زبان آلمانی می‌پرسیم: با توجه به اینکه آنها بلافاصله بعد از جنگ دوم جهانی به این مسأله پرداختند و کتابخانه بین‌المللی مونیخ هم به عنوان یک کانون فرهنگی ادبیات کودکان در آنجا هست...

ابراهیمی می‌گوید: بله، البته آلمانی‌ها خوب کار کرده‌اند، فرانسوی‌ها هم همینطور، اما باید به دو نکته توجه داشت: اول اینکه کتابخانه مونیخ به همه زبان‌ها کتاب دارد نه فقط آلمانی، و دوم اینکه افراد صاحبنظر ما در عرصه ادبیات کودک کمتر به زبان آلمانی و فرانسه مسلط هستند.

ابراهیمی در مورد کتاب‌های دیگری که قرار است بعد از «شناخت ادبیات کودکان...» منتشر شوند، می‌گوید: کتاب «ترجمه برای کودکان» را انتخاب و ترجمه کرده‌ایم ولی برای چاپش فعلاً نمی‌توانیم برنامه‌ریزی کنیم. چند کتاب دیگر هم هست، ما حتی «راهنمای نقد ادبیات کودک» را هم تمام کرده‌ایم ولی هنوز برای چاپ آن نتوانسته‌ایم برنامه بریزیم. در ماه گذشته، سه- چهار کتاب نقد و تحلیل هم پیدا کرده‌ایم که خیلی با ارزش هستند، مخاطبان آنها محدود نیست، تصویر رنگی هم ندارند، حجم کتاب هم کم است، فقط منتظر هستیم کار بخش کودک و نوجوان دفتر ادبیات داستانی به روال قبلی بیفتد تا این کتابها هم ترجمه و به مخاطب عرضه شود. همه این کتاب‌ها جلد کاغذی دارند با قطع رقعی و کاغذ معمولی، بنابراین ارزان هم تمام خواهند شد.

سپس از ابراهیمی درباره قیمت کتاب و کیفیت چاپ «شناخت ادبیات کودکان...» می‌پرسیم که می‌گوید: این کتاب، کتاب مرجع است و باید حفظ شود و بماند. یعنی کتاب کتابخانه‌ای است، رمان نیست، پس

ثریا قزل‌ایاغ

باید تاب بیاورد. نسخه اصلی کتاب هم جلد گالینگور دارد و در مورد چاپ هم باید با اصل، مطابقت داشته باشد، از سه چاپی که تاامروز از این کتاب دیده‌ام، هر سه مورد جلد همین شکل را داشته‌اند؛ صفحه‌آرایی و چاپ آنها هم همین قدر مرغوب بود.

اهمیت موضوع

از ابراهیمی در مورد اهمیت کتاب از نظر مباحث نظری و کاربردی هم پرسیدیم. این کتاب البته هم مباحث تئوریک دارد، هم جنبه کاربردی. ممکن است کتاب‌های دیگری باشند که از نظر تئوریک فنی‌تر از این کتاب باشند، اما بیشتر تخصصی هستند. البته ما آنها را هم تهیه می‌کنیم و اگر کسی لازم داشته باشد در اختیارش می‌گذاریم اما چون مورد استفاده عموم نیستند، برای ترجمه آنها برنامه‌ریزی نمی‌کنیم.

ابراهیمی در مورد حمایت معاونت فرهنگی ارشاد از این کتاب، می‌گوید: ترجمه چنین کتاب‌هایی نیاز به یک پشتیبان مالی دارد و من از آقای مسجدجامعی و دیگر همکاران معاونت فرهنگی ارشاد تشکر می‌کنم و امیدوارم این کار برای همه کتابهای باارزش صرفنظر از اینکه چه کسانی مترجم آن باشند صورت پذیرد.

آخرین پرسش ما از ابراهیمی در مورد رضایت او از کیفیت کتاب است، من شاید هیچ‌وقت راضی نشوم. همیشه همینطور است، آدم فکر می‌کند بهتر از این هم می‌شد ولی در لحظه‌ای که کتاب چاپ شد، این آخرین توان همه ما بود. در آن لحظه نمی‌توانستیم بهتر از این باشیم ولی از فردای آن روز شاید همه احساس کردیم که بهتر از این هم ممکن بود.

کاربرد و پیام ها

برای گفت‌وگو درباره کاربرد کتاب، پیام و مخاطبان اصلی آن، به سراغ منصوره راعی می‌رویم. او با روی باز می‌گوید: من برای پاسخ دادن به هر پرسشی آماده هستم، اما پیشنهاد می‌کنم برای اینکه پاسخ بهتر و کاملتر بگیرید با خانم قزل ایاغ گفت‌وگو کنید، باور کنید این تعارف نیست، به خاطر خوانندگان کتاب هفته می‌گویم، آنها را محروم نکنید.

ثریا قزل‌ایاغ هم البته منصوره راعی را پیشنهاد می‌کند. می‌گوییم گفت‌وگو با او پیشنهاد خود خانم راعی است؛ که می‌پذیرد و از آنجا که اعتقاد دارد کتاب «شناخت ادبیات کودکان...» در درجه اول، کتاب درسی است، گفت‌وگو را با تاریخچه تدریس ادبیات کودک در ایران آغاز می‌کند:

تدوین کتاب‌های درسی در سطح آموزش و پرورش سابقه دارد ولی به‌ویژه در مورد ادبیات کودکان در دانشگاه، کار جدیدی است، و توضیح می‌دهد: از عمر ادبیات کودک در جامعه ما ۸۰ و از تدریس آن ۵۰ سال می‌گذرد، یعنی از زمان دکتر هوشیار در دانشسرای عالی تربیت معلم. اما بعد از ۵۰ سال، با وجود اینکه در حال حاضر در تمام مراکز آموزش عالی تربیت معلم، رشته‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی، تعلیم و تربیت و رشته‌های هنر این واحد درسی تدریس می‌شود، هنوز از نظر متن درسی در این حوزه بسیار فقیر هستیم؛ در واقع گنجینه ما عبارت است از جزوه‌های پنجاه، شصت صفحه‌ای، البته در تاریخچه متون درسی دو کتاب هم داریم که پشتوانه آنها تجربه معلمی است: یکی کتاب آقای شعاری‌نژاد و دیگری کتاب گلذری بر ادبیات کودکان نوشته توران میرهادی، لیلی آهی (ایمن) و مهدخت دولت‌آبادی.

این دو کتاب در زمان خود بسیار ارزشمند بودند اما در حال حاضر، مباحث ادبیات کودکان در رشته‌های گوناگون به طور وسیع مطرح می‌شود. استاد با دانشجوی هر رشته تحصیلی از یک زاویه و معلم از زاویه دیگر، به ادبیات کودکان نگاه می‌کند. همین طور کتابدار از یک زاویه، مؤلف از زاویه دیگر، تصویرگر، دانشجوی رشته تئاتر عروسکی و دیگران هر یک نورافکن را از زاویه خاص خود بر ادبیات کودک می‌اندازند. بنابراین دو کتاب فوق دیگر نمی‌توانستند پاسخگوی این نیازهای گونه‌گون باشند. از این مقدمه می‌خواهم نتیجه بگیرم: کتاب «شناخت ادبیات کودکان...» که یک کتاب جامع است و به همه مباحث ادبیات کودکان پرداخته، کتاب بسیار مفیدی است.

ویژگی‌ها

کتاب خیلی هوشمندانه طراحی شده است که نشان از تجربه تدریس طولانی و موفقیت‌آمیز نویسنده آن دارد تا جایی که خانم نورتون در این کتاب به فراز و فرودهای تدریس و دشواری‌های تدریس هر مبحث به دقت پرداخته است. او در کلاس‌های متعدد با دانشجویان خود تجربه‌های بسیار کسب کرده و راهکارهای مؤثری یافته است که آنها را در این کتاب عرضه می‌کند، بنابراین به نظر من این کتاب در حوزه تدریس ادبیات کودکان یک کتاب هوشمندانه و منحصر به فرد است.

از قزل ایاغ درباره مشکلات کتاب می‌پرسیم: این کتاب برای جامعه ما خالی از اشکال نیست، البته این اشکالی است که در هر کتاب ترجمه شده، وجود دارد،

زیرا نمونه‌ها به‌طور معمول از ادبیات کودکان جامعه خود نویسنده انتخاب می‌شوند. این در حالی است که بسیاری از این نمونه‌ها در ایران اصلاً وجود ندارد و به همین دلیل در اینجا قابل استفاده نیستند و البته برای گروه مترجمان هم امکان نداشت که این نمونه‌ها را حذف کنند و به جای آن نمونه‌های ایرانی بگذارند.

مرور کتاب

وی می‌افزاید: نویسنده در هر فصل، از زاویه چشم یک مدرس، پنج راهکار را به کار می‌برد، اول: طرح نظریه‌ها و مباحث تئوریک؛ دو: ارائه مثال‌ها یا نمونه‌های متعدد، به طوری که در بعضی فصل‌ها حتی، حجم نمونه‌ها بیش از حجم مطالب نظری است؛ سوم: مرحله جمع‌بندی است. یعنی تمام رشته‌هایی را که در طول فصل با ذکر جزییات باز کرده است، به صورت علمی، منظم و با جدول و نمودار جمع می‌کند. مرحله چهارم: بیان تجربه‌های نویسنده یا دانشجویان و بازتاب‌هایی است که از آنان گرفته است و بالاخره آخرین مرحله: پیشنهادهای نویسنده برای کارهای عملی است. این پیشنهادها برای مدرس تازه‌کار خیلی مفید است. این روشن است که کتاب «شناخت ادبیات کودکان...» را تبدیل به یک کتاب درسی خوب می‌کند چراکه یک کتاب درسی صرف طرح مسائل تئوریک و نظریه‌ها بی‌فایده است، کتاب باید کاربردی باشد یعنی دانشجو در مورد مباحث آن تمرین‌های مشخصی بکند. البته همان اشکالی که ابتدا مطرح کردیم هم وجود دارد؛ یعنی نمونه‌ها مربوط به آمریکاست و مدرس باید از آنها ایده بگیرد و بعد خودش راهکار را با توجه به فرهنگ جامعه ما پیدا کند.

خدمت به ادبیات

خانم قزل‌ایاغ با این یادآوری که کتاب در مباحث تئوریک و نظریه‌پردازی قوی است و به استاد و دانشجو راهکارهای عینی ارزشمند ارائه می‌دهد و صرفاً انتقال اطلاعات بسته‌بندی شده نیست، اظهار کرد: من فکر می‌کنم اگر کتاب همین یک رسالت را خوب انجام بدهد یعنی به مدرس کمک کند تا خوب تدریس کند، خدمت بزرگی به ادبیات کودک ما کرده است. از دیگر نکات مثبت کتاب می‌توان به جدی بودن آن اشاره کرد. در ضمن می‌خواهم نکته دیگری را هم متذکر شوم، صرف‌نظر از اینکه، کسی با محتوای مباحث گفته شده موافق باشد یا نه، شیوه به کار گرفته شده برای هر مدرسی می‌تواند آموزنده باشد.

وی در توضیح محتوای کتاب می‌گوید: کتاب تقریباً تمام گونه‌های ادبیات کودکان را در ۱۲ فصل پوشش داده است و در کنار تمام گونه‌ها، شیوه‌های کاربردی کردن آنها را هم آورده است، یعنی وقتی افسانه را تعریف می‌کند، چندین شاهد و مثال می‌آورد. به پدر و مادر یا معلم راهکارهایی ارائه می‌دهد که چطور افسانه‌ها را با بچه‌ها کار کنند و از واکنش‌های آنها بفهمند بچه‌ها چطور از قصه یا افسانه لذت می‌برند.

قزل‌ایاغ در مورد فصل ۱۱ کتاب یعنی ادبیات چندفرهنگی بیشتر توضیح می‌دهد زیرا معتقد است مطالعه این فصل برای جامعه ما که همان وضعیت را دارد می‌تواند بسیار مفید و سازنده باشد. او می‌گوید: ساکنان اصلی آمریکا یعنی سرخپوست‌ها اکنون خود به یک اقلیت نژادی تبدیل شده‌اند، بقیه هم همگی مهاجرند و این جامعه، خواه ناخواه جامعه چندفرهنگی است و توجه به این مسأله که در یک جامعه چندفرهنگی یا گوناگونی فرهنگ‌ها چه باید کرد از نکات مهم این کتاب است که می‌گوید: در جامعه چندفرهنگی ادبیات همه ملت‌ها باید شانه به شانه پیش برود. بچه ایرانی پیش از اینکه افسانه‌های سرخپوستان یا قصه‌های ژاپنی را بخواند، خوب است اول با قصه‌های مردم آذربایجان، ترکمن‌صحرا یا کردستان آشنا شود. این چندفرهنگی جامعه ما در واقع حسن بزرگی است؛ وقتی یک فرهنگ غنی از شاخه‌ها و ریشه‌های دیگر فرهنگ‌ها تغذیه کند، روشن است که پربارتر و غنی‌تر خواهد شد.

منبع معتبری برای جوانان

یکی دیگر از ارزش‌های کتاب به گفته ترا قزل‌ایاغ، تأمین منبع معتبر برای جوانان است؛ معمولاً مدرسان جوان به ما قدیمی‌ها مراجعه می‌کنند و منبع تدریس می‌خواهند. زیرا تغذیه علمی دانشجو با دو سه مقاله پراکنده ممکن نیست آن هم مقاله‌هایی که در بسیاری از موارد دیدگاههای یکدیگر را نقض می‌کنند. اما این کتاب به‌صورت جامع و هماهنگ این کار را کرده و تأکید دارد که باید این مقوله از روزن چشم کودک دیده شود.

بعد از ترجمه

تا اینجا به انتخاب و ترجمه کتاب پرداختیم، گام بعدی، ویرایش است و بعد آماده‌سازی آن برای چاپ.

هفت مترجم و هر یک، به گفته حسین ابراهیمی، در کار خود صاحبنظر و کتاب یک نویسنده را ترجمه کرده‌اند. هر اثری - ترجمه یا تألیف - نیاز به ویرایش دارد، ویرایش این کتاب اما کار ویژه‌ای لازم داشت. حسین ابراهیمی می‌گوید: بهترین گروهی که می‌توانست روی این موضوع کار کند، بخش فنی مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان بود، چرا که آنها هم تجربه تولید کتاب مرجع داشتند، هم تجربه کار گروهی و ویرایش را به اضافه صفحه آرایی و سایر مسائل فنی. بنابراین فکر کردیم آنها توانایی این کار را دارند پس کار را تحویل آنها دادیم.

مسؤول خانه ترجمه کودکان و نوجوانان که سفارش دهنده کتاب بوده، از نتیجه کار راضی است و معتقد است، آنها (بخش فنی مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان) نهایت تلاششان را کردند و کار به این شکل که می‌بینید درآمد.

ما برای آگاهی از دشواری‌های کار و اینکه «نهایت تلاش» چه معنایی داشته است به سراغ «آنها» می‌رویم.

در بخش فنی مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان، جمیله بریرانی مدیر اجرایی و هماهنگ‌کننده این پروژه می‌گوید:

کار سختی بود. ویرایش، یک طرف؛ نمایه‌سازی و یکدست کردن اسامی و معادل‌ها در سراسر کتاب یک

جمیله بریرانی

طرف. یک گروه ۱۶نفره، ۱۶ ماه - البته به تناوب - روی کتاب کار کردند ولی کار جذاب بود، کتاب پر از مثال و نمونه است، خواندن خلاصه این همه کتاب برای ما که در زمینه ادبیات کودکان کار می‌کنیم جالب بود، ارتباط با مترجمان هم دلپذیر بود، ارزش خود کتاب هم عامل دیگری بود که باعث می‌شد بتوانیم دشواری کار را بهتر تحمل کنیم. ما که خودمان دست اندرکار تولید کتاب مرجع هستیم، قدر این کتاب را می‌دانستیم و به همین دلیل بچه‌ها بیشتر تلاش می‌کردند تا کار به بهترین شکل ممکن دربیاید.

از روزن چشم ویراستار

از جمیله بریرانی می‌خواهم ما را «گام‌به‌گام» با عوامل تولید آشنا کند: از میان هشت نفر ویراستار کتاب، عاطفه سلیانی با ما گفت‌وگو می‌کند. لبخندبر لب و چنان آرام که باور نمی‌کنی از دشواری حرف بزند. اما می‌گوید: کار واقعاً سختی بود، یک گروه پنج نفره به سرپرستی یک هیأت سه نفره در پنج مرحله ترجمه‌ها را ویراستاری کردند. هر مترجم، سبک و زبان ویژه خود را داشت، روشن است که ویراستار نمی‌تواند، و نباید، سبک و زبان صاحب اثر (تألیف یا ترجمه) را تغییر دهد، اما از طرف دیگر ما باید سعی می‌کردیم؛ کتاب به عنوان یک مجموعه واحد، یکدست و منسجم باشد. همه ما تا آنجا که توانستیم سعی کردیم به این هدف برسیم و امیدوارم حاصل کار، خوب و قابل قبول باشد.

می‌پرسم که آیا متن را با اصل مطابقت داده‌اند؟ عاطفه سلیانی می‌گوید: البته، ترجمه همه فصل‌ها را بعد از اولین و آخرین ویرایش، برای اظهارنظر و اصلاح نارسایی‌ها، به مترجمان دادیم، که البته به جز یکی دو مورد، خوشبختانه توانستیم از پیشنهادهای آنها برای بهبود کار استفاده کنیم.

می‌پرسیم در انتخاب معادل، یا عناوین کتاب‌ها، حرف نهایی را چه کسی زده است؟ می‌گوید: البته با مترجمان تبادل نظر می‌کردیم؛ جز در مواردی که اصرار بر حفظ واژه‌های خودشان داشتند، هیأت سرپرستی ویراستاران، حرف نهایی را می‌زد.

- در هیأت سرپرستی چه کسی حرف نهایی را می‌زد؟

- خوب، فکر کنم آقای محمدی.

عاطفه سلیانی

نمایه‌سازی و پیوست‌ها

- بعد از ویرایش، چه کردید؟

جمیله بریرانی می‌گوید: نمایه‌سازی و پیوست‌ها؛ که این کار را فرزانه طاهری و همکارانش انجام دادند.

فرزانه طاهری در پاسخ به سؤال ما توضیح می‌دهد: کتاب هفت پیوست دارد و سه فهرست. یعنی نام کسان، عناوین کتاب‌ها و فهرست واژگان که این سه فهرست به ترتیب الفبای انگلیسی تدوین شده‌اندو در مقابل هر واژه معادل فارسی آن آورده شده است .

علاوه بر این، دو نمایه (Index)نمایه اعلام و نمایه موضوعی بر طبق الفبای فارسی و با ارجاع شماره صفحه

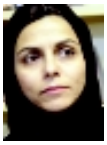

فرزانه طاهری

داریم که کار مراجعه به متن را آسان می‌کند. دو پیوست باقیمانده هم عبارتند از فهرست معرفی جوایز کتاب‌های برجسته کودکان و نوجوانان و درباره نویسنده.

به نظر نمی‌رسد تهیه فهرست‌ها و نمایه‌ها کار دشواری باشد اما فرزانه طاهری نظر دیگری دارد: ما هم اول فکر می‌کردیم کار آسانی باشد، مخصوصاً که تجربه هم داشتیم ولی وقتی کتاب را شروع کردیم، دیدیم اینطور نیست. به علت زیاد بودن تعداد مترجمان، یکدست کردن نام‌ها و عنوان‌ها مشکل‌تر از آن بود که فکر می‌کردیم. ما برای این کار از جدول استفاده کردیم که تشکیل جدول‌ها حدود ۳ ماه طول کشید. بعد از آماده شدن نمایه‌ها، هزار صفحه از متن بازخوانی و تصحیح شد.

وی اضافه می‌کند: کار راحتی نبود، اصلاً آسان نبود ولی وقتی تمام شد و نتیجه را دیدیم خستگی‌مان در رفت. ممکن است اشتباه هم داشته باشد، ولی ما تمام کوششمان را برای حفظ حرمت خواننده کردیم تا ضمن مراجعه به کتاب سرگردان نشود.

در حد کار اصلی

قدم بعدی صفحه‌آرایی است. لیا خاچیکیان می‌گوید: سعی کردیم ویژگی‌های گرافیکی کتاب در حد کار اصلی باشد، البته تصاویر به شکل سیاه و سفید چاپ شده‌اند، اما تصاویری که از آنها با تصویرگرشان در کتاب نام برده شده با دارای تکنیک ویژه‌ای بوده‌اند و در

لیا خاچیکیان

متن کتاب نیامده‌اند، مثل تصویرهای موریس سنداک در کتاب «ما همه در زاغه هستیم با جک و گای» یا دیگر تصویرهای کتاب‌ها و تصویرگران نامدار. در پایان جلد یک و دو به شکل رنگی آمده‌اند.

در مورد کار فنی کتاب مجدداً به سراغ جمیله بریرانی می‌رویم. او می‌گوید: گروه فنی با توجه به دشواری‌های فنی کار، تمام تلاش خود را کرده است تا در کار صفحه‌بندی و دیگر کارهای فنی مربوط به تولید کتاب، همه متن‌ها مطابق با صفحات کتاب اصلی و در قالب همسان آن ارائه شوند و متن‌های حاشیه‌ای در جای خود و همچون کتاب اصلی باشند.

کتاب «شناخت ادبیات کودکان...» چون یک کتاب مرجع است و مورد استفاده افراد زیادی قرار خواهد گرفت، بنابراین باید جنس کاغذ، کیفیت چاپ، صحافی، همه و همه بهترین باشد، ما در حد امکانات موجود، هر کاری که توانستیم کردیم تا چاپ کتاب بهتر شود.

در مورد حجم و وزن کتاب و قیمت آن می‌پرسیم. می‌گوید: البته اگر کاغذ مرغوب و نازکتر در دسترس بود، حجم کتاب و وزنش کمتر می‌شد، ما سعی کردیم از بهترین‌ها استفاده کنیم با ارزانترین قیمت ممکن.

در چاپخانه

آخرین پرسش ما درباره برخورد کارگران چاپخانه با کتاب است. لیا خاچیکیان به خاطر می‌آورد که شکل کتاب، آنها را هم جذب کرده بود به‌طوری که با شور و شوق درباره تصویرها اظهار نظر می‌کردند. البته صفحات رنگی خیلی خوب از آب در نیامد اما گناه کارگران چاپخانه نبود، توان دستگاههای لیتوگرافی بیش از این نبود.

برای مترجمان، ویراستاران، بخش فنی مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان ایران و برای کارگران چاپخانه ستاره سبز، آرزوی موفقیت می‌کنیم و امیدواریم کتاب «شناخت ادبیات کودکان و نوجوانان، گونه‌ها و کاربردها از روزن چشم کودک» جای شایسته خود را در عرصه ادبیات کودک و نوجوان کشور ما بیابد.

بر و بچه‌ها

پروین سلاجقه

یک کار تئوریک در مورد کل نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان در دست دارم که کار سنگینی است. «نظریه‌های نقد و زیبایی شناختی در شعر کودک و نوجوان» در ۳۲ فصل تمام شده است و در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، زیر چاپ است. چاپ دوم «صدای خط خوردن مشق من» نیز بزودی به بازار خواهد آمد. چند داستان فانتزی دارم که هنوز نهایی نشده است. یکی دو تا هم آماده چاپ است.

حسین فتاحی

مشغول کار روی شاهنامه هستم، برگردان شاهنامه برای کودکان، یک رمان نوجوانان هم در دست دارم. دو مجموعه داستان هم زیر چاپ دارم؛ یکی «گربه خال‌خالی» و دیگری «رودخانه‌ای که راهش را گم کرد» که بزودی منتشر خواهد شد.

پیش از این هم چندین رمان برای نوجوانان نوشته‌ام، مدرسه انقلاب، آتش در خرمن (که کتاب سال ارشاد شد)، راهزن‌ها، امیر کوچولوی هشتم، پسران جزیره، بچه‌های سنگان و...

گزارش

مهیار رشیدیان

حرفه دائمی اش نمایش بود

در اوایل سال جاری، «پنج نمایشنامه عروسکی» نوشته فدریکو گارسیا لورکا، با ترجمه جواد ذوالفقاری و نازنین نوذری به همت انتشارات نوروز هنر بر پیشخوان های تئاتر گذاشته شد.

این کتاب که در ۲۶۲ صفحه، با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه و به قیمت ۲۰۰۰ تومان عرضه شده، شامل مجموعه‌ای از نمایشنامه های لورکا است که برای اولین بار به فارسی برگردانده شده.

سطرهایی که می خوانید بیشتر حول این اثر و درباره نویسنده، مترجم و نوع هنرشان نوشته شده است.

در پنجم ژوئن ۱۸۹۸، همزمان با اتحاد اسپانیا و ایالت متحده بر علیه کوبا، فدریکو گارسیا لورکا در دهکده فونته باکوروس از توابع گرانادا دیده به جهان گشود؛ درست چند کیلومتری دورتر از دشتی که سی و هشت سال بعد قتلگاهش می شود.

گارسیالورکا، شاید به خاطر مهر و عشق مادرش به او بود که کتیه پدر ملاکش را رها کرد تا او را به فامیلی مادرش بشناسند: مادری که حتی یک قطره از شیرش کام فرزند ارشدش را سیراب نکرد و به همین دلیل بود که کودکی اش همراه با آواز و افسانه دایه هایی بود که شیرش دادند تا پا بگیرد و در هشت سالگی اش تجلی این افسانه ها را با عروسکی دست ساز در میدان ده به نمایش بگذارد و از آن پس بازی سازی عروسک ها را پیشه کند. او معتقد بود که تصنیف های عاشقانه و ترانه های عامیانه را از خدمتکارانی که بزرگش کرده‌اند، آموخته است.

تا آنجا که در نوشته‌ای بعد از اجرای عمومی «دوشیزه روزیتای ترشیده» عنوان می کند: «اگر خدمتکارها نبودند، چه بر سر بچه پولدارها می آمد؟ کسی نبود که آنها را با حقایق و احساسات و هیجانات مردم آشنا کند.»

وی در ۱۹۰۸ به مدرسه شبانه روزی آلمریا رفت و یک سال بعد به همراه خانواده‌اش به گرانادا نقل مکان کرد و از آن پس الفت بیشتری با ساز و موسیقی یافت. او در آن سال ها به همراه مارتین دومنیگس بردونا، استاد نظری ادبیات دانشگاه گرانادا، سفرهای متعددی به روستاهای کوچک و بزرگ اسپانیا داشت که در طی این سفرها با افرادی چون آنتونیو ماچادو و میگل دا ونامونو آشنا شد و همین آشنایی ها دست در دست مرگ استاد موسیقی و مخالفت پدر برای سفر به پاریس داد و باعث میل بیشتر لورکا به شعر و نقاشی شد و بعدتر نیز در کنار افرادی چون سالوادور دالی و لوئیس بونوئل این هنرها را تا اوج خودش ارتقا داد.

گارسیا لورکا در ۱۹۲۰ افسون شوم شابرک را عرضه کرد و از آن تاریخ به بعد شروع به اجرا و چاپ آثارش کرد اما تنها با آثاری چون «کاتنه خوندو» و «رومانس های کولی» بود که توانست شهرتی فراهم آورد. در ۱۹۲۳ بر اساس «دون کیشوت» نمایشنامه کوتاه عروسکی «استاد پدرو» را به رشته تحریر آورد و پس از یکسری سفر به اروپا و آمریکای جنوبی آثاری چون «دون کریستوبال و دوشیزه روزیتا»، «دخترکی

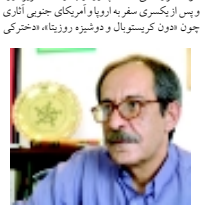

لورکا در هیچ سیستم و مکتبی قابل تعریف نیست، بلکه این خود اوست که صاحب سبک و مکتب خوداست

که به درختان هلو آب می داد»، «شاهزاده فضول» و... را نوشت اما از آن پس دیگر بیش از هر چیز شهرت حاصل از چاپ «رومانس های کولی» بود که روح او را آزرده می کرد. وی در این دوران به بهانه بورسیه‌ای تحصیلی راهی آمریکا می شود تا زندگی دوباره‌ای را در میان سیاهان آغاز کند. او پس از بازگشت از این سفر آثاری چون «دون پرلیم و عشق او به اونیا روزیتا در باغش»، «خانم کفشدوز شگفت انگیز» را به صحنه می برد و پس از آن نیز در دوران آزادی پس از انتخابات ۱۹۳۱ نمایش های «میگل د سروانتس»، «گالدرون دلا بارا کا» و «لوپردیگا» را در کوچه پس کوچه های شهرهای اسپانیا اجرا می کند و پس از آن در طی سفری در ۱۹۳۳ به آرژانتین با پابلونرودا آشنا می شود و در همانجا «خانم کفشدوز شگفت انگیز» را به صحنه می برد و پس از بازگشت به زادگاهش باز احساس خفقان وجودش را فرا می گیرد؛ خفقان حاصل از دستبردهای دست راستی ها به فرهنگ و تفکر اسپانیایی ها. در همان سال هاست که لورکا از محبوبیت آثارش در کشورهای دیگر باخبر می شود. در نهایت اینکه زمانی که مشغول تکمیل صحنه های آخر «خانه برناردا آلبا» بود، به خاطر هرج و مرج سیاسی روز به زادگاهش گرانادا برمی گردد تا شاید در مخفیگاهی امن... که متأسفانه در اولین جست وجوهای فالانژها، توسط همان کسی که مخفی اش کرده، لو می رود تا... در آنجا که عرب های اسپانیا «چشمه اشک ها» نامدارش کرده‌اند... در کنار دو گاوباز آنارشیست، در شباگاه ۱۸ اوت، انتظار خاموشی ابدی اش را بکشد. از میان گفته های جاودان او می توان بیشتر از هر چیز به این سطرها توجه داشت: «حرفه دائمی من نمایش است. ساعات بسیاری از روزهای زندگی ام را وقف نمایش کرده ام.

نمایش از نظر من، شعری است که از کتاب بیرون می آید و جان می گیرد و وقتی جان گرفت، حرف می زند و فریاد می کشد، گریه می کند و نومید می شود. لازم است در نمایش شخصیت هایی که بر صحنه ظاهر می شوند، جامه‌ای از شعر بپوشند و در عین حال استخوان ها و خون آنها نیز دیده شود».

شاید به جرأت بتوان گفت که این سخن ها برای اولین بار است که به فارسی ترجمه می شود. البته تاکنون ترجمه های بسیاری از اشعار و نمایشنامه های لورکا صورت گرفته، اما این حرف ها توسط جواد ذوالفقاری و نازنین نوذری به خاطر مقدمه «پنج نمایشنامه عروسکی» به فارسی درآمده‌اند که این اثر خود نیز برای اولین بار ترجمه و چاپ می شود، البته چندی پیش نمایشنامه «افسون شوم شابرک» برای دفاع از رساله کارشناسی خانم مریم سعادت به فارسی ترجمه و اجرا شده که بجز چند نسخه رساله، از آن خبری نیست. ذوالفقاری در این باره می گوید: «البته این ترجمه در وهله اول به شکل یک اجرای خصوصی ارائه شد و تا جایی که من خبر دارم، هنوز نسخه‌ای از افسون شوم شابرک منتشر نشده است».

جواد ذوالفقاری که خود درس خوانده تئاتر عروسکی است، قرار گرفتن در این راستا را زاییده یک اتفاق می داند: «یک اتفاق میمون که در بیست سالگی ام، یعنی در سال ۱۳۵۱ باعث شد تا من دانشجوی تئاتر شوم تا بعدها گمشده و خلأهای وجود خودم را در میان عروسک ها پیدا کنم». ذوالفقاری که از جمله پایه گذاران «پوئیما» در ایران است، سال های بسیاری از عمر خود را صرف نگارش و اجرای نمایش هایی چون «کدوقلقلهزن، ۱۳۷۷»، «دم دوزی، ۱۳۷۸» و... کرده که از این رهگذار افرادی چون شادی پورمهدی و نازنین نوذری و بسیار کسان دیگر نیز با او هم تجربه بوده‌اند. وی که تاکنون بخش اعظمی از عمر فرهنگی اش را وقف نگارش، ترجمه و چاپ کتاب های تئاتر کرده، در مورد آخرین ترجمه اش می گوید: «به گمان من لورکا در هیچ سیستم و مکتبی قابل تعریف نیست، بلکه این خود اوست که صاحب سبک و مکتب خوداست. بستری زاییده از رؤیا، تخیل و واقعیت های تلخ و محتوم آدم های اطرافش که در نهایت تمام این تلخی و توهم رؤیاها در لباسی از شعر تعریف می شوند. در واقع مهمترین نکته‌ای که در تطبیق و ترجمه این اثر برای من مهم بود، بازگشت همان مفهوم های اصلی در بستر زبان فارسی است». وی که تاکنون «حرفه من، سرگی ایرانف»، «تئاتر مردم ستمدیده، آگوستوبوال»، «هنر عروسکی» و... را نوشته و ترجمه کرده در ادامه می افزاید: «البته تلاش های خانم نوذری بسیار قابل توجه است. زیرا که ایشان متن را مستقیماً از اسپانیایی به فارسی ترجمه می کردند و من در واقع با تطبیق اثر در زبان های فرانسه و انگلیسی، نقاط ناپیدا را گاه پیدا تر می کردم.»

جواد ذوالفقاری که تاکنون بیش از دهها نمایش عروسکی را در خارج و داخل ایران به صحنه برده درباره زبان این ترجمه می گوید: «در حقیقت کار اصلی من دراماتیزه کردن دیالوگ های این اشخاص در زبان فارسی بوده و یا به نوعی ردپایی تم اصلی این قصه ها در افسانه ها و اصولاً محاوره و لحن فارسی خودمان.

بسیاری تاکنون آثار لورکا را به فارسی ترجمه کرده‌اند ولی آیا کدامیک از این مترجم ها تئاتری بوده و یا سابقه نگارش یک نمایشنامه و یا اصلاً اجرای صحنه‌ای تئاتر را داشته. در آثار لورکا شخصیت پردازی جایگاه ویژه‌ای داد. سوسک پاپشه، تنها آن سوسک و پشه‌ای نیست که ما تا امروز شناخته ایم، بلکه اینجا خصایص انسانی به خود می گیرند تا آنجا که خود لورکا می گوید: پوست و گوشت و استخوانشان نیز از آن سوی پارچه عروسک ها پیداست. لحن شاعرانه لورکا در زبان فارسی زمینه بسیار مساعدی است برای ارائه محاوره‌ای نو و تازه در روند تغییر شخصیت ها.»

این مترجم و کارگردان تئاتر درباره شرایط فعلی کار خودش می گوید: «در حال حاضر چون هیچ بهایی به تئاتر نمی دهند، ترجیح می دهم به سمت صحنه نروم. اما ترجمه و نگارش و چاپ آثار خودم و دیگران را بسیار پیگیرم. در حقیقت اینجا ما بهتر و بیشتر از صحنه، نتیجه اعمالمان را می بینیم. به قول اسپانیایی ها انسان یک بار به زمین می آید و تنها یک فرصت وجود دارد و باید از آن استفاده کرد. ذوالفقاری در ادامه درباره ترجمه های تازه‌اش می گوید، درباره «شاه هویو» نوشته آلفرد ژاری که از نمایشنامه نویسان و عروسک گردان های برتر تئاتر فرانسه است، و ترجمه آخرین نوشته لورکا، «تماشاگر» سخن می گوید. در ضمن لازم به ذکر است که پیش از این چیستا یثربی بریده هایی از «تماشاگر» لورکا را به شکل شعرهای کوتاه و به نام «رمئو سنگ است و...» ترجمه کرده. جواد ذوالفقاری در نهایت به همراهی خانم شادی پورمهدی نمایشنامه بازی پسر و گرگ از مجموعه افسانه های ایرانی را در مؤسسه نوروز هنر آماده چاپ دارد. وی در پایان امیدوار است که هر چه سریعتر بتواند اجراهای متفاوتی از ترجمه آثار لورکا را بر صحنه های تئاتر عروسکی ایران، ببیند. او به گمان خودش تنها به ارتقای کیفی این هنر می اندیشد.

خبر

نخستین کتاب تاریخ مصور تئاتر ایران منتشر می شود

گروه خبر کتاب هفته: نخستین کتاب تاریخ مصور تئاتر ایران، در دست تهیه است.

نادر داوودی مدیر پروژه تاریخ مصور تئاتر در این باره گفت: این کتاب یک پژوهش مصور در مورد تاریخ تئاتر ایران در قرن بیستم است لذا اختصاصاً به بحث تئاتر مدرن یا همان تئاتر «اروپایی» در ایران مربوط می شود و به هیچ وجه به معنای اعم نمایش نمی پردازد.

وی ادامه داد: جریان تئاتر مدرن در ایران از همان آغاز پیدایش خود با دو جریان «جنبش اصلی» و جریان «جایگزین» همراه بود که اگر بر فرض جریان اول با فعالیت سیدعلی نصر و گشایش تماشاخانه تهران شروع شود، جریان جایگزین با حرکت عبدالحسین نوشین و حرکت های تئاتری در تماشاخانه های سعدی، فردوسی و فرهنگ ادامه پیدا کرد.

داوودی درباره تقسیم بندی تاریخی این کتاب، افزود: نخستین دوره از شروع تئاتر به صورت پروژه تجدد خواهی است که بعد از مشروطیت شکل می گیرد و تا کودتای ۲۸ مرداد ادامه دارد و بعد از آن تا انقلاب اسلامی آن را دنبال کرده‌ایم و آخرین دوره تاریخی آن هم از انقلاب تا بیست و دومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر را به دنبال خود دارد. وی با تأکید بر اینکه برای اولین بار چنین پروژه تاریخی مصوری در حیطه تئاتر انجام می شود گفت: تفاوت این کار با دیگر پروژه های تحقیقی در مصور بودن آن است یعنی ارزش کار ما در این است که صرفاً به دنبال بازسازی رویدادهای تاریخی هستیم و خیلی دنبال کنکاش و اثبات یا نفی چیزی نیستیم.

وی اضافه کرد: با این اوصاف باز هم سعی کرده‌ایم تا هیچ نکته مهمی را از نظر دور نکنیم و تمام جزئیات و جریانات تأثیر گذار و مطرح را ببینیم ولی از طرفی در مساجد ایران با محدودیت چاپ عکس هم مواجه هستیم. یعنی عکس های زیادی را در دست داشته‌ایم که توانایی چاپ آنها را نداشته‌ایم و همین عاملی در جهت از قلم افتادن برخی از وقایع تاریخی است.

این عکاس، در ادامه با اشاره به شیوه جمع آوری عکس ها، گفت: ما از تمام امکانات موجود استفاده کردیم و حتی تعدادی از عکس ها را از خارج کشور آوردیم و تعدادی عکس را نیز در آرشیو انتشارات داشتیم اما تعداد زیادی از عکس ها را از دست خانواده های تئاتری جمع آوری کردیم.

داوودی همچنین در خصوص افرادی که در انجام این پروژه با آنها همکاری داشته‌اند، گفت: چند مشاور تحقیق در این کار با ما همکاری داشتند و ما بیش از چهل نفر از افراد پیشکسوت و باسابقه تئاتر هم گفت و گو و مصاحبه داشتیم که نام تمامی افراد در مقدمه و شناسنامه کتاب قید شده است. وی در پایان اضافه کرد در حال حاضر آخرین تصحیحات و تغییرات را روی ماکت کتاب انجام می دهیم تا ظرف یک ماه آینده آن را برای گرفتن مجوز به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بفرستیم، از طرفی احتمال زیاد دارد که در انجام این پروژه علاوه بر انتشارات تماشاگران، انجمن نمایش (وابسته به مرکز هنرهای نمایشی) نیز به ما کمک کند.

گفت‌وگو
ساناز اقتصادی

به بهانه انتشار جلد سوم «راهنمای فیلم» سینمای جهان
گفت‌وگو با بهزاد رحیمیان

تدوین برای ایرانی ها

با کتاب های راهنمای فیلم (جلد اول و دوم) مدت‌هاست آشناییم. کتاب‌هایی که تقریباً اطلاعات جامعی از سینمای جهان در اختیار ما قرار می‌دهند. مدتی است که جلد سوم آنها هم که شامل فیلم‌های دو دهه اخیر است منتشر شده. جلد سوم راهنمای فیلم، خود شامل دو بخش است که فعلاً بخش اول آن روانه بازار شده و بخش دوم آن هم بزودی در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. انتشارات روزنه کار در مقدمه کتاب دلیل انتشار بخش اول، (زودتر از بخش دوم) را استقبال و پرسش‌های علاقه‌مندان دانسته است.

جالب اینجاست که کتابهای راهنمای فیلم به نوعی کتاب مرجع قلمداد می‌شوند و عموماً استقبال مردم از کتاب مرجع کمتر است. اما بهزاد رحیمیان که کتاب‌ها زیر نظر او ترجمه و منتشر شده است فکر می‌کند که به هر حال کتاب سینمایی باید فرقی با باقی کتاب‌ها داشته باشد. آخر سینما جذاب است و خواندن درباره آن جذابتر. بگذریم از اینکه همین شمار زیاد علاقه‌مندان هم در کل رقم حقیری است که نهایتاً هم ناشر را ناامید می‌کند و هم نویسنده را.

شش سالی می‌شود که کتاب‌های راهنمای فیلم به سرپرستی بهزاد رحیمیان و تیمی که او را همراهی می‌کنند تألیف و به‌تناوب منتشر می‌شود. کتاب‌هایی که صرفاً ترجمه نیست و بخشی از آن تألیف است. خط مشی اصلی گروه را رحیمیان تعیین می‌کند. او در برگرداندن فیلم‌ها هم اعمال نظر کرده و بنابراین همه متون مربوط به فیلم‌ها ترجمه نشده است. بلکه فقط فیلم‌هایی ذکر شده‌اند که منطبق بر معیارهایی باشند که رحیمیان آنها را تعیین کرده است. از جمله اینکه مخاطب ایرانی با آن آشنا باشد، طرفداران زیادی در ایران داشته باشد و....

رحیمیان در مورد ترجمه این آثار می‌گوید: «این متون، متون اضطراری نیست که بخواهیم به متن اصلی آن وفادار باشیم و یا حتی گزینشی عمل نکنیم. اما در مورد همه چیز و همه کس نمی‌شود این موضوع را اجرا کرد. ولی درباره بعضی موارد قابل اجراست. زمانی پای متنی امضا می‌گذارند که نقطه نظرات خاصی در متن ذکر شده باشد اما زمانی که قرار است فقط تاریخ تولد فلان نویسنده نوشته شود، متن دیگر پروژه طولانی و عمیقی است. اما به نظر رحیمیان پروژه اصلی و اساسی که تیم ترجمه را به هم پیوند زده است، کار بر روی دانشنامه سینمایی است. ظاهراً گروه پدیدآورندگان، متشکل از لیلا رجمند، مازیار اسلامی، کامبیز کاهه و... حدود هشت سال است که مشغول تألیف سه جلد دانشنامه سینمایی هستند و در کنار آن روی راهنمای فیلم هم کار می‌کنند. دانشنامه سینمایی متشکل از سه جلد آهنگسازان، بازیگران و کارگردانان است که تا به حال جلد مربوط به آهنگسازان آن منتشر شده است و جلد مربوط به بازیگران حدود یک ماه دیگر منتشر می‌شود.

رحیمیان اساساً در راه‌اندازی چنین پروژه‌هایی مهارت و تجربه کافی دارد.

شاید حدود صد پروژه را او راه‌اندازی کرده باشد بدون اینکه بخواهد نامی از او ذکر یا نوشته شود، خودش معتقد است نباید برای هر کاری، اسم آدم نوشته شود.

یکی دیگر از پروژه‌هایی که اخیراً زیر نظر او انجام شده است، انتشار بیست و پنج جلد کتاب مرجع سینمایی توسط موزه سینماست.

بیست و پنج کتاب با موضوع‌های مختلف که تحقیق و نگارش هر کدام از آنها را یکی از نویسندگان و یا روزنامه‌نگاران عهده‌دار بود. حدود چهار ماه تألیف و چاپ این کتاب‌ها به‌طول انجامید که نسبت به پروژه‌های دیگر، زمان بسیار اندکی را به خود اختصاص داده است. رحیمیان

درباره این موضوع می‌گوید: «تجربه نشان داده است که اگر این قبیل کارها را در دوره کوتاهی جمع کنیم، موفق می‌شویم. در غیر این صورت شامل مرور زمان می‌شود.»

او از تجربه‌اش درباره تألیف مدخل سینمای ایران بزرگ اسلامی یاد می‌کند که حدود چهارده سال پیش نوشته شده اما هنوز منتشر نشده است.

اگرچه پروژه کتاب‌های موزه سینما، چهار ماه بیشتر طول نکشید اما در این چهار ماه، با مشکلات متعددی برخورد کرد که اولین و از نظر رحیمیان مهمترین آنها، در دسترس نبودن اسناد و مدارک مربوط به گذشته سازمان‌ها و نهادهای سینمایی مختلف است. این موضوع ظاهراً نویسندگان کتاب‌ها را به شدت دچار مشکل کرده بود.

رحیمیان درباره این موضوع توضیح می‌دهد: «معمولاً سازمان‌های دولتی و یا حتی غیر دولتی چندان علاقه‌ای به حفظ مدارکشان ندارند. البته این خصیصه ایرانی‌هاست که به‌روز زندگی کنند و اسناد دو سال قبلشان را هم نگه ندارند. در تولیدات سینمایی هم وضع به همین منوال است. در تولیدات بزرگ سینمایی، پس از ساخته شدن فیلم، همه چیز را دور می‌ریزند و هیچ چیز از فیلم باقی نمی‌ماند، حتی لباس‌های هنرپیشه‌ها.»

او به عنوان مثال به مشکلی که در زمینه یافتن اسناد و مدارک اولیه خانه سینما، فارابی و یا حتی پیدا کردن جلد اولین شماره نشریات وجود داشت، اشاره می‌کند:

«بیش از نیمی از نشریاتی که می‌خواستیم شناسنامه آنها را درج کنیم، در هیچ کجا نگهداری نمی‌شوند. نه در کتابخانه ملی ایران، نه در مرکز اسناد دانشگاه تهران و نه هیچ کجای دیگر. مقصودم اسناد صد سال پیش نیست. همین مجلات ده سال قبل را می‌گویم. خیلی از نشریات حتی شماره اول نشریه خودشان را هم ندارند.»

به خاطر تمام این مشکلات است که رحیمیان سعی می‌کند گروهی را برای تحقیق و تألیف گردآوری کند که دست کم با موضوع آشنایی داشته و اهل پیگیری جریان باشند: «فکر کردیم روبرت صافاریان نسبت به موضوع خانه سینما و پیشینه آن آشنایی دارد، یا غلام حیدری درباره فیلمخانه ملی همین طور، یا شادمهر راستین به مسأله فارابی مدت‌هاست که فکر می‌کند. برای همین آنها را انتخاب کردیم. فکر می‌کنم برای همین آنها را انتخاب کردیم. فکر می‌کنم در این موقعیت زمانی اینها بهترین‌ها هستند.»

مدت زمان زیادی از تأسیس موزه سینما و آغاز فعالیت آن نمی‌گذرد (۱۳۸۰) اما در همین مدت کوتاه، توانسته است کانون توجهات قرار بگیرد. پس از انتشار این بیست و پنج جلد کتاب هم که دیگر جای خودش را میان ناشران، آرام آرام باز کرده است. رحیمیان می‌گوید: «انتشار کتاب یا نشریه جزو وظایف تمام موزه‌هاست از جمله موزه سینما. باید این سؤال پرسیده شود که چرا تا به حال انجام نشده و بقیه چرا آن را انجام نمی‌دهند؟»

از آنجا که موزه سینما سیستم توزیع ندارد، کتاب‌ها به صورت محدودی عرضه می‌شود. یکی دیگر از دلایل آن هم نبود بودجه کافی است. چون به موزه سینما، بودجه تعلق نمی‌گیرد، همه چیز آن بر پایه هدایایی است که اهالی سینما در اختیار آن قرار می‌دهند و کمک‌های مالی که بخش‌های خصوصی می‌کنند. علاوه بر این موزه سینما مجوز نشر ندارد. برای همین در نمایشگاه کتاب گذشته غرفه اختصاصی نداشت و به همراه انتشارات روزنه کار موفق شد بیست و پنج جلد کتاب را عرضه کند. کتاب‌هایی که در کنار دیگر کتب مرجع نشر روزنه کار، مورد استقبال واقع شد. استقبالی که هر چند خوب بود اما باز به نظر رحیمیان ناچیز آمده است. «اصولاً وضعیت کتاب همین است. چه سینمایی و چه غیر سینمایی. مقصر هم فقط یک طرف ماجرا مثلاً فقط خوانندگان و خریداران نیستند. نباید در این جریان دنبال قهرمان گشت.»

کتاب

مقوله ای به نام صدا

صدا و صدابرداری، نوشته فتحعلی روشن، انتشارات سوره، چاپ اول ۱۳۸۳، شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه، قیمت ۷۵۰ تومان.

ناهماهنگی صوتی، صدای جیغ بلندگو، اکوهای پی‌درپی و نامفهوم و دیگر ضعف‌های صدارسانی در مکان‌های عمومی، تجربه‌ای نیست که هیچ یک از شهروندان ایرانی آن را نداشته باشند. معضل بلندگو و میکروفون امروزه در جای جای کشور ما خودنمایی می‌کند. از مجالس مذهبی گرفته تا سالن‌های کنسرت و جشن و غیره، همیشه یک اشکال آزاردهنده وجود دارد. یک جا صدا ضعیف است. جای دیگر صدا به شدت قوی است و هر آن می‌خواهد پرده گوش را بدراند و اگر هیچ یک از این دو عیب نباشند، احتمالاً اکوی صدا آنقدر بالا هست که نتوان متوجه منظور گوینده یا خواننده شد. همه اینها نشان دهنده یک ایراد اساسی در نحوه استفاده از ابزار مدرن صوتی است، ابزاری که بنا به ماهیت وجودی خود، برای راحتی نوع بشر درست شده است، در اثر نادانی و کم‌دانشی کاربران مربوطه، به ابزار آزاررسانی و ایجاد ناراحتی تبدیل می‌شوند. با وجود تحولات گسترده رسانه‌ها در کشور ما، مسأله صدا و صدا رسانی هنوز در مراحل اولیه خود به سر می‌برد. کمتر کنسرت موسیقی را سراغ داریم که نوازندگان و شنوندگان از بابت صدابرداری آن راضی باشند. این نقیصه حتی دامن گروههای فیلمبردار و غیره را هم گرفته است و برنامه‌های سازمان صدا و سیما نیز گهگاه با چنین مشکلی مواجه می‌شوند.

همه این نارسایی‌ها ریشه در دست کم گرفتن دانش صدا و صدابرداری است. هر کسی به تصور واهی، کلیدهای مربوط به یک دستگاه صوتی معمولی و با حرفه‌ای را به چپ و راست می‌چرخاند و گمان می‌برد که صدا را تنظیم می‌کند. بی آنکه بداند صدا چیست، میکروفون چه وسیله‌ای است، نقش اکو و افکت چگونه است و الی آخر. کتاب «صدا و صدابرداری» نوشته فتحعلی روشن با نگرشی کلی بر مقوله صدا، تلاشی برای آموزش اصول ابتدای صدابرداری است. در این کتاب نویسنده ابتدا صوت را برای خواننده‌اش تعریف می‌کند و خصوصیات کمی و کیفی آن را برمی‌شمارد. کتاب تا حدودی تخصصی است و برخی مفاهیم آن با فرمول‌های ریاضی تفهیم می‌شود. در عین حال برخی اطلاعات عمومی هم از لابه‌لای سطور قابل دریافت است. تقریباً نیمی از کتاب مفاهیم مربوط به صدا و نیم دیگر معرفی ابزار صدابرداری را شامل می‌شود. آشنایی با انواع میکروفون، پایه میکروفون، بلندگوها و طریقه نصب آنها در مکان‌های عمومی، بخش‌های پایانی کتاب را تشکیل می‌دهد. برخی از اطلاعات کتاب اگرچه بدیهی است ولی در شرایط کم‌آگاهی کاربران دستگاههای صوتی، همین اطلاعات مختصر نیز غنیمتی آشکار است.

دریچه‌ای به هنر

عادله صادقی

اچینگ یا هنر چاپ دستی

انتشارات مارلیک بزودی کتاب «کمپوزیسیون مهارت در ترکیب بندی تابلوهای نقاشی» اثر لویس ولجانگ با ترجمه مریم مدنی را منتشر می‌کند. کتاب حاضر به مباحثی چون: کمپوزیسیون تصویر، گسترش کمپوزیسیون‌های اسکلتی، تضادهای سایه و روشن، تکامل تدریجی در ایجاد کمپوزیسیون، یگانه‌سازی و... می‌پردازد.

از ویژگی‌های عمده این اثر ارائه نکات علمی و هنری در رابطه با ایجاد کمپوزیسیون‌های تصویری است.

«اچینگ یا هنر چاپ دستی» عنوان کتاب در دست چاپ دیگری از انتشارات مارلیک است که توسط عذرا نصیری و م.سجادی به فارسی برگردانده شده است. اچینگ یا روش‌های گراورسازی که در نتیجه فعالیت اسید بر روی فلزات ایجاد می‌شود، کاربرد ویژه‌ای در خلق آثار هنری دارد. کتاب حاضر این هنر را به صورت گام به گام به علاقه‌مندان آموزش می‌دهد.

زنان صبرا، مردان شتیلا

«زنان صبرا، مردان شتیلا» عنوان نمایشنامه‌ای است از قطب‌الدین صادقی که انتشارات الست فردا آن را منتشر می‌کند. این ناشر از قطب‌الدین صادقی، نمایشنامه «خط عشق» را نیز در دست چاپ دارد.

فن تدوین فیلم

انتشارات سروش چاپ سوم کتاب «فن تدوین فیلم» نوشته «کارل راستین و گوین میلار» با ترجمه «وازیک درساهاکیان» را بزودی منتشر می‌کند. فن تدوین فیلم علاوه بر تأثیر ناگهانی عظیم آن پس از چاپ اول در سال ۱۹۵۳، تا به امروز در هر جا که فیلمسازان جوان آموزش می‌بینند، مقدمه‌ای بنیادی بر تدوین فیلم بوده است. نسخه اصلی انگلیسی این کتاب تاکنون پانزده بار بدون تغییر حتی یک کلمه، تجدید چاپ شده است. این کتاب با اینکه شامل مباحثی چون: تاریخ تدوین، کار تدوین، اصول تدوین (تدوین صدا- تدوین تصویر) و... است؛ اما در واقع چندان به کار خاص تدوینگر نمی‌پردازد بلکه درباره کل فرایند تدوین بحث می‌کند که معمولاً مسؤولیتی بس گسترده‌تر را در بر می‌گیرد. بخش اعظم کتاب - قسمت دوم- به نمونه‌های عملی اختصاص یافته است و توسط کارگردانان یا تدوینگران تحلیل شده است. سپس نتیجه‌گیری‌های برگرفته از این موضوع‌های عملی در بخش بعدی آن گردآوری و جمعبندی شده است.

«دوربین عکاسی» عنوان کتاب دیگری است از انتشارات سروش؛ نوشته «آنسل آدامز» با ترجمه پیروز سیار که چاپ سوم آن بزودی منتشر می‌شود. این کتاب که چند سال پیش از مرگ نویسنده نامدار آن انتشار یافت، در بر گیرنده شرح تجربیات گسترده وی در زمینه کار با دوربین‌ها و متعلقات مختلف عکاسی حرفه‌ای است؛ تجربیاتی که طی زمانی طولانی توأم با کار عملی آفریننده در فلمرو عکاسی هنری حاصل آمده‌اند.

از همین ناشر و مترجم چاپ چهارم کتاب «صافی‌ها در عکاسی سیاه و سفید و رنگی» اثر ژان لامور به بزودی منتشر می‌شود. کتاب حاضر پس از پاداوری کوتاهی از مفاهیم کلی درباره نور، ادراک رنگ‌ها و اصل صافیها، به صورتبندی این عناصر با تحلیل فلمروهای اصلی کاربرد آنها در عکاسی می‌پردازد.

از سال‌ها پیش تا هنوز هم

کتاب «از سال‌ها پیش تا هنوز هم» در بر دارنده منتخبی از پوسترهای قیاد شیوا؛ از سازندگان و پایه گذاران فرهنگ گرافیک ایران، طی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰ است که توسط انتشارات نظر منتشر می‌شود.

یادداشت

امیرحسین شرافت

دانشنامه امام خمینی

فراوانی و پراکندگی اطلاعات از سویی و ضرورت های سامان دهی علمی و تسهیل مراجعه به آنها، از سوی دیگر موجب احساس نیاز و اقبال گسترده به دانشنامه و دایرةالمعارف ها شده است. در مورد امام خمینی(ره) نیز کثرت اطلاعات و نیاز اقشار مختلف جامعه به دسترسی آسان تر به آرا و اندیشه های ایشان، تدوین دانشنامه‌ای ویژه را ضروری ساخته است.

هر ماهه در نقاط مختلف جهان، کتاب ها، مقالات و پایان نامه های بسیاری درباره ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی و تأثیر گذاری جهانی امام خمینی(ره) تدوین و نشر می یابد. با نگاهی اجمالی به این آثار در می یابیم که همه آنها از ضعف و فقر منابع و اطلاعات رنج می برند. بخشی از این امر، البته به کوتاهی مؤسسات داخل کشور در زمینه اطلاع رسانی بازمی گردد. از این که بگذریم، در درون کشور نیز برای نسل دوم و سوم پس از انقلاب که با قرائت های مختلف از شخصیت امام مواجه شده‌اند کتاب مرجعی نیاز است که با به کارگیری روش توضیحی صرف به گزارشگری بپردازد و غنای علمی لازم را برای اقناع مشتاقان و پژوهشگران داشته باشد.

از این رو مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) در نظر دارد با تدوین دانشنامه‌ای، در بر گیرنده اطلاعات مربوط به امام خمینی، خلأ اطلاعاتی جامع را درباره ایشان برطرف سازد.

موضوع دایرةالمعارف: موضوع مربوط به امام خمینی که قابلیت طرح و بسامد مقاله شدن را دارا باشد در این دانشنامه، مدخل قرار می گیرد. محورهای کلی مدخل ها: زیست نامه امام خمینی، خاندان ایشان، شخصیت های (مرتبط اسناید، شاگردان، منسوبان و نمایندگان) آثار علمی، آثار درباره (مقالات، کتاب ها و پایان نامه ها)، زندگی علمی، نهادهای وابسته، اندیشه های عرفانی، فلسفی، کلامی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، تربیتی، فقهی، تفسیری، حدیثی و...

تدوین دانشنامه

تدوین دانشنامه‌ای خاص درباره امام خمینی در اواخر سال ۱۳۷۸ مطرح شد و به تصویب رسید. در سال های ۱۳۷۹-۱۳۸۰ مقدمات کار فراهم شد. از آن زمان تا کنون تلاش شده است با بهره گیری از تجربیات دانشنامه های گوناگون و افراد صاحب نظر، زمینه برای تدوین دانشنامه مهیا شود.

اکنون این دانشنامه به رغم مواجه بودن با مشکلاتی چند، بدیع بودن طرح دانشنامه‌ای ویژه یک شخص خاص، حذبی به شکل نهایی خود نزدیک شده است. تحقق این مهم البته با همراهی و همکاری پژوهشگران و صاحبان قلم و دانش میسر می شود.

روند و پیشرفت کار

بر اساس طرح جامع تدوین دانشنامه امام خمینی اصول، چارچوب ها و سیاست های کلی دانشنامه مانند: تشکیل پرونده های علمی، اصول نگارش مقالات و ساختار علمی و تشکیلاتی آن مشخص شده است.

در این ساختار، گروههای علمی عهده‌دار تهیه مقالات و نظارت بر چگونگی پدیدآوری آنها می باشند. این گروه‌ها با عناوین و نیز حفره های موضوعی زیر مشخص می شوند: آثار و کلیات، آرای سیاسی و اجتماعی، تاریخ ،اماکن، نهادها و شخصیت ها) فقه، اصول، تفسیر و حدیث و فلسفه، عرفان و کلام و اخلاق.

تعداد مدخل های دانشنامه بین ششصد تا هفتصد برآورد می شود. تاکنون ۵۱۱مدخل به تصویب شورای علمی دانشنامه رسیده است و از این تعداد، برای ۲۸۰ مدخل پرونده علمی تشکیل شده است. برای ۱۲۲ مدخل نگارش مقاله به پایان رسیده و ۵۴مقاله در حال نگارش و ویرایش است.

برای اطمینان بیشتر و رعایت چارچوب های علمی، تمهیداتی از قبیل تدوین شیوه‌نامه، تشکیل شورای علمی، ارزیابی های متعدد و رجوع به ارباب نظر اندیشیده شده است.

دانشنامه امام در نگاه آمار

تعداد کل مدخل ها بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ مدخل های تصویب شده ۵۱۱ مدخل، تشکیل پرونده علمی ۲۸۰، نگارش مقاله ۱۲۲ و در حال نگارش ۵۴.

دانشنامه امام خمینی از بدو تشکیل تا اواخر سال ۱۳۸۲ زیر نظر حجت الاسلام مهدی مهریزی و با همکاری جمعی از پژوهشگران و نویسندگان فعالیت می کرد و در حال حاضر با مدیریت جدید و همکاری محققان دیگری در حال تدوین است.

گفت وگو

گفت وگو با حجت الاسلام محمد صحفی

پنجاه سال نویسندگی و نشر

در سال ۱۳۱۳ شمسی در قم متولد شد و به راهنمایی و مساعدت‌های پدر که او نیز در لباس روحانیت بود، به تحصیلات حوزوی پرداخت. دروس مقدماتی را از مدرسه جهانگیرخان (مقابل مسجد جمعه) قم شروع کرد و سپس از دروس مرحوم آیت‌الله صدوقی و امام موسی صدر و در نهایت از درس آیت‌الله بروجردی و امام خمینی، بهره‌مند شد.

نوشتن را با ترجمه کتاب مرحوم محدث قمی «الواند الرجبیه» آغاز کرد و سپس با ترجمه «الهوف» سیدبن طاووس و «انوار البهیه» مرحوم محدث قمی، ادامه داد.

در سال ۱۳۴۱ به دعوت مرحوم حجت‌الاسلام اشرف، نماینده آیت‌الله بروجردی به دورود لرستان رفت و دفتر مذهبی کارخانه‌های سیمان و کتابخانه و مساجد متعددی را در شهر و روستاهای اطراف تأسیس نمود. در همان زمان جزواتی را که بعداً به صورت کتاب «تعالیم آسمانی اسلام» انتشار یافت، تألیف کرد و به صورت رایگان در داخل و خارج کشور توزیع کرد

کتاب قصه‌های قرآن، داستان‌های تاریخی و تعدادی دیگر، از آثار قلمی حجت‌الاسلام محمد صحفی، مدیر انتشارات اهل بیت(ع) است.

در حال حاضر به تألیف چه کتابی مشغول هستید؟

کتاب «سیری در نهج البلاغه ابن ابی الحدید» که دو جلد آن منتشر شده و باقیمانده آن که شاید دو جلد بشود، در دست تدوین و تنظیم است.

ابن ابی الحدید از علمای برجسته شافعی‌مذهب و معتزلی‌مسلک است که ارادتی عمیق نسبت به مقام شامخ مولای متقیان(ع) دارد و بدین جهت شرح نهج‌البلاغه او از ویژگی های جذابی برخوردار است که خواندن آن دل هر شیعه‌ای را به وجد می آورد.

این کتاب تا جایی که بنده اطلاع دارم به فارسی ترجمه نشده بود و فارسی زبانان از آن بی بهره بودند. البته این بنده هم تمام بیست جلد آن را ترجمه نکرده‌ام، بلکه تمام مطالبی که به نحوی ارتباط با مسئله ولایت و امیر مؤمنان و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام داشته، انتخاب و ترجمه و تنظیم نموده‌ام. امیدوارم عنایات خداوند و توجهات حضرت ولی عصر به اینجانب کمک فرماید که این کار را به انجام برسانم.

اینجانب نه به عنوان یک ناشر، بلکه به عنوان مؤسس انتشارات اهل بیت(ع) که آن هم به منظور عرض ارادت به پیشگاه اهل بیت علیهم‌السلام و نشر آثار قلمی انگشت‌شمار خود، که دور از مسائل تجاری و زراندوزی، با کیفیت مطلوب در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد، انجام گرفت و همچنین به عنوان فردی عاشق و دل‌باخته کتاب و در نتیجه دارای کوله‌باری از تجربه، سخن می گویم.

آثار موجود در نشر دینی را چگونه ارزیابی و نقد می کنید؟

اجازه بدهید نگاهی به دوران پنجاه ساله اخیر که اینجانب با کتاب و ناشر سر و کار داشته‌ام بیفکنیم و وضع ناشران را از نظر بگذرانیم. آنچه برای این بنده آشکار شده این است که ناشران ما از سه گروه تشکیل می شوند:

۱- ناشران تاجرپیشه که تنها به سودآوری انتشارات خود می اندیشند و کاری به محتویات آن آثار و پیامدهای آنها ندارند. برای این گروه، اگر چاپ کتب سازنده و مفید، سودآور باشد، در آن زمینه فعالیت می کنند و اگر کتب ضد ارزشی خریدار داشته باشد، به آن سو گرایش پیدا می کنند و در یک جمله؛ آنها مرده شویند و کاری به بهشتی بودن یا جهنمی بودن مرده ندارند!

۲- گروه دیگر علاوه بر توجه به سودآور بودن کتاب، درصدد تخریب بنیان های اعتقادی یا اخلاقی جامعه نیز هستند. آنها می کوشند کتاب ها و جزوات یا نشریاتی منتشر کنند که دارای زاویه های

منحرف کننده نیز باشد و بدین وسیله ضربه‌ای بر ارزش های جامعه وارد آورند.

اگر بخواهیم نمونه‌هایی از این گروه ارائه دهیم، می توانیم به منشورات آنها، چه قبل و چه بعد از انقلاب که متأسفانه تعدادشان هم کم نیست، مراجعه کنیم.

با این که مسؤولان رسمی و قانونی بررسی کتاب‌ها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، ولی متأسفانه توجه کافی انجام نمی شود و اینگونه کتاب ها که همانند غذای مسموم، روح و جان جامعه را نشانه گرفته‌اند، به راحتی با مجوز رسمی انتشار می یابند.

۳- و بالاخره سومین و شریف ترین بخش، ناشران متعهدی هستند که توجه آنها به موضوعات و محتویات کتاب هاست و بدین جهت هرگز و به هیچ عنوان حاضر نیستند کتابی را قبل از بررسی صاحبنظران و اطمینان از صحت محتویات آن به چاپ برسانند.

خوشبختانه بیشتر آمار ناشران را این بخش به خود اختصاص می دهند و تا آنجا که مشهود است، رسالت سنگین و ارزشمند خود را به خوبی تشخیص داده و درصدد انجام آن هستند.

این همه آثار سازنده و ارزشگذار که کتابفروشی ها و کتابخانه ها و حتی درون خانه ها را زینت داده است نتیجه تلاش این گروه است و بدون تردید آنان علاوه بر منافع دنیوی، از اجر و پاداش الهی هم بهره‌مند می باشند و آثار ماندگار آنها صدقه جاریه‌ای برای آنان خواهد بود. و نکتب ما قدموا و آثارهم...

دیدگاه شما در باره آثار دینی چیست ؟

بنده معتقدم آثار دینی نه تنها عقب گرد نکرده، بلکه با شتابی فراوان در حال حرکت است. به خصوص در زمینه احیای آثار بزرگان گذشته و نشر منابع گرانبهای شیعه، قدم های بلندی برداشته شده است.

تنها نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم آن است که خوانندگان واقعی کتاب های دینی، به خاطر گرانی قیمت ها و نداشتن امکانات کافی، از خرید آنها محرومند. در حالی که کتب غیردینی را کسانی می خرند که بودجه کافی در اختیار دارند و حمایت های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم بیشتر به جانب آن کتاب ها معطوف است. کافی است نظری به کتاب های خریداری شده از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در یکی دو هفته اخیر، که فهرست آنها در مجله «کتاب هفته» منتشر شده است، بیفکنید و ببینید چند درصد آنها کتب دینی هستند.

با توجه به این مسأله که کتاب‌های داستان و رمان، مبلغان اصلی مذهبی در کشورهای غربی هستند، شما وضعیت نویسندگان مسلمان را در بهره‌برداری از این شیوه کارآمد، چگونه ارزیابی می کنید و تا چه حد معتقد به استفاده از قصه و داستان برای ترویج مذهب به خصوص برای نسل جوان و نوجوان هستید؟

استفاده از شیوه داستان، برای هدایت و ارشاد مردم را اولین بار قرآن کریم بنیانگذاری کرد و با نقل داستان های واقعی با بیانی شیوا و دلپذیر به هدایت جامعه پرداخت، به طوری که تقریباً یک سوم قرآن را اینگونه داستان ها به خود اختصاص داده است و علما و بزرگان شیعه هم در طول تاریخ از این روش پیروی کرده‌اند که نمونه آن را به صورت مناظره یک بانوی شیعه، در تفسیر ابوالفتوح رازی می بینم.

اصولاً طبع انسان به شنیدن و خواندن داستان علاقه‌مند است و از دوران کودکی تا سنین پیری و سالخوردگی همواره این طبیعت را حفظ می کند و به رمان و داستان علاقه نشان می دهد. بدیهی است که انتخاب سوژه و پردازش صحنه‌ها و ریزه‌کاری های داستان که باید با قلمی شیوا و روان نگاشته شود، از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است و باید مبلغان دینی به بهترین صورت از این شیوه استفاده کنند.

جایگاه قم را در نشر دینی چگونه ارزیابی می کنید؟

جایگاه قم در نشر کتب دینی به لطف خداوند، جایگاهی رفیع و قابل ستایش است، ولی با امکاناتی که در قم فراهم آمده، از قبیل حوزه علمیه، مراجع تقلید، اساتید و بزرگان فن، طلاب و دانشجویان پرکار و پرتلاش، باید این جایگاه روز به روز رفیع تر و پیشگویی امام صادق(ع) که فرمودند: «سیهانبیض العلم الی سایر البلدان» (از قم سرچشمه‌های علم می جوشد و به سراسر جهان سرازیر می شود) تحقق یابد.

منتشر شد

از مخبرالدوله تا بهارستان

شاه‌آباد؛ خیابانی حدفاصل میدان بهارستان تا میدان مخبرالدوله، خیابانی که خاطرات فراوانی را در دل خود جای داده است. خاطرات یک قرن شاید هم بیشتر، و البته میدان بهارستان هم در ایجاد و رنگ‌آمیزی خاطرات، حوادث و اتفاقات این خیابان نه چندان عریض و طویل بسیار مؤثر بوده است.

گشت و گذار

مرتضی قدیمی

صفی‌علی‌شاه اولین انتشارات و کتابفروشی ابتدای خیابان جمهوری است که چند وقتی است تعطیل شده و کرکره‌هایش پایین است. روی تابلو نوشته شده است تأسیس ۱۳۲۵، صندوقدار داروخانه[...] کارت انتشارات صفی‌علی‌شاه را می‌دهد و می‌گوید رفته‌اند خیابان انقلاب. حتماً تا چند وقت دیگر تابلوهایی که سابقه ۵۸ساله دارند پایین می‌آیند و ساختمان تعمیر و بازسازی می‌شود و آنجا تبدیل به یکی از بزرگترین کارت فروشی‌های خیابان جمهوری می‌شود.

با یاد مطهری، طالقانی و بازرگان

باید از جلو همه کارت‌فروشی‌ها عبور کنم. یک، دو، سه، چهار و... تا برسم به شرکت سهامی انتشار، کتابفروشی و انتشاراتی که ساختمانش زمانی مدرسه بوده است. شرکت سهامی انتشار در سال ۱۳۳۷ تأسیس می‌شود و در خیابان ناصرخسرو و آغاز به کار می‌کند و از آنجا به خیابان باب همایون منتقل می‌شود و در سال ۱۳۶۰ به محل فعلی انتقال می‌یابد.

این انتشارات که به صورت شرکت سهامی فعال است آغاز به کارش با حضور افرادی چون استاد مطهری، آیت‌الله طالقانی، مهندس بازرگان، احمد آرام، احمد راد و بسیاری دیگر از اهل قلم و دانش شکل می‌گیرد.

این افراد که تعدادشان به ۷۰۰ نفر می‌رسید بسیاری از آنها دیگر نیستند و البته یادشان و آثارشان جاودان است.

مجموعه «داستان راستان» از استاد مطهری از اولین کتاب‌هایی است که شرکت سهامی انتشار به چاپ رسانده است. «تفسیر پرتوی از قرآن» و ترجمه «زندگی امام علی(ع)» توسط آیت‌الله طالقانی از دیگر آثار قابل توجه این انتشارات است. از دیگر آثار قابل ذکر «۶بال علم»، «راهنمای پزشکی خانواده» و «کلیدهای خوشبختی» احمد آرام، «خلافت انسان و خلقت انسان»، «در بیان قرآن» از یدالله سحابی و «راه طی شده»، «عشق و پرستش» و «مطهرات در اسلام» نوشته استاد بازرگان که در سال‌های اولیه تأسیس انتشارات چاپ شده‌اند.

کاظم رضایی مدیریت فروش شرکت سهامی که از ابتدای فعالیت انتشارات حضور داشته از سال‌های قبل از انقلاب یاد می‌کند و می‌گوید: «در آن سال‌ها کتاب‌ها را در کیف و ساک می‌گذاشتیم و با کلی مشکلات از ناصرخسرو به خیابان شاه‌آباد برای کتابفروشی‌های علاقه‌مند و البته جسور می‌آوردیم و به اصطلاح آن دوران به صورت زیرمیزی رد و بدل می‌کردیم.»

شرکت سهامی که در آن سال‌ها با هدف معرفی کتاب‌های مذهبی و دینی راه‌اندازی شد همچنان همان شیوه و هدف را دنبال می‌کند.

شرکت سهامی که در این سال‌ها بالغ بر ۳۰۰۰ عنوان کتاب منتشر نموده در زمینه چاپ کتاب‌های دانشگاهی نیز فعال بوده است.

«اصول تکنولوژی نگهداری موادغذایی» از دکتر فاطمی، «نظام‌های اقتصادی» نوشته دکتر حسین نظامی و «تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی» اثر دکتر فرامرز رفیع پور جدیدترین آثار منتشر شده توسط این انتشارات است.

زیر صفر، اما هستیم!

انتشارات منوچهری یکی دیگر از بازماندگان دوران خیابان شاه‌آباد است. این کتابفروشی و انتشارات که تأسیس آن به سال ۱۳۴۸ باز می‌گردد توسط مرحوم منوچهر زری‌باف راه‌اندازی شد که هم اینک تحت نظر همسر زری‌باف خانم قدسی بهروز وزیر و برادر خانم بهروز وزیر فعال است.

جعفر بهروز که سابقاً کار چاپ می‌کرده، شش سالی می‌شود که به کمک خواهرش آمده و تلاش نموده تا کتابفروشی و انتشارات همچنان دایر بماند. گرچه می‌گوید فروش کتاب خیلی کم است؛ زیر صفر.

انتشارات منوچهری مثل سابق در زمینه کتاب‌های عرفانی فعال است و از آثار این انتشارات می‌توان به آثار عین‌القضاة، «تفسیر قرآن صفی‌علیشاه»، «رساله عرفانی در عشق»، اثر احمد غزالی و «گلستان هنر» احمد سهیلی اشاره کرد. کتابفروشی منوچهری شاید در روز بتواند ۱۰ تا ۲۰ جلد کتاب بفروشد.

چند سیلی به خاطر پرتوی از قرآن

انتشارات جمهوری از اوایل انقلاب دایر شده است، ولی حسن اسدی صاحب فروشگاه سال‌های قبل از ۱۳۵۷ وارد عرصه کتابفروشی در خیابان جمهوری شده است. او آن دوران در کتابفروشی آسیا کار می‌کرده. جمهوری در این سال‌ها بیش از ۵۰ عنوان کتاب منتشر کرده است که دو کتاب «نشان از بی‌نشان‌ها» اثر مرحوم نخودکی و «دل سنگ آب شد» نوشته علی انسانی از جمله معروف‌ترین آثار این انتشارات است. یکی از همکاران اسدی که در گفت‌وگوی کوتاه ما حضور داشت از صفی که برای خرید کتاب «ایی‌جان نایلون کشیده شده بود یاد می‌کند و خود اسدی هم از خاطره فروش کتاب «پرتوی از قرآن» و بازداشت شدنش و کتک خوردنش توسط ساواک می‌گوید. انتشارات جمهوری علاوه بر کتاب‌های مذهبی به کتاب‌های علمی، ادبی و تاریخی نیز پرداخته است.

اسدی می‌گوید اگر صحاف‌ها به قولشان عمل کنند یا هفت، هشت عنوان کتاب جدید در نمایشگاه بین‌المللی کتاب امسال حضور خواهیم داشت.

ما، علمی و ادبی

کتابفروشی سیروس یکی دیگر از قدیمی‌ترین کتابفروشی‌های خیابان جمهوری است. احمد افجه‌ای که حالا دیگر عمری را پشت سر گذرانده و ۴۷ سال در کار کتابفروشی بوده است می‌گوید: سال تأسیس سیروس به ۱۳۱۵ برمی‌گردد و ابن سینا را اولین کتابفروشی خیابان شاه‌آباد می‌داند که و همین طور کتابخانه ادب که توسط مرحوم محمد جعفر ادب راه‌اندازی شده بود.

افجه‌ای می‌گوید: اوایل در شاه‌آباد فقط ۳ کتابفروشی بود، ما، علمی و ادب. از کتابفروشی ادب دیگر خبری نیست و می‌گوید کبابی شده است.

افجه‌ای از پدرش نقل قول می‌کند و می‌گوید پدر می‌گفت: در طول روز شاید یک ریال فروش کتاب داشتیم.

«افسانه کودکان» اولین کتابی است که در سال ۱۳۳۲ انتشارات سیروس چاپ می‌کند. بعد از آن در سال ۱۳۳۷ زیر درخت «زیرفون» را منتشر می‌کند و سال ۴۱ «مکالمه روزمره انگلیسی»، «دکتر ژیواگو» و «داستان بزرنگوله‌پا» را. اتو هیینوتیزم و حافظ خلوت‌نشین از جمله آخرین کتاب‌هایی است که سیروس در سال‌های ۷۶ و ۷۷ منتشر کرده است.

افجه‌ای می‌گوید: مرحوم عظیمی که دهخدا را راه‌اندازی کرد جزء اولین کسانی بود که به خیابان انقلاب رفت. افجه‌ای که یر از خاطرات آن دوران است می‌گوید، در آن سال‌ها ۲۸ کتابفروشی در شاه‌آباد بود و شروع می‌کند به نام بردن آنها: صفی علی‌شاه، علی‌اکبر علمی، اندیشه، اشراقی، آسیا، سنایی، طهوری، شرق، جاودان، خیام و...

افجه‌ای که حوادث ۲۸ مرداد و ۱۵خرداد و بسیاری دیگر از اتفاقات مهم تهران را دیده است از مرحوم سعید نفیسی، استاد محیط طباطبایی و استاد فروزانفر یاد می‌کند و می‌گوید: خیلی‌ها می‌آمدند اینجا و حالا دیگر اکثر آنها مرحوم شده‌اند.

صفی‌علی‌شاه اولین انتشارات و کتابفروشی ابتدای خیابان جمهوری است که چند وقتی است تعطیل شده وکرکره‌هایش پایین است. روی تابلو نوشته شده است تأسیس ۱۳۲۵

کتابفروشی سیروس که حالا بیشتر شبیه یک موزه قدیمی است، پر از کتاب‌های کهنه و دست‌دوم است. افجه‌ای در این سال‌ها به خرید و فروش کتاب‌های دست دوم و کتابخانه‌های شخصی می‌پردازد.

افغانی‌ها به دادمان رسیده‌اند

انتشارات فخر رازی را پسر حسن مینوفکر اداره می‌کند. سابقه این انتشارات و شروع فعالیتش به سال ۱۳۳۵ باز می‌گردد. فخر رازی تاکنون بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب در زمینه‌های شعر و ادبیات منتشر کرده است. دیوان وحشی بافقی آخرین کتاب این انتشارات است که در سال ۱۳۸۰ چاپ شده است.

مینوفکر جوان می‌گوید دیگر نمی‌شود ریسک کرد و کتاب چاپ کرد. او قسمتی از کتابفروشی را به فروش لوازم‌التحریر اختصاص داده است. «باب الالباب» و «آوای وحش» دو کتابی است که به صورت اختصاصی توسط این انتشارات چاپ شده است و باقی کتاب‌ها که مجموعه شعر و دیوان شعر هستند توسط ناشران دیگر هم چاپ می‌شوند. چاپ کتاب‌های مذهبی از جمله برنامه‌های آینده فخر رازی است چرا که مینوفکر معتقد است بازار کتاب‌های مذهبی مانند قرآن و مفاتیح خیلی خوب است.

افغانی‌ها مشتری‌های خیلی خوب کتاب‌های شعر فخر رازی هستند. مینوفکر می‌گوید: کتاب‌های ما را به صورت عمده و نقد خرید می‌کنند. کتاب‌هایی چون دیوان عراقی، عطار، شمس و...

این فروشنده که جای پدر را گرفته است می‌گوید: اوضاع خیلی خوب نیست. پدر وقتی از سال‌های قبل یاد می‌کند می‌گوید: آن دوران خیلی بهتر بود و هیچ ناله‌ای از آن سال‌ها ندارد.

فقط مذهبی

کانون انتشارات محمدی ناشر و کتابفروش کتاب‌های مذهبی است. علی محمدی صاحب کتابفروشی حضور ندارد اما کسی که آنجاست می‌گوید سابقه کانون انتشارات محمدی به ۴۰-۵۰ سال گذشته باز می‌گردد. ترجمه تفسیر المیزان مهم‌ترین مجموعه‌ای است که این انتشارات چاپ کرده است. «نماز»، «راه خداشناسی»، «اعجاز قرآن» و «ارمغان رسالت» از جمله کتاب‌هایی است که در کتابچه‌ای تحت عنوان «فهرست»، لیست شده‌اند. پشت کتابچه تاریخ ۱۳۶۱ چاپ شده است و قیمت کتاب‌های معرفی شده در کتابچه به هیچ عنوان قابل باور نیست. مثلاً «سرچشمه هستی» به قلم جعفر سبحانی ۵۰ ریال، «کارنامه اجتماعی، اخلاقی و سیاسی محمد(ص)» ترجمه مصطفی زمانی با جلد شمیز ۱۰۰ ریال!

یکی تعطیل و دیگری جواب نمی‌دهد

کتابفروشی مسنوقی تعطیل است. چند بار می‌روم و باز می‌گردم ولی خبری از صاحب کتابفروشی نیست. ویترین پر از کتاب‌های خطی و قدیمی است. روی ویترین نوشته شده کتاب و نسخ خطی خریداریم. افجه‌ای صاحب کتابفروشی سیروس می‌گوید: مسنوقی یکی از استادان و نسخه‌شناسان مطرح است که گاهی در نسخه‌شناسی کتابخانه مجلس هم کمک می‌کند. یک سرباز هخامنشی سوار بر کالسکه‌ای که اسبی را می‌کشد، آرم کتابفروشی امیرکبیر. ظاهراً کتابفروشی انتشارات امیرکبیر واقع در خیابان جمهوری هم سابقه‌ای طولانی دارد. سه ویترین کتابفروشی پر از کتاب‌های تاریخی و ادبی است. «امیرکبیر و ایران»، «دخترم فرح»، «تاریخ ایران»، «مثل ثریا گریه خواهم کرد» و...

مسؤول کتابفروشی که سال‌هاست در این کتابفروشی کار می‌کند به هیچ کدام از سؤالات پاسخ نمی‌دهد و می‌گوید: با هیچکس گفت‌وگو نمی‌کنم. قبلاً هم آمده‌اند و چیزی نگفته‌ام. اصرار هم فایده ندارد. صرفنظر می‌کنم اما می‌دانم ظاهراً خیلی چیزها برای گفتن دارد.

به بهانه یکصدمین سال

شاید نوشتن درباره انتشارات و کتابفروشی اقبال کار سخت و آسانی باشد. آسان به دلیل وجود کتابی تحت عنوان یادنامه اقبال که سال گذشته چاپ شده است و سخت به دلیل آنکه نمی‌توان در فرصتی کوتاه درباره تمام فعالیت‌های اقبال نوشت. شاید بیان این مطلب که اقبال سابقه‌ای صدساله در چاپ و نشر کشور دارد و تاریخ این صدسال تبدیل به کتابی شده است، اشاره‌ای باشد برای علاقه‌مندان به تاریخ کتاب و نشر تا حتماً این کتاب را تورق کنند.

راسته کتابفروش‌ها

نصرالله حدادی

دو صد گفته چون نیم کردار نیست

وقتی که در نهمین روز اردیبهشت از سوی یک مقام مسؤول نمایشگاه اعلام شد: «... روز ۲۵ اردیبهشت ماه به دلیل روز تعطیلی نمایشگاه تمدید خواهد شد» (روزنامه ایران، چهارشنبه ۸۳/۲/۹، ص ۲۸) از خودم سؤال کردم: خوب! اینکه کاری ندارد، از اول اعلام می‌کردند از چهاردهم اردیبهشت تا بیست و پنج اردیبهشت و چه لزومی داشت یکی از مقامات نمایشگاه، علی رغم اعلام برنامه قبلی، یک روز تمدید را قبل از شروع به کار نمایشگاه اعلام دارد و سرانجام هم گفته‌اش از قوه به فعل نیاید؟

مطلب فوق را با یکی از دست‌اندرکاران در میان گذاشتم، او گفت: مقام مسؤول تلویحاً این مسئله را گوشزد کرد و ارباب جراید آن را حتمی دانستند. گفتم: خوب افرض کنیم چنین باشد، تمدید ساعات نمایشگاه را چه می‌گویی، آن هم بدون اعلام قبلی؟ گفت: این را دیگر نمی‌دانم.

یازده روز نمایشگاه، با وضع قوانین خلق الساعه و آنچه که گفتیم و انجام ندادیم و آنچه را که نگفته بودیم، از قوه به فعل آوردیم. تمدید گفته شده را پشت گوش انداختیم و بی‌خود و بی‌جهت، آن هم در روزهای تعطیل و صد البته برای رفاه حال مردم و بازدیدکنندگان از نمایشگاه، ساعات آن را زیاد کردیم. به‌راستی که هزار آفرین و صد بارک‌الله را باید نثار ما کنند، آن هم به خاطر این همه برنامه‌ریزی و مآل‌اندیشی!

نمایشگاه هفدهم را با ندام کمبودها و کاستی‌هایش به پایان بردیم، برای نمایشگاه هجدهم می‌خواهیم چه کنیم؟ آیا باز هم می‌نشینیم و در واپسین روزهای سال ۸۳ به فکر می‌افتیم که چه باید بکنیم و آن وقت دنبال جا و مکان می‌گردیم؟

امسال شهرداری، در یک عمل انجام شده و گویا به ناچار تن به برگزاری نمایشگاه داد و چنانچه قبول کنیم «کلاهش پشم دارد» و حرفش حرف است، آیا سال ۸۴ نمایشگاه در محل دیگری برپا می‌شود؟ آیا جایی بهتر، شناخته شده‌تر، آبرومندتر، قابل دسترس‌تر، زیباتر و دارای امکانات نسبی بهتری را در تهران سراغ داریم و در این فاصله تا اردیبهشت سال ۸۴ می‌توانیم فراهم آوریم، که تهدید شهرداری را نادیده بگیریم و آیا اگر نتوانستیم، خود به تنهایی نشانگر، عمق عدم هماهنگی و فقدان برنامه نزد ما نیست؟

دوستان و همکاران ما در اتحادیه ناشران، به عنوان برگزارکننده، امسال پایبتی گذاردند و به‌رغم فوت وقت بسیار، با استفاده از تجارب چندساله، بار دیگر «سروه کار را به هم آوردند» و چنانچه سال دیگر هم بخواهد چنین وضعی پیش آید، آیا نباید از آنها سؤال کرد: چرا تجربه را تجربه می‌کنید و به‌رغم این همه توقع از یک سو و آن همه کاستی از سوی دیگر، باز هم تن به کار می‌دهید و این همه ملامت و طعنه را به جان می‌خرید؟

آیا ناشران شرکت کننده نباید از حداقل امکانات رفاهی برخوردار باشند و پس از هفده بار برگزاری نباید در نحوه برپایی نمایشگاه تجدید نظر کنیم و فضایی را که آنها درخواست کرده‌اند و پولش را هم پیشاپیش پرداخته‌اند، در اختیارشان بگذاریم؟

حالا دیگر معلوم است هر سال به هنگام برگزاری نمایشگاه، بهانه‌ای پیدا می‌شود و «دستک و دنبکی» برای آن می‌تراشند و با توجه به ازدیاد ناشران، این فضا کافی نخواهد بود و بهتر است فکر اساسی در این باره بکنیم.

گویا دست‌اندرکاران برپایی نمایشگاه -عزیزان اتحادیه ناشران- قصد برپایی نمایشگاه کتابی را در آذرماه امسال دارند. چنانچه این نیت عملی شود، به یقین دستاوردهای آن، بهترین راهکار برای برپایی نمایشگاه هجدهم است.

صنعت نشر کشور، نظر خاصی به نمایشگاه‌ها دارد و اهالی کتاب هم دلشان می‌خواهد همه چیز را در زیر یک سقف و یک محل بیابند. با استفاده از تجارب چندساله، به دور از شتابزدگی و عجله و با برنامه‌ریزی صحیح و عملی و نظرخواهی از ناشران به استقبال نمایشگاه هجدهم برویم.

آبروی نشر کشور، برپایی در خور اعتنای نمایشگاه هجدهم است، با آن بازی نکنیم و سرسری و بدون تفکر و از سر ناچاری با آن برخورد نکنیم.

گفت‌وگو

مجید کاوه

گفت‌وگو با اسدالله معطوفی؛ پژوهشگر و نویسنده

پس از اوسانه ؛روایتی ۵ هزار ساله

تالار فخرالدین اسعد گرگانی را اکثر گرگانی‌ها می‌شناسند چرا که اگر نمایش، سخنرانی یا مراسم قابل توجهی قرار باشد در شهر گرگان اجرا شود حتماً بهترین گزینه همین تالار خواهد بود. قرار ملاقات و گفت‌وگو با اسدالله معطوفی هم کمتر از دیگر مراسم تالار نبود چرا که او با تألیف کتاب تاریخ ۵هزار ساله استرآباد جایگاه ویژه‌ای نه تنها برای گرگان و گرگانی‌ها بلکه برای ایران و ایرانیان یافته است. معطوفی فارغ‌التحصیل رشته ادبیات و کارشناس ارشد رشته تاریخ ایران‌باستان، سال‌هاست درگیر دغدغه‌هایی چون تاریخ و گذشته این مرز و بوم است و نتیجه تلاش‌های او تألیفات متفاوتی است که مطالعه هر کدام از آنها قسمتی از تاریخخانه تاریخ و تمدن ایران را روشنی می‌بخشد.

تصور می‌کنم «تاریخ ۵ هزار ساله استرآباد » اولین کار شماست.

نخبر قبل از آن کتابی را تألیف کردم تحت عنوان اوسانه زندگی، اوسانه به گویش استرآبادی یعنی افسانه. این کتاب به ضرب‌المثل‌ها، مفردات و ترکیبات واژه‌ای استرآبادی پرداخته است که در سن نوزده سالگی و در دوران دانشجویی آن را تألیف کردم.

بنابراین تاریخ ۵هزار ساله استرآباد را بعد از اوسانه زندگی تألیف کردید.

همین طور است. این کتاب را در سال ۷۲ در مشهد چاپ کردم.

در مورد این کتاب بگویید؟

همانطور متوجه شدید کتاب تاریخ ۵هزار ساله استرآباد به مجموعه آثار باستانی و تاریخی گرگان باستانی می‌پردازد نه گرگان فعلی که استرآباد بوده است.

منظورتان از گرگان باستانی کجاست؟

گرگان تاریخی همان جایی است که در بند چهارستون سبزده کتیبه بیستون کرمانشاه در زمان داریوش هخامنشی به آن اشاره شده است و منظور ما از گرگان تاریخی، هیرکانیاست که در طول تاریخ و هرکان، ورکان، گولگان و هیلکانیا نامیده شده است.

گرگان باستانی یا همان هیرکانیا کدام یک از شهرهای فعلی را شامل می‌شده است؟

استان باستراب تاریخی هیرکانیای عصر هخامنشی تقریباً منطبق می‌شود به استان گلستان فعلی، یعنی از منطقه حاجی لر و مینودشت و گنبد تا بندر گز و لیوان.

در کتاب تاریخ ۵هزار ساله استر آباد تاریخی به چه مسائلی پرداخته شده است؟

علاوه بر معرفی تمدن و تاریخ ۵هزار ساله این منطقه، آثار باستانی سطح العرضی و تحت‌العرضی نیز معرفی شده است.

چرا تاریخ ۵ هزار ساله؟

در دوران محمدعلی شاه قاجار انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها و سوئدی‌ها براساس تحقیقات و کند و کاوهایی که در این منطقه انجام دادند قدیمی‌ترین آثاری که به دست آوردند متعلق به ۵ تا ۶ هزار سال قبل است که این آثار را از محلی به نام «تورنگ تپه» در حاشیه سرخنکلاته به دست آوردند.

آیا عوامل دیگری هم در تعیین عدد ۵هزار سال قدمت مؤثر بوده‌اند؟

بله. من با مراجعه به موزه ایران باستان و پس از مشورت با کارشناسان و براساس منابع مستند موجود در آنجا فرهنگ تورنگ تپه را به عنوان مبنای تاریخ و تمدن گرگان قرار دادیم، مضاف بر اینکه در موزه لوور فرانسه هم این مستندات وجود دارد. البته این قدمت بیش از ۷هزار سال تا ۷۱هزار و پانصد سال است ولی از آنجایی که مستندای یافت نشد و بیشتر به صورت شفاهی و نقل قول است، همان ۵هزار سال را در نظر گرفتیم.

برای تألیف این کتاب از چه منابعی استفاده کردید؟

بیشتر کتابخانه‌های ملی، مجلس، آستان قدس رضوی، دانشگاه تهران، سازمان اسناد ملی، آرشیو رادیو و تلویزیون و همچنین اسناد بسیاری را از بازماندگان خانواده‌های بزرگ و قدیمی که از دوران صفوی به اینجا مهاجرت کرده بودند، به دست آوردیم.

با توجه به قدمت ۵ هزار ساله گرگان فکر می‌کنید چرا تاکنون چنین کتابی تألیف نشده بود؟

هر سوژه‌ای می‌تواند فرصت مناسبی برای پژوهش و تحقیق باشد چرا که حتماً چیزی برای گفتن خواهد داشت

شاید این مسأله به دلیل نبود اسناد در منطقه بوده است. شاید هم کسی اطلاع نداشته چنین تمدنی وجود داشته است و من هم به صورت اتفاقی با مطالعه اسناد و آثار فرانسوی‌ها و کسب اطلاع از موزه ایران باستان متوجه شدم این منطقه ۵ هزار سال قدمت دارد.

تأثیر و بازتاب این کتاب را در منطقه گرگان چطور دیدید؟

اگر حمل بر خودستایی نباشد باید بگویم بعید است و سابقه ندارد در منطقه کوچکی مثل گرگان از یک کتاب ۲ هزار نسخه فروخته شود. شهرداری اصفهان از کتاب تاریخ آثار باستانی اصفهان فقط ۲۷۰ نسخه فروخته است. باید بگویم مردم لطف کردند و نظر مساعدی به این کتاب داشته‌اند.

کتاب تجدید چاپ نشده است؟

در شرف تجدید چاپ است و در حال حاضر دیگر در بازار وجود ندارد.

کتاب بعدی شما هم به گرگان ارتباط دارد؟

بله. کتاب ضرب‌المثل‌ها، کنایات و باورهای مردم گرگان است. بخشی از آن به فولکلور مردم گرگان اختصاص دارد که شامل ۳هزار ضرب‌المثل و کنایه و تشبیه و استعاره است و بخشی هم فولکلور و آداب و رسوم مردم گرگان است مانند مراسم عقد و عروسی، باران‌بند، ضدخشکسالی، نامزدی و... که حدود ۳۱ مورد است.

پس این کتاب به نوعی در ادامه اوسانه زندگی است؟

دقیقاً همین طور است. اوسانه زندگی مردم و پایه فولکلور زندگی مردم گرگان از نظر گویش است و این کتاب ضرب‌المثل‌ها به نوعی تکمیل کننده اوسانه زندگی است.

کتاب تاریخ فرهنگ و ادب استرآباد گرگان کتاب دیگری از شماست که شاید مطالب آن می‌توانست در همان کتاب تاریخ ۵ هزار ساله گرگان بگنجد چطور شد که آن را به صورت مجزا منتشر کردید؟

البته در ابتدا قصد چنین کاری را نداشتم. زمانی که تاریخ ۵هزار ساله را می‌نوشتم توجه من بیشتر روی تاریخ و آثار باستانی بود و هنگامی که کار تمام شد، متوجه شدم نام بسیاری از فرزانگان و تک ستارگان آسمان علم و ادب ایران در همین منابع و مستندات تاریخی وجود دارد. در همان دوران یادداشت‌برداری تعداد این افراد در طول هزار سال تاریخ مورد بررسی، به ۱۳۰ نفر رسیده بود سپس با مراجعه به آرشیوها و کتابخانه‌های متعدد تعداد این شخصیت‌ها به ۴۰۰ نفر رسید.

محور اصلی این کتاب را چه مقوله‌ای تشکیل می‌دهد؟

محور کتاب تاریخ آموزش و پرورش استرآباد گرگان است البته در دل تاریخ ۳ هزار ساله آموزش و پرورش ایران. به این صورت ما آموزش و پرورش ایران را از زمان ماد‌ها بررسی کرده‌ایم تا زمان ساسانیان و آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت استرآباد را نیز از ۱۵۰۰ سال قبل به این طرف معرفی کرده‌ایم.

تعدادی از چهره‌های شاخص و قابل توجهی که در این کتاب معرفی شده‌اند نام ببرید.

حکیم جرجانی که یکی از پزشکان بنام قرن پنجم بوده است که در پایتخت خوارزمشاهیان در خوارزم به نوعی رئیس سازمان نظام پزشکی آن دوران بوده است، میرفندرسکی که از بزرگان، عرفا و صوفیان در دوره صفوی است، عبدالقاهر جرجانی که پدر علم نحو عربی است؛ با اینکه او یک استرآبادی است اما اولین کتاب نحو عربی را جمع‌آوری کرده که این کتاب هزار سال در مدارس قدیمی تدریس می‌شده و هنوز هم طلبه‌هایی که به طور اختصاصی روی نحو کار می‌کنند یکی از مستندات‌شان همین کتاب نحو عبدالقاهر جرجانی است. دیگری ابوسلیک گرگانی موسیقی شناس بزرگی که پرده «بوسلیک» او جزو پرده‌های موسیقی ملی تاجیکستان است و...

معیار و ملاک شما برای انتخاب این ۴۰۰۰ نفر چه بود؟

استرآبادی و گرگانی بودن و داشتن تألیف که البته عده‌ای از آنها کتاب‌هایشان مفقود شده ولی در کتب رجال‌نویسی به کتاب‌هایشان اشاره شده و نهایتاً هر کسی که در عرصه علم و ادب معروف بوده است.

هیچکدام از این چهره‌ها شهرت جهانی هم دارند؟

محمد شریف جرجانی در آسیا در زمینه فلسفه، منطق و علم کلام مطرح است، میرفندرسکی و تعدادی دیگر.

اکثر آثار شما به گرگان پرداخته‌اند. چطور به تاریخ سایر نقاط ایران نپرداخته‌اید؟

اتفاقاً چنین کاری را انجام داده‌ام و کتابی را تحت عنوان تاریخ چهار هزار ساله ایران برای اولین بار تألیف نموده‌ام.

سوژه‌های جدید زیادی را می‌توان یافت که در مورد آنها کاری نشده باشد؛ مثلاً تاریخ تدریس در ایران، تاریخ خط در ایران یا هر تاریخ دیگری. آیا همه این موضوعات قابلیت پژوهش و تحقیق را دارند تا نهایتاً تبدیل به کتابی شوند؟

پاسخ شما در سؤال منطقی شما مطرح شده و به اعتقاد من بله همین طور است. هر سوژه‌ای می‌تواند فرصت مناسبی برای پژوهش و تحقیق باشد چرا که حتماً چیزی برای گفتن خواهد داشت. به همین دلیل من در حال پژوهش و تحقیق در مورد سنگ مزارهای این منطقه هستم؛ کاری که تا به حال انجام نشده است. در منطقه گرگان تاریخی سنگ مزارهای زیادی داشته‌ایم که در ۳۰ سال اخیر خیلی از آنها از بین رفته‌اند و من قبل از تخریب باقی آنها شروع به عکسبرداری و یادداشت‌برداری کردم.

به نظر کار جالبی می‌آید اما همین کار به چه نیازی پاسخ می‌دهد؟

ببینید، این کار به نوعی حفظ تاریخ و فرهنگ این منطقه است. به عنوان مثال در همین منطقه سنگ قبرهایی هست که روی آنها گودی کوچکی وجود دارد که آب باران را برای مصرف پرندگان تا یک هفته در خودش نگاه می‌دارد و این باور وجود داشته که ثواب آن به مرده می‌رسد. خوب، جمع‌آوری این باورها و فرهنگ‌ها یعنی حفظ تاریخ گذشته.

حفظ تاریخ گذشته برای همه مردم جالب توجه نیست و به نظر می‌رسد که فقط برای کسانی چون شما که تاریخ‌شناس، باستان‌شناس و نویسنده هستید مهم است. در این مورد چه باید کرد؟

حیات اجتماعی تمام اقوام و ملل دنیا و اصولاً فرهنگ و تمدن هر قوم و ملتی ریشه در گذشته، ساقه در حال و میوه در آینده دارد.

اگر بخواهیم احساس احراز هویت داشته باشیم می‌بایست به عناصر فرهنگی و تمدن در گذشته توجه داشته باشیم. البته خشک بودن مسائل تاریخی و با توجه به فرهنگ غالب عدم مطالعه و نیز مسائلی چون گرانی کتاب و مشکلات دیگر نیز در این مقوله مؤثر است.

منتشر شد

دانش‌آموز سال‌های دور

مریم جباری

گفت‌وگو با احمد عاشورپور

می‌خوانم؛ کتاب و آواز

دانش آموز سال های دور این هفته ما، شاخص‌ترین چهره موسیقی آوازی و ترانه‌سرایی در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ و ۴۰ است. احمد عاشورپور که صدای دلنشینش هنوز در گوش مادران و پدران و البته مادربزرگ‌ها و پدربزرگ‌های ما طنین‌انداز می‌شود. در این سن و سال هم (بالای ۹۰ سال) پرانرژی، شاداب و سرزنده است و فرصت‌ها را خوب می‌شناسد و به خوبی از آنها استفاده می‌کند. وی از دوران دانش‌آموزیش و زمانی که در قهوه‌خانه‌ها، پای سخنان نقالان و شاهنامه‌خوانان می‌نشست، برایمان گفت. گفت‌وگو را بخوانید.

در یک خانواده دهقانی متولد شدم، پدرم مردی فعال و اهل کسب و کار بود، سواد خواندن و نوشتن داشت. فرزند اول خانواده هستم، شناسنامه من را در دوران سلطنت رضاشاه و در سال ۱۲۹۹ گرفتند. در حالی که پدربزرگم در حاشیه قرآن سال تولدم را ۱۸ بهمن سال ۱۲۹۶ (۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶) نوشته بودند.

آقای عاشورپور! قبل از ورود به دبستان به مکتبخانه رفتید؟

بله، حدود ۲ سال و نیم به مکتب‌خانه رفتم. یادم می‌آید که در بدو امر حدود یک سال در مکتبی که ملاخانم به ما درس می‌داد و پس از یک سال نزد میرزادی طالقانی رفتم. ملا ولی که به او آقامیرزا می‌گفتیم و اهل طالقان بود، به‌ناحق بچه‌ها را کتک می‌زد. یادم است یک بار من از دست او کتک خوردم، آن هم وقتی در حال نماز خواندن و در حال سجده بودم. بعضی از بچه‌ها سر نماز شیطنت می‌کردند و می‌خندیدند. آقامیرزا فکر کرد که من از جمله آنها هستم در حالی که در سجده بودم با ترکه‌ای که به دست داشت به پشتم زد، آنچنان محکم زد که پشتم آتش گرفت! به خانه رفتم و شکایت ملا ولی را به پدر و مادرم کردم. آنها تعجب کردند که چرا ملا ولی با من چنین رفتاری کرد. چون مادر بزرگم تلاش زیادی در تربیت من کرده بود و من واقعاً اعتقادات محکمی داشتم. قرآن را به‌خوبی می‌خواندم و حتی در ماههای رمضان برای درگذشتگان خانواده ختم قرآن می‌گرفتم. به همین علت این نوع تنبیه برای پدر و مادرم، مخصوصاً مادربزرگم تعجب‌آور بود. من پایم را در یک کفش کردم و گفتم دیگر به مکتب نمی‌روم. پدرم بنابر اصرار من، مرا به مدرسه برد. همیشه عاشق مدرسه بودم مخصوصاً وقتی می‌دیدم که بچه‌ها در زنگ تفریح چقدر بالرزی هستند، و از همه مهمتر در مدرسه دیگر نیازی نبود که دو زانو جلوی معلم بنشینی و کتاب بخوانی. روی صندلی و پشت میز نشستم و به درس گوش دادن خیلی صفا داشت.

اسم مدرسه‌تان را به یاد دارید؟

بله، دبستان سنائی که مدیر مدرسه‌اش، آقای مینویی، از من امتحانی گرفت تا ببیند چقدر سواد دارم. در مکتب خانه، هم کتاب فارسی و دیوان مثنوی را خواندم ولی از حساب و ریاضی خبری نبود. به همین دلیل هر چه که مدیر از املا و خواندن و فارسی از من می‌پرسید جواب می‌دادم، ولی در درس ریاضی ضعیف بودم، آقای مینویی رو به پدرم کرد و گفت: پسرتان خوب می‌نویسد ولی حیف خوب حساب نمی‌داند و الا جایش در کلاس سوم ابتدایی بود. اما چون از ریاضی چیزی نمی‌داند باید به کلاس دوم برود. عیب آن مدرسه، سه کلاسه بودنش بود، یعنی فقط کلاس اول و دوم و سوم داشت. من بعد از اتمام کلاس سوم برای ادامه تحصیل به مدرسه شوروی‌ها که در کنار ساحل قازیان بود می‌رفتم، کلاس چهارم و پنجم ابتدایی را آنجا گذراندم، ولی کلاس ششم نداشت. در آن زمان روابط رضاشاه با شوروی‌ها تیره شد و در نتیجه رفتن به مدرسه شوروی‌ها ممنوع شده بود. از این رو من برای خواندن کلاس ششم به دبیرستان سعدی رفتم. اما با چه مشقتی! هر روز می‌بایست سوار قایق می‌شدم و از قازیان که محل زندگی ما بود به انزلی می‌رفتم. از قایق که پیاده می‌شدم، فقط تا مدرسه یک کیلومتر پیاده راه بود.

وضعیت درسی شما چطور بود؟

کلاس دوم ابتدایی شاگرد اول بودم، ولی چون در درس ریاضی (حساب) ضعیف بودم تا کلاس ششم شاگرد دوم بودم، کلاس هفتم، به خاطر عدم دسترسی به کتاب درسی مقداری افت کردم. چون کتاب‌های درسی را از تهران می‌آوردند و دیر به دست من می‌رسید. در نتیجه در آن سال تحصیلی به همه کتاب‌های درسی دسترسی نداشتم و تا اخذ دیپلم شاگرد سوم بودم.

شما در بین صحبت‌هایتان اشاره کردید که در مکتبخانه نزد آقامیرزا مثنوی می‌خواندید.

بله.

از وقتی یادم است همیشه فعال بودم و هیچ وقت وقتم را تلف نکردم

از نظر محتوا، آن هم در آن سن و سال، درک مثنوی برای شما دشوار نبود؟

خوب آقامیرزا بود و هر چه می‌گفت می‌بایستی گوش می‌کردیم، شاید باور نکنید خواندن مثنوی در آن زمان که شاید من فقط حدود ۱۱ سال داشتم تأثیر زیادی در شناخت وزن و قافیه و در نتیجه اثر فراوانی در ترانه‌سازی من در دوران بزرگسالی گذاشت. من مثنوی را می‌خواندم، آقامیرزا اشتباههای من را در حین خواندن تصحیح می‌کرد. یاد دارم روزی پدری با فرزندش آمده بود نزد میرزا تا اسم او را در مکتبخانه بنویسد. میرزا برای اینکه نشان دهد، ملای خوبی است و خیلی خوب به بچه‌ها آموزش می‌دهد، مرا صدا زد و گفت: عاشورپور بیا اینجا. مثنوی را به من داد تا بخوانم، من هم خواندم، پدر آن پسر، متعجب به مانگاه می‌کرد و آقامیرزا سرش را به نشان تحسین تکان می‌داد و در نتیجه پدر آن پسر، آن روز از میرزا تشکر کرد و نام فرزندش را در مکتب خانه نوشت.

از چه زمانی متوجه استعداد و ذوق موسیقی خود شدید؟

کلاس پنجم متوسطه بودم که صدای یکی از خوانندگان رادیویی آن زمان (روح‌انگیز) را شنیدم و به‌شدت تحت تأثیر قرار گرفتم و آن ترانه را در خلوت خود خواندم، تا اینکه نزدیکی از دوستانم به نام آقای «نبی‌جو» که ویولون نواز بود خواندم و ایشان به من گفتند احمد صدای خوبی داری و مجدداً برای همه همکلاسی‌هایم نیز خواندم، و تصور می‌کنم تشویق‌های دوستم و همکلاسی‌هایم بسیار تأثیرگذار بود. از آن روز به‌صورت جدی آواز و موسیقی را پیگیر شدم. یادم می‌آید کلاس ششم عضو تیم فوتبال بودم. برای بازی از انزلی به رشت می‌رفتیم همراه دوستانم وارد یک چلوکبابی شدم. روی یکی از صندلی‌ها مردی به نام سروان نوشی نشسته بود و برای دوستانش ترانه‌های عامیانه گیلان را زمزمه می‌کرد. من نزدیکترین صندلی به او را برای نشستن انتخاب کردم.

فرصت را مغتنم شمردم و آهنگ و شعر را در ذهنم ثبت کردم. البته بخشی از شعر را که از یاد رفته بود به خاطر ذوق ترانه‌سرایی خودم ساختم، درواقع آن ترانه اولین ترانه عامیانه فولکلور گیلانی بود. روی آهنگ‌های فرنگی -تانگو- والس، رومبا و... ترانه می‌ساختم. وقتی دانشجوی دانشگاه کشاورزی کرج بودم، مهره اصلی جشنواره‌ها بودم و در بین دانشجویان، گیلانی‌ها هم بودند ولی وقتی من گیلکی می‌خواندم، برای آنها چندان خوشایند نبود. اما پس از اتمام مورد تشویق و تحسین حضار قرار می‌گرفتم. البته کم‌کم به گیلک بودن خودشان افتخار می‌کردند سال ۱۳۲۲ که از دانشکده فارغ‌التحصیل شدم، شخصی به نام جمشید کشاورز که موزیسین و ویولون نواز بود، نامه‌ای برای من نوشت که آن را به استاد صبا بدهم، استاد صبا از من تست گرفتند و دیدند که من استعداد موسیقی و صدای خوبی دارم و به این ترتیب وارد رادیو شدم.

بیشتر اشعار چه شاعرانی را می‌خواندید؟

شاهنامه فردوسی و اشعار احسان طبری.

در دوره دانش‌آموزیتان شعر می‌گفتید؟

گه‌گاهی ولی بیشتر جنبه تفننی داشت.

بیشتر آثار چه نویسندگانی را مطالعه می‌کردید؟

اصولاً من زیاد کتاب می‌خواندم، آثار نویسندگان خارجی چون ویکتور هوگو و... را می‌خواندم.

نویسندگان ایرانی؟

(می‌خندد، می‌گوید) توقع نداشته باشید که بعد از گذشت سال‌ها به یاد داشته باشم.

در حال حاضر چه کتابی می‌خوانید؟

«چرا درمانده‌ایم» اثر حسن نراقی، و همین طور مجلات مختلف از جمله مجله چیستا.

کتاب «ماجرای نوخاچفسکی» را که جنبه سیاسی داشت هم خواندم.

و سخن آخر؟

اما از وقتی یادم است همیشه فعال بودم و هیچ‌وقت وقتم را تلف نکردم. از دوره دانش‌آموزی گرفته تا مدرسه بسیار درس‌خوان و فعال بودم و بعد در دوره‌ای به موسیقی و آواز گرایش پیدا کردم تا الان که هنوز هم دست از فعالیت برنمی‌دارم، کتاب و آواز می‌خوانم.

یادداشت

سروش روحبخش

درباره کتاب پروست چگونه می‌تواند زندگی شما را دگرگون کند نوشته آلن دوباتن

کلوچه‌های آقای پروست

مرد بیمار با نوشتن رمانی ۸ جلدی و شرح لحظه لحظه تجربه زنده بودن، انتقام خود را از زندگی گرفت.

مارسل پروست رنج، یأس، انفعال و بیماری را به تجربه‌ای زیبایی شناختی بدل ساخت و آلن دوباتن به ما نشان می‌دهد که چطور خواندن «در جست‌وجوی زمان از دست رفته» می‌تواند زندگی‌مان را دگرگون کند. دوباتن با بهانه قراردادن اثر سترگ پروست قصد دارد از ادبیات دفاع جانانه‌ای کند. مخاطبان این دفاعیه تنها کسانی که همواره بدبینانه و مردد به حضور ادبیات نگریسته‌اند، نیستند.

او حتی در برابر آن دسته از طرفداران ادبیات که به کشف «پیام‌های آموزنده» در قصه‌ها دلخوشند، می‌ایستد. و از این رو «در جست‌وجو...» را برای تحشیه برمی‌گزیند که ادبیات محض است. در این رمان، «قصه» نقش جدی ندارد. و با نمایشنامه یا فیلمنامه دارای هیچ منطقه مشترکی نیست. ادبیات به ما یادآوری می‌کند که هیچ چیز پیش پا افتاده نیست. «آگهی یک صابون می‌تواند نقطه آغازی برای تفکر باشد. تفکری که در نهایت می‌تواند به همان عمق و گسترشی بینجامد که در تأملات (پاسکال) بیان شده است. چنانچه ما بیشتر در مورد صابون آرایشی افکار عمیقی نداشته‌ایم، علتش می‌تواند ناشی از این عادت معمولی باشد که ندانیم در کجا باید چنین افکاری داشته باشیم.»

و اینکه بدانیم قالب، جوهر خود را تعیین می‌کند، ما زاده جهان استعاره‌ایم و منش و سلوک و درک ما از زندگی ارتباط مستقیمی با توصیفات ما از جهان دارد.

تا زمانی که فکر کنیم باران «سیل آسا» می‌بارد، تمامی راههای شگفت زدگی در برابر باران بهاری را بر خود بسته‌ایم و آن وقت است که به جای درک لذت برخورد رطوبت قطره‌ها با پوست تنمان، با زیبایی انفجار هنری قطره‌هایی که به چاله‌های آب می‌بارند، این باران فقط «سیل آسا» خواهد بارید... فقط.

«کلیشه‌ها از این نظر زیان بخشند که به ما القامی کنند با آنکه تنها به سطح مسائل نظر می‌افکنند، دقیق‌ترین توصیف از موقعیتند.»

زمانی که دوباتن درباره نقاشی صحبت می‌کند آرام آرام احساس می‌کنیم منظور او تنها ادبیات هم نیست و شاید عنوان کتابش می‌توانست چنین باشد: هنر، چگونه می‌تواند زندگی شما را دگرگون سازد؟

او توضیح می‌دهد که اغلب ما تنبل‌تر از آنیم که دور و برمان را درست ببینیم. ما به تماس دیداری با محیطمان اکتفا می‌کنیم و از این روست که تصاویری که با آنها احاطه شده‌ایم اغلب به نظرمان کهنه می‌رسد. در حالی که بد نیست بیاموزیم: «نباید گرده نان روی میز کناری را، از درک زیبایی‌مان حذف کنیم.»

دوباتن حتی از هنر هم می‌گذرد: بیماری و ناخوشی به ما امکان می‌دهد درگیر تجربه تازه‌ای از زندگی شویم، می‌توان اندوه را به تفکر بدل ساخت و از امکاناتی که «رنج» برای هوشمندی و کنجکاوی خلاق فراهم می‌آورد استفاده کرد.

در پایان کتاب توضیح می‌دهد که چگونه امکان دارد مطالعه هم حتی باعث گمراهی شود اگر گمان کنیم کتاب «همچون عسلی است که دیگران برایمان تدارک دیده‌اند و کافی‌ست ما دستمان را دراز کنیم و آن را از طبقه کتابخانه برداریم و با خیال آسوده و آرامش و مفعولانه امتحانش کنیم.»

یعنی در کمال تأسف این احتمال همیشه وجود دارد که خواننده «در جست‌وجوی زمان از دست رفته» در پایان کتاب، سراغ کلوچه مورد علاقه یا محل زندگی پروست را بگیرد، بی آنکه از خود سؤالی را بپرسد که مستحق پاسخ است: تجربه زنده بودن، چطور می‌تواند زندگی ما را دگرگون کند؟

یادداشت

مجید آل‌ابراهیم

جشنواره‌ای که باید رشد کند

برگزاری جشنواره نرم افزارهای آموزشی رشد سؤالات زیادی را برای ناظران به‌وجود آورد. ناظرانی که با دیدگاههای مختلف، نظرات متفاوتی را مطرح کردند. عده‌ای آن را بسیار مفید ارزیابی کردند و عده دیگر برگزاری‌اش را برای کشوری همانند ما، بسیار زود.

استقبال کم مردم و رسانه‌ها را هم عده‌ای به کم اهمیت بودن و عده‌ای هم به نامناسب بودن زمان برگزاری تعبیر کردند. ولی چیزی که در این میان کمتر به آن توجه شد کیفیت و اصالت آثار تولیدی بود و به نظر می‌رسید که در انتخاب و عرضه محصولات ، چه از سوی ناشران و چه برگزارکنندگان، دقت چندانی نشده است.

با توجه به اعتبار و تجربه برگزارکنندگان و همچنین اهداف برپایی چنین جشنواره‌ای، اشتباههای کوچک هم تأثیر خیلی بدی از خود به جا می‌گذارند، چه رسد به اشتباه در انتخاب آثار عرضه شده.

شاید بهتر باشد بحث خود را از جنبه‌ای دیگر پی بگیریم و بعد باز به نمایشگاه و جشنواره رشد برگردیم.

زمانی تولید نرم‌افزارهای آموزشی برای کامپیوتر چیزی جز رؤیا نبود و حتی نوشتن برنامه‌ای ساده برای یک کامپیوتر کار متخصصان و اساتیدی بود که فقط در پژوهشکده‌های بزرگ کشورهای صنعتی یافت می‌شدند. از سوی دیگر کامپیوترها هم آن توانایی را نداشتند که بتوانند از پس چنین کارهایی برآیند به عنوان مثال یک کاسب می‌توانست با چرتکه‌اش با یک کامپیوتر مسابقه بدهد و از آن سربلند بیرون آید.

کامپیوترها پیشرفت کردند و کار کردن با آنها بسیار ساده شد. حالا هر کسی می‌تواند به جای اینکه خود را درگیر مسائل فنی پیچیده کند آن چیزی را که دوست دارد خلق کند. با افزایش قدرت محاسباتی کامپیوترها، تنوع کاربرد آنها نیز افزایش یافت. کم کم بجز مهندسان و دانشمندان اقشار دیگری هم به کامپیوتر روی آوردند. یکی از این گروه‌ها هنرمندان و هنرپیشگان بودند که وسیله‌ای قدرتمند برای تبدیل رؤیاهای خود به واقعیت یافته بودند. انقلاب شبکه‌های کامپیوتری و اینترنت هم در کنار این پیشرفت باعث شد تا تولیدات این گروه از کاربران کامپیوتر به‌طور گسترده و بسیار ارزان در تمام دنیا پخش شود و منبعی برای الگو گرفتن بقیه هنرمندان و هنردوستان شود.

تحولات بزرگی در دنیای فناوری اطلاعات باعث شده است که تنها مانع خلق آثار خوب فقط توانایی خالق باشد. اگر او دانش و ذوق داشته باشد و مسائل مربوط به حوزه کاری اثری که می‌خواهد خلق کند، بشناسد؛ اثرش قابل توجه و در غیر این صورت غیر قابل استفاده است.

نشر الکترونیک هم از این قاعده مستثنی نیست و شاید بتوان ادعا کرد که پیچیده‌تر هم هست، چون هم دانش یک متخصص مجرب کامپیوتر را طلب می‌کند. هم هنر یک طراح و گرافیست خوب و هم استعداد و ذوق نویسنده را. در حالت عادی پیدا کردن فردی که در تمام این فنون سرآمد باشد تقریباً غیرممکن است و به همین دلیل یک گروه با هم باید این کار را به سرانجام برسانند.

ماحصل کار آنها اثری شود که بتوان آن را یک پدیده در نشر الکترونیک یا حداقل اثری قابل توجه نامید. بعد از تولید این اثر است که قانون باید به حمایت از پدیدآورندگان برخیزد و با برخورد با سودجویان جلو هر سوء استفاده‌ای را بگیرد چه در غیر این صورت باید فاتحه تولید آثار فرهنگی را خواند.

حمایت‌های قانون موجب می‌شود که ناشر با ترس کمتری در توسعه کار سرمایه‌گذاری کند و بداند که اگر در بازار موفق نبوده است دلیلش کیفیت اثر تولیدی است نه کمی آن از سوی رقیبان. اگر بپذیریم که هم کامپیوتر و نرم‌افزار آن در کشور به وفور پیدا می‌شوند و هم هنرمند و متخصص، پس کیفیت ناچیز و حتی بد آثار تولیدی داخل را باید در همان عدم اطمینان ناشر از برگشت سرمایه‌اش جست‌وجو کرد که به راستی دغدغه بزرگی هم هست.

این ضعف نبود یا کمبود قوانین حمایتی را می‌توان با برگزاری جشنواره‌ها و ایجاد یک بازار مستقیم تولید و عرضه جبران کرد و آنها را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که در یک بازه زمانی کوتاه یا میان مدت به عاملی بزرگتر در توسعه صنعت نشر الکترونیک تبدیل شوند.

مسؤولان برگزاری این جشنواره‌ها نیز باید به این نکته توجه داشته باشند که متولی ترویج چیزی هستند که هنوز تعریف دقیق و روشنی از آن وجود ندارد و پدیدآورندگان و ناشران هم تجربه‌ای در آن زمینه ندارند.

عنوان کردن طرح‌هایی که ضمانتی بر اجرای آن موجود نیست و تشخیص تخلف از آن کار بسیار مشکلی است که نه تنها به توسعه این صنعت و افزایش کیفی محصولات داخلی نمی‌انجامد بلکه دیگر ناشران را هم به تقلب یا تخلف‌های هوشمندانه تشویق می‌کند.

اگر قرار بر این است که اثری از بین چندین اثر ارزیابی شود و به آن جایزه‌ای تعلق گیرد داور نیز همانند ناشر باید یک گروه مجهز داشته باشد که کمترین آن یک طراح و یک متخصص کامپیوتر در کنار هم است و گرنه دیگر کسی به این داوری اعتقاد نخواهد داشت و همه به عاملان برگزاری جشنواره فقط به چشم یک خریدار پولدار نگاه می‌کنند که باید به هر روشی که شده او را سرکیسه کرد.

به‌عنوان مثال شاید بهتر بود در جشنواره امسال به‌جای شرط اصیل بودن و کپی نبودن اثر، شرط کیفیت «بومی‌سازی» مطرح می‌شد که هم درک آن ساده‌تر بود و هم باعث می‌شد تا دیگر شرکت‌کنندگان هم با تلاش در این راه از فای خودبه‌خود نرم‌افزارها را در سال‌های آینده تضمین کنند.

شاید منظور مسؤولان نمایشگاه این بوده که اثر تولیدی با نیازهای جامعه کنونی همخوانی داشته باشد و گرنه ترجمه یک اثر خوب و تبدیل آن به نرم‌افزاری فارسی کار بدی نیست، همانطور که ترجمه یک کتاب خوب کار بدی نیست و گناهی حتی لازم است که این کار انجام شود تا الگویی باشد برای تولیدی ملی و خوب.

اینکه حضور نرم‌افزارهای کپی شده را ممنوع کنیم و بعد توانایی تشخیص کپی را از تولید نداشته باشیم و در نهایت چیزی را که از اول شرط کرده بودیم خود زیر پا بگذاریم و حتی آن را برگزیده بنامیم و به آن جایزه بدهیم، تنها نتیجه‌اش افت کیفی محصولات تولیدی در آینده خواهد بود و به دنبال آن از اعتبار افتادن چنین جشنواره‌هایی.

گفت‌وگو

مهسی خیری

گفت‌وگو با امیرحسن سلام‌زاده مسؤول بخش تولیدات رایانه‌ای مرکز سرگرمی‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

نشر الکترونیک

سومین جشنواره نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای رشد از ۲۷ اردیبهشت تا ۲ خرداد ماه در مرکز آفرینش‌های فرهنگی و هنری کانون برپا شد. جشنواره در بیانیه پایانی خود ۲ نرم‌افزار از تولیدات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به نام‌های «کارگاه فیزیک» و «ماهی رنگین‌کمان و آبگیر شگفت‌انگیز» را به عنوان ۲ اثر برتر این جشنواره معرفی کردند. «کارگاه فیزیک» به دلیل بهره‌گیری از شیوه تعاملی مناسب شایسته دریافت کتاب زرین و دیپلم افتخار بخش نرم‌افزارهای کمک معلم این جشنواره شناخته شد. در این نرم‌افزار، کاربر می‌تواند با انجام حداقل ۳ آزمایش اطلاعات مفیدی را پیرامون جاذبه، مایعات، هوا، الکتریسیته، صدا، آهن‌ربا و موضوع‌های دیگر علمی به‌دست آورد. همچنین در بخش نرم‌افزارهای بازی و سرگرمی‌های علمی، آموزشی و تربیتی کتاب سیمین و لوح افتخار این جشنواره به نرم‌افزار «ماهی رنگین‌کمان و آبگیر شگفت‌انگیز» به دلیل کیفیت سناریو، تعامل در انیمیشن و تصویرسازی قابل توجه تعلق گرفت. امیرحسن سلام‌زاده یکی از کارشناسان مرکز سرگرمی‌های سازنده کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است که مسؤولیت بخش تولیدات رایانه‌ای را بر عهده دارد. در گفت‌وگویی که با ایشان انجام داده‌ایم، با این قسمت فعالیت‌های کانون بیشتر آشنا می‌شویم.

بخش تولیدات رایانه‌ای کانون از چه زمانی فعالیتش را آغاز کرده و چه کارهایی را انجام داده؟

مرکز سرگرمی‌های سازنده کانون در سال ۶۱ با هدف طراحی و تولید اسباب‌بازی‌های فکری برای کودکان و نوجوانان تأسیس شد. این مرکز در سال ۷۵ برای اولین بار نرم‌افزاری به نام «سفر به منظومه شمسی» را روی فلاپی دیسک تولید کرد. سپس در سال ۷۹، کاوش در آسمان در قالب CD طراحی و تولید شد. پس از آن اهمیت تولید نرم‌افزار به قدری بالا رفت که در سال ۷۹ تصمیم گرفته شد واحد مجزایی به اسم واحد تولیدات رایانه‌ای در زیر مجموعه مرکز سرگرمی‌ها شروع به کار کند که عملاً این واحد در اواخر سال ۸۰ تأسیس شد و تا به امروز ۲۱ عنوان محصول تولید کرده است، از جمله کتاب دیسک‌ها که یک کتاب است به همراه فلاپی که کارگاهی است برای تمرین موارد کتاب. مجموعه CDهایی هم که اخیراً تولید شده‌اند به ۱۵ عنوان رسیده که آخرین آنها کارگاه صداگذاری نام دارد.

نیازسنجی برای تولید را به چه نحوی انجام می‌دهید؟

حرکت‌های اولیه ما بر اساس پیدا کردن نمونه‌های مناسب بود یعنی آن چیزی را که به ذهنمان رسید به عنوان تست‌های اولیه، کار کردیم. ولی از سال ۷۹ به بعد بر اساس اهداف تعریف شده کانون نمودارهایی را ترسیم کردیم و زمینه‌هایی را که می‌شود روی خلاقیت کودکان تأثیر گذاشت، انتخاب کردیم. در نهایت

مرکز سرگرمی‌های سازنده کانون در سال ۷۵ برای اولین بار نرم‌افزاری به نام «سفر به منظومه شمسی» را روی فلاپی دیسک تولید کرد

با بررسی این نمودارها مشخص می‌شود که برای چه گروه سنی چه نوع نرم‌افزاری در بازار ایران تولید شده است.

به هر حال این ستون‌ها خالی و پر هستند. ما جاهای خالی را انتخاب می‌کنیم و بر اساس توانایی مالی یک پروژه برای آن تعریف می‌کنیم. گاهی اوقات هم به ما پیشنهادهایی می‌شود که روی آنها کارشناسی اولیه صورت می‌گیرد اگر با جدول معیارهای کانون مطابقت داشت کارشناسی اولیه جواب مثبت می‌دهد و نیز برای رأی‌گیری به شورای تولیدات رایانه‌ای می‌رود در صورت نظر موافق شورا به عنوان یک پروژه در دست تولید قرار می‌گیرد.

تا چه حدی سعی می‌کنید فرهنگ جامعه خودمان را در تولیداتتان وارد کنید؟

یکی از دغدغه‌های همیشگی ما مطابقت محصولات با آداب و رسوم و فرهنگ ماست.

کشور ما در تولید کتاب سابقه طولانی دارد و در کتاب هم به‌راحتی می‌شود فرهنگ خودمان را وارد کنیم ولی رایانه و نرم‌افزار به طور کامل پایه و اساس غربی دارند و ما هیچ زمینه‌ای در شکل کار نداشته‌ایم. ابزار و امکاناتی هم که ما داریم باز همه غربی است (افکت‌های صوتی، تیزرها، زبان‌های برنامه‌نویسی) با این حال همه تلاش ما این است که تا جایی که ممکن است این فضا را ایرانی‌تر کنیم ولی در مورد نرم‌افزار به اندازه کتاب نمی‌توان گفت که مطابقت فرهنگی دارد یا خیر.

در ضمن کارهای دربله هم انجام داده‌ایم یعنی کارهایی را خریداری و ترجمه کرده‌ایم مثل برنامه کاوش در آسمان که از شرکت مریس خریداری شد و تا جایی که امکان داشت آن را فارسی کردیم اما باید قبول کنیم که ما در زمینه کودک و نوجوان و تمام چیزهایی که در این زمینه قرار می‌گیرد مبتدی هستیم و در اصل مشکل اصلی کار را نمی‌دانیم افرادی هم که محدودند و کارهای کانون هم یک نوع دست‌گرمی محسوب می‌شوند.

در مورد کارگاه فیزیک، چه اصراری دارید که وسایل آموزشی را در قالب نرم‌افزار تهیه کنید؟

حرکت و مهارت چیزی است که بچه‌ها باید با ابزارهای واقعی با آنها برخورد کنند. بعضی مهارت‌ها به‌راحتی در فضای عادی قابل تجربه هستند. ولی در بعضی محدوده‌ها امکان آن را نداریم که یک سری ابزار را در اختیار کودکانمان قرار بدهیم و ما با تولید این نرم‌افزارها می‌خواهیم نقشمان را به شبیه‌سازها نزدیک کنیم مانند یک شرکتی که می‌خواهد به عده‌ای آموزش خلبانی بدهد برایشان امکان ندارد که همه را ببرند در هواپیمای واقعی چه به لحاظ بودجه و چه صرفه اقتصادی ولی به جای آن از شبیه‌سازها استفاده می‌کنند.

در حقیقت شبیه‌سازها کارگاههایی مجازی را در اختیار کودکان و نوجوانان قرار می‌دهند و در نهایت به‌وسیله آنها توانایی و خلاقیت کودک بارور می‌شود.

به چه صورت می‌توان تولید نرم‌افزارهای آموزشی و استفاده از آنها را در کشورمان در مسیر صحیح قرار دهیم؟

چند سالی است که بازی‌های استراتژیک که از جمله تولیدات خارجی هستند، دارند جایگزین بازی‌های معمولی می‌شوند.

این بازی‌ها که روی توانایی برنامه‌ریزی کودکان کار می‌کنند رفته رفته دارند گرایش‌های خاصی را به خودشان می‌گیرند به این صورت که کودک باید خود را در نقش شهردار یک شهر بگذارد. شهر را اداره کند منابع مالی را کسب کند تا بتواند توانایی‌های خود را گسترش دهد و سرزمین اشغال کند.

حال بعضی از انواع این بازی‌ها در راستای اهداف نظم نوین آمریکا قرار گرفته‌اند. به این صورت که کاربر را در آستانه یک انتخاب قرار می‌دهد که طرف آمریکا باشد یا چین یا تروریست‌ها.

اگر طرف تروریست بروید با توانایی و تکنولوژی محدود باید با یک ابرقدرت درگیر شوید. در حقیقت آنها سعی می‌کنند بعضی تعاریف را به خورد کودکان ما بدهند تا جایی که اغلب کودکان ترجیح می‌دهند در قالب ارتش آمریکا بازی کنند یا یک شهروند چینی باشند. در اصل نوع نمایش گروههای دیگر به صورتی است که دیگر کودک تمایل ندارد در قالب هم کیشان خود قرار گیرد.

برای مقابله با این محصولات کاملاً هدف‌دار ما نیز باید بتوانیم و در این فضا شویم و محصولاتی مطابق با فرهنگ کشورمان را تولید کنیم. کانون در حد خودش این فعالیت را شروع کرده و از همه سازمان‌ها و ارگان‌های مدعی فرهنگ کشور یاری می‌طلبد.

منتشر شد

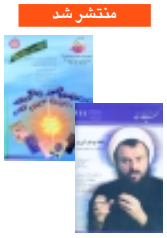

سهیل محمودی Sohail_mahmoudi@hotmail.com

این فضل خداوند است

فسردگی‌های ساز امکان، ترانه‌ام را عنان نگیرد
حدیث توفان نوای عشقم، خموشی از من زبان نگیرد
مولانا بیدل دهلوی

کتاب‌های کمک درسی، معمولاً ما را به اشتباه می‌اندازند. آنها را فعلاً نادیده بگیریم. از هر نوعش. کامپیوتری، فنی، پزشکی، ریاضی و... هم در گزارش کار انتشاراتی‌ها. هم در گزارش‌های رسمی چاپ و نشر کتاب. هم در میزان خرید کتاب از نمایشگاه. و هم در شلوغی مقابل غرفه‌ها در نمایشگاه.

اما، کتاب‌های پرفروش دیگر. گاهی یک تب است. و گاه، بیشتر از یک تب. یک سوء تفاهم، یک اشتباه.

قدری توضیح بدهم. چند سال پیش، در همین نمایشگاه کتاب، تعدادی جوان، هر روز مقابل یکی از غرفه‌ها، صف می‌کشیدند. و این صف -صف کتاب- آن هم کتاب غیر درسی و غیر کمک درسی از شگفتی‌هاست. اما معلوم بود که تب است. ترانه‌های پینک فلوید. ترجمه ترانه‌های یک گروه معروف موسیقی راک در دهه‌های هفتاد میلادی به بعد. Floyd Pink. و چاپ‌های پی‌درپی. و صف جوان‌هایی علاقه‌مند به موسیقی که برای خریدن ترجمه‌ای به همراه متن مکتوب ترانه‌ها، بی‌قرار بودند.

و معلوم بود که این یک تب است. با همه ارزش‌هایی که کلام و موسیقی این گروه می‌تواند داشته باشد، باز این استقبال از متن مکتوب آنها، نامعمول بود. چرا که سال‌ها ممنوعیت و منع و جلوگیری، پس پشت این هیجان و استقبال است. و انسان هم که حریص است بر آنچه منعش می‌کنند. و بعد، چند صباحی رونقی داشت برخی ترجمه‌های دیگر از آثار گروه‌ها و دیگر خواننده‌های مطرح غربی. و این تب، زود فرو نشست. که ممنوعیت قبلی، جایش را به دست و دلبازی در ارائه اینگونه آثار داده بود. و فضای چاپ و نشر اینگونه آثار، عادی و آشنا و بدون محدودیت.

گروهی دیگر از استقبال‌ها، سوءتفاهم‌اند. مثل استقبال از موسیقی زرد، مطبوعات زرد، و رمان و شعر زرد. که به این یکی ادبیات عامه پسند می‌گوییم. که من فکر می‌کنم این توهینی است به عامه مردم. و دست کم گرفتن سطح توقع عامه‌ای است که صاحب فرهنگ است. و عمقی دارد منش و روش و حال و هوایش. همان ادبیات و رمان و شعر زرد برای نامگذاری بهتر است.

ایام کیا و بپای روزنامه جامعه یادتان هست؟ هر هفته ستونی داشت درباره کتاب‌های پرفروش. و نحوه آمارگیری‌اش هم برای من نامعلوم. اما می‌دیدی که فلان مجموعه شعر زرد یا فلان کتاب رمان زرد در ردیف اول پرفروش‌هاست. و دلایلش هم تا حدی معلوم. که پاسخ دادن به احساسات سطحی جامعه‌ای جوان، مهم‌ترین این دلایل است.

و عجیب است که نام چند زن نویسنده و یک دختر شاعر نابینا، مهمترین نام‌های این شکل از شعر و ادبیات محسوب می‌شوند. و البته، سوءاستفاده برخی از تهیه‌کنندگان تلویزیونی و تولیدکنندگان نوار صدای شاعر را نباید، نادیده گرفت. که اینها هر یک به دنبال موقعیت و منافع خویش‌اند. و ما را فعلاً در این یادداشت با آنها کاری نیست.

باید از گروه دیگری هم از پرفروش‌ها یاد کرد. که نه تب به حساب می‌آیند. و نه زردانند. که شرایط، به پرفروشی آنها کمک کرده است. این آثار در جای خود، دارای ارزش‌اند.

اما با شرایط به پرفروش بودن آنها کمک می‌کند؛

یا مبتنی بر شرایط، نوشته و چاپ می‌شوند.

نمونه اول، کتاب «نخبه کشی» است. یادتان می‌آید یا نه؟ کتاب که درآمد، مصادف شد با دستگیری کرباسچی، شهردار تهران در آن ایام. و فروش کتاب، بالا رفت. این کتاب، ارزش محققانه خاص خود را داشت. اما همین اتفاق سیاسی روز، حساسیت‌ها را افزایش داد. و چاپ‌های پی‌درپی این کتاب. [و حالا چی؟ از چاپ‌های تازه آن، خبری هست؟]

نمونه دوم، برخی از کتاب‌های سید ابراهیم نبوی. نوشته‌های نبوی مبتنی بر شرایط بود. و با دستمایه‌ای از ذوق و سیاست. و خلاقیت و موقعیت‌شناسی. و این استقبال در خور توجه قشر کتابخوان را در پی داشت. و البته باید به دور از تنش‌ها و کشش‌های سیاسی و مخالفت‌های حزبی و موافقت‌های گروهی، اینگونه آثار نبوی به نقد کشیده شود. خلاقیت و استعداد نبوی را نباید نادیده گرفت. ولی -مثلاً- سفرنامه حج او را برداریم و نگاهی بیندازیم. فصل‌های بسیاری از کتاب «سفر به خانه آزاد شده»، رونویسی کتاب‌هایی است که درباره مناسک حج و آثار و اماکن مدینه و مکه نوشته شده. کتاب‌هایی که اگر سری به کتابفروشی مشعر در سازمان حج و زیارت بزنی، انواع و اقسام آنها را خواهی دید. و هر یک حاصل تحقیقی و تلاشی و رونویسی آنها، چندان هنر مهمی به شمار نمی‌آید. و بعد، در برداشت‌های نبوی از مناسک و اعمال حج هم، رد پای بدون نشانی کتاب‌های حج شریعتی و جلال آل احمد و آیت‌الله طالقانی و دیگران را هم می‌بینی.

و اما، کتاب‌هایی با مخاطبانی برای همیشه. این آثار، هم جدی‌اند. و هم، همواره مخاطبانی جدی دارند. اگرچه گاه، بر حسب شرایط پرفروش‌اند. اما فروش و نشر متعارف و معمولی آنها هم، در دوره‌های گوناگون، روالی عادی دارد.

نمونه بعد هم، تعداد چاپ و نشر کتاب‌های نویسنده بزرگ همیشه، آنتون چخوف را در سه دهه اخیر، مقایسه کنید با فروش مقطعی دیگر هم وطنش ماکسیم گورکی. مثلاً فروش «مادر» ماکسیم گورکی، برآمده از تب جریان چپ در ایران بود. چپ هم با همه اقسام و انواع مارکسیستی‌اش در آن سال‌ها. از گورکی و ترجمه آثارش در ایران سال‌هاست که چندان خبری نیست. اما ترجمه دوره آثار چخوف که توس چاپ کرده، هنوز و تا همیشه، مخاطبان جدی خود را خواهد داشت. و کارهای همینگوی و فاکنر. اگرچه در دهه شصت شمسی که ماهواره و اینترنت و چی و چی در کار نبود، فروش افزونتری داشتند. و توجه به رمان و داستان، در آن دهه افزونتر بود. اما باز اینها رمان‌هایی‌اند برای همیشه. داستان‌هایی برای هماره. و باز مقایسه کنید مخاطبان جدی آثار منظوم و منثور شادروان ملک‌الشعرای بهار را، با کسانی از همدوره‌هایش مثل نسیم شمال و میرزاده عشقی و فرخی یزدی. تب سال‌های پنجاه و هفت تا شصت، شعر نسیم شمال و عشقی و فرخی را به فروشی در خور رساند. اما بهار، آثارش، مخاطبان جدی، و در خور توجه خودش را یکسره حفظ کرده. شنیده‌ام کتابی که نشر ثالث، درباره نسیم شمال در این چند ساله اخیر، منتشر کرده، کمترین فروش را داشته. اما همین ناشر اگر چنین اثری درباره بهار منتشر کند، حتماً فروش در خور و مخاطبان بسیاری خواهد داشت. و این به آن معناست که بهار شاعری است برای همیشه، و ارزش آثارش فراتر از هیجان‌های زودگذر سیاسی.

همه این یادداشت را تا اینجا به عنوان مقدمه بدانید. می‌خواهم ارادت خودم را نثار نویسنده‌ای جدی، پرمخاطب و صاحب درد و ارجمندی کنم، که در این بیست و پنج سال اخیر، همیشه آثارش حرفی برای گفتن داشته‌اند. و مخاطبانی جدی. و خوانندگانی پرسشگر و جوان و جویای حقیقت. کسی که هر سال خردادماه، یادآور پرواز روح بی‌قرار اوست به سمت ملکوت خداوند. زنده باد دکتر علی شریعتی.

تا به امروز، علی رغم بدگویی‌ها، طردها و انکارها، بی‌مهری‌ها و دشمنی‌ها، شریعتی نویسنده پرمخاطب چند نسل به حساب می‌آمده. و شگفتا که از سمت و سوهای متفاوتی و با نیت‌های متضادی، به نفی و انکار او کوشیده شده. اما جاتمایه حقیقت‌خواه، عدالت‌جو، ایمان مدار، صادق، و دردمندانه آثار شریعتی، فراتر از اینها، مخاطبان جدی خود را داشته است. دانش، خلاقیت، زبان و قلم هنرمندانه و ادبیانه و مؤثر شریعتی، برخلاف مخالفان چپ و راست، چراغ حق‌خواهی و ایمان‌جویی و دین‌طلبی را روشن نگاه داشته است.

آثار شریعتی، آرام و باوقار، سایه بر روح و جان چند نسل اهل خرد و اندیشه مدار این سه دهه افکنده. آن هم با آن همه انکار مصرانه قشرین مذهبی، اپوزسیون سیاسی و کسانی که با راهکارهای اجتماعی دین و تشیع مخالفند.

از چند جهت، همزمان انکار شدن، و این همه مخاطب جدی داشتن. این چیزی نیست جز آنکه بگوییم: ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء.

شاید در این باره، باز هم با هم سخن گفتیم.

یا علی مدد

رسانه‌ها

کودک و نوجوان

هفتاد و هفتمین شماره کتاب ماه کودک و نوجوان به همراه ویژه‌نامه هری پاتر منتشر شد.

گزارش نشست بررسی کتاب‌های انقلاب برای نوجوانان، گزارش‌هایی از کتاب سال کودک و نوجوان در فرهنگ و ارشاد اسلامی و نشریات سلام بچه‌ها و پویک، نقد و بررسی آثار تصویری راشین جبریه، مرتضی زاهدی و عطیه بزرگ سهرابی، زنان در ادبیات کودک چین، نگاهی به کودکانه‌های نیما یوشیج، نقد و بررسی «فرهنگ لغات مخفی» با حضور دکتر مهدی سمایی، معناشناسی سفر در ۳ اثر و... از جمله مطالب این شماره کتاب ماه کودک و نوجوان است.

پروین

سیزدهمین شماره ماهنامه ادبی پروین با بخش‌هایی همچون سرآغاز، درباره یک نویسنده، نامه‌های اهالی قلم، شعر و کتاب منتشر شد.

گفت‌وگو با مهدی غبرایی مترجم رمان خانه بر آب، نامه‌ای از جین کامپیون به تس گالاگر، معرفی یک نویسنده (دیانا ابوجابر نویسنده عرب-آمریکایی)، زندگی ماجراجویانه داستان‌نویسان، بیشگویی خلیل جبران درباره کتاب پیامبر، گفت‌وگو با نیکی جیووانی (شاعره سیاهپوست آمریکایی)، نامه‌هایی از نیما یوشیج برای شاعران جوان، نویسنده جوان ایرانی برنده جایزه دوم جشنواره موندانس و داستان‌های کوتاه «گل برای یگانه دوست من» و «ویولون» از جمله مطالب این شماره پروین است.

چهره‌ها و کتاب‌ها

اکبر بهداروند

اکبر بهداروند در اوایل خرداد ۱۳۲۹ در شهرستان اندیمشک به دنیا آمد. تحصیلاتش را در شهرهای دزفول، اندیمشک و آبادان به پایان برده است.

سال ۵۱ در رشته طبیعی از دبیرستان مولوی اندیمشک دیپلم گرفت و بعد از آن در بخش محروم و غریب پشتاگرد معلم شد و پس از دوره تعلیم دبیری در آبادان معلم ادبیات مدارس اندیمشک شد سال‌ها در ولایتش القیا تدریس کرد و پس از یک دهه تدریس عازم شهرستان کرج شد و تا سال ۸۰ مدرس ادبیات فارسی در این شهرستان بود و همین سال از فعالیت هم بازنشسته شد سال ۶۲ مجموعه‌ای از شعرهایش مزامیر گلان، با مقدمه شمس آل احمد توسط نشر روانق روانه بازار شد و بعد از تغییراتی در حوزه هنری، یکی از هنرمندان شهرستانی بود که در این محیط هنری شروع به کار هنری کرد. سال ۶۵ مجموعه شعر نلوامه در عطلتی چاپ شد که سال ۶۶ این کتاب تجدید چاپ شد. سال ۶۸ دفتر دیگری از کارهایش به نام ترانه آب روانه بازار شد و پس از آن یک کار تحقیقی پیرامون حضرت امیر(ع) در قالب رباعی چاپ کرد و بعد از آن در همین سال دفتری از شاعران بعد از مشروطه به نام آواز سبز ایل چاپ کرد. سال ۷۲ مراثی شاعران امروز را پیرامون نویسنده مبارز جلال آل احمد به نام چکامه زخم چاپ کرد و پس از سال‌ها تحقیق و مطالعه پیرامون عبدالقادر بیدل دهلوی کلیات ۳ جلدی بیدل را با همکاری دکتر عباسی روانه بازار کرد که سال ۷۶ بود و در همین سال نگار دانش را چاپ کرد.

سال ۸۰ مجموعه گزیده نیستانش روانه بازار شد و در همین سال کلیات محتشم کاشانی و غزلیات بیدل را توسط نشر نگاه روانه بازار کرد.

تصحیح ترکیب بند محتشم کاشانی به نام یک جرعه شیون توسط نشر نادی چاپ شد و همین ناشر دیوان حافظ را به تصحیح بهداروند در سال ۸۰ به بازار فرستاد.

سال ۸۱ گلستان سعدی را با تصحیح و مقدمه چاپ کرد. سال ۸۲ کلیات محتشم کاشانی نیز تجدید چاپ شد و در سال ۸۲ کلیات اقبال لاهوری توسط نشر زوار روانه بازار شد و در همین سال نثرهای بیدل دهلوی توسط نشر نیستان چاپ شد. بیشک بهداروند از پژوهشگران گمنام و بدون ادعاست در سبک هندی التخصوصی روی آثار عبدالقادر بیدل دهلوی کار کرد و حاصل این پژوهش کلیات ۳ جلدی و یک جلد غزلیات بیدل و یک جلد نثرهای بیدل دهلوی است. بهداروند به شعر امروز و دیروز کاملاً آشناست و از سال ۱۳۳۷ تا به حال به‌طور مستمر با مطبوعات در زمینه‌های مختلف ادبی همکاری دارد و سال‌هاست که از اعضای سردبیری کیهان فرهنگی است.

بهداروند این آثار را زیر چاپ دارد:

کلیات: آتش اصفهانی، طبیب اصفهانی، عصمت بخارایی، سحابی استرآبادی، جامی ناصر علی سرهندی، ظهور ترشیزی و تذکره طور معنی را به اتفاق دکتر رئیس احمد نعمانی سرپرست واحد تحقیقات دانشگاه علیگر هندوستان زیر چاپ دارد.

بهداروند سه دفتر از کارهایش را در دست چاپ دارد: از بارِ شبنم، شهربانو و خاکسترهای سرد، اندیمشک و خنیاگر قدیمی.

بهداروند امسال به‌عنوان بهترین پیشکسوت پرکار ادبی انتخاب شد که مورد تقدیر مسؤولان قرار گرفت. بهداروند جنوبی است و از تبار ایل بزرگ بختیاری و دارای صدایی دلنشین و خوش است.

کتاب هفته

صاحب امتیاز:
خانه کتاب ایران

مدیر مسؤول: احمد مسجد جامعی
سردبیر: علی اصغر رمضانپور

امور فنی: گلبرگ گرافیک
لیتوگرافی وچاپ: ایرانچاپ
نشانی: خیابان قائم مقام فراهانی اول فجر (جم)، شماره ۹، طبقه دوم
صندوق پستی: ۳۱۳-۱۳۱۴۵
تلفن: ۸۸۴۰۱۹۹، ۸۳۱۸۶۵۴
نشانی اینترنتی:
http://www.ketabehafteh.com

دکترابوالقاسم اسماعیل پور:
محقق و مترجم

اخیراً کتاب «درخت درون» را ترجمه کردم که گزیده‌ای از اشعار اوکتاویو پاز است و نشر اسطوره آن را منتشر کرده است. الان هم «اسطوره آفرینش در آئین مانی» را فراراست انتشارات کاروان تجدید چاپ کند. این کتاب تألیفی است و در حقیقت پژوهشی است در مورد ریشه‌های مانوی و بازسازی اسطوره آفرینش که براساس متون مختلف پهلوی اشکانی و زبان‌های قبطی فراهم آمده است. یعنی متن‌های پراکنده‌ای که راجع به اسطوره آفرینش بوده که آنها را گردآوری و بازآفرینی کرده‌ام. راجع به کتاب «ادبیات مانوی» هم که اطلاع دارید، سال‌هاست منتظر چاپ و انتشار آن هستم و به احتمال زیاد تا تابستان امسال به بازار می‌آید.

«ادبیات مانوی» با همکاری مرحوم مهرداد بهار تألیف شده بود. این کتاب در حدود هفتصد صفحه شامل نوشته‌های مانی و پیروان و شاگردان مانی است. یعنی مربوط به دوران ساسانیان در قرن سوم میلادی است. بخشی از این آثار در زمان مانی نوشته شده و بخشی هم بعد از مانی. مثل مار آمو و مار اُتا که دو تن از شاگردان شاخص مانی بودند. «البته مار در مانویت به معنای مولا و سرور بود) یکی مبلغ مانویت در شرق خراسان و آسیای مرکزی بود و دیگری هم مبلغ مانویت در غرب و امپراتوری روم شرقی و بیزانس بود و حتی خواهر زن قیصر روم را به کیش مانویت درآوردند. این نوشته‌ها را من و بهار مستقیماً از زبان پهلوی ساسانی به زبان فارسی امروز ترجمه کردیم و حدود سیصد صفحه هم تحلیل کردیم و ریشه‌های فرهنگی، ادبی و دینی اش را توضیح دادیم. ضمن این که کتاب مزین به پنجاه صفحه میناتور مانوی است که از ژاپن تهیه کردیم که البته اصل میناتورها در چین موجود است و در ژاپن چاپ شده است.

غیر از متن، تصاویرش هم ارزش هنری و تاریخی دارند. چون قدیمی‌ترین نمونه‌های مینیاتور اصیل ایرانی برای اولین بار در این کتاب چاپ می‌شود. البته به‌صورت بسیار نفیس و رنگی و روی کاغذ گلاسه. این کتاب را نشر کارنامه چاپ می‌کند. یک مجموعه کامل از اشعار اوکتاویو پاز را هم ترجمه کردم که قرار است در هزار صفحه و در یک مجلد چاپ و منتشر شود. این کتاب مجوز چاپ گرفته و توسط نشر اسطوره بزودی منتشر می‌شود. با چاپ این کتاب نظریاً همه آثار شعری پاز در ایران ترجمه و منتشر می‌شود. غیر از این هم مشغول کار دیگری هستم که مقداری زمان می‌برد.

الان «دایرةالمعارف اساطیر جهان» است که ترجمه‌اش حدود هفتاد درصد پیش رفته است. نویسنده این کتاب رکس وارنر است و دایرةالمعارفی مفصل و مصور است. یعنی همه کشورهای جهان اسطوره‌هایشان به‌صورت مصور توضیح داده می‌شود و قطع این کتاب هم، قطع بزرگ و بریتانیکایی است. برای چاپ آن هم صحبتش با سازمان میراث فرهنگی شده ولی هنوز قراردادی بسته نشده است.

راضیه تجار: نویسنده

من یک کتاب دارم به نام «جای خالی آفتابگردان‌ها» که در ارتباط با جنگ است و شخصیت محوری‌اش هم در همه این داستان‌ها زن است. این کتاب مجموعه داستان است. در واقع آمدم تمام داستان‌های کوتاهی که راجع به جنگ داشتم و طی سال‌ها نوشته بودم به همراه چند داستان جدید در یک مجلد فراهم آوردم و به انتشارات خورشید باران سپردم تا منتشر کند.

کتاب دیگری به اسم «آرام، شب بخیر» دارم که انتشارات سوره هم منتشر می‌کند. این مجموعه، داستان‌های کوتاه سال‌های اخیر من است که باز هم شخصیت اصلی همه این داستان‌ها زن است و درونمایه این داستان‌ها تنهایی زن و مسائل و مصائب زن‌هاست.

این مجموعه حدود سیزده داستان است. من فکر می‌کنم شاید این دو کتاب همزمان به بازار بیایند. شاید هم «آرام، شب بخیر» چند روزی زودتر راهی کتابفروشی‌ها بشود. غیر از این آثار، رمان «کوچه اقاقی‌ها» هم که حدود پنج- شش سال پیش چاپ شده و در همان سال نایاب شده بود، خوشبختانه توانستم به ناشر بقبولانم که چاپ دوم آن را منتشر کند که بزودی انتشارات سوره مهر آن را منتشر خواهد کرد.

زهرا تابشیان: نویسنده و مترجم

اینکه می‌گویند مدت‌هاست کار جدیدی از من در بازار کتاب نمی‌بینید به این علت است که دو تا کتاب من سال‌هاست که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مانده و اجازه انتشار نمی‌گیرد. یکی اش ترجمه‌ای از رمان سامرست موام بود به نام «خوشی‌های زندگی» و دیگری هم رمانی تألیفی بود به اسم «از عشق مردن». رمان «از عشق مردن» را گفتند باید بیست صفحه اول را حذف کنید چون شخصیتی روحانی در داستان حضور دارد که پسرش مرتکب خلاف شده بود. این رمان بیش از دو سال است که توسط ناشرش -انتشارات علمی- تحویل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شده است و همچنان مانده است. اما ترجمه «خوشی‌های زندگی» اثر سامرست موام را قرار بود نشر امتداد منتشر کند که حدود ده ماه است که مجوز چاپ نگرفته است. یک رمان فنتزی هم هست اما به هر حال هر رمانی لابه‌لای روایت، مواردی دارد که به مذاق برخی خوش نمی‌آید. اما این آثار جزو ادبیات کلاسیک جهان است نمی‌شود که آن را تغییر داد. البته این رمان مسائلی هم به آن صورت ندارد که خلاف عرف و اخلاق جامعه باشد. من می‌دانم اگر مثلاً بیست صفحه از شروع رمان «از عشق مردن» را حذف کنم، ساختمان رمان از هم می‌پاشد. در مورد رمان «خوشی‌های زندگی» هم به نظرم غیر مجاز اعلام شد وقتی نگفتند کجا را باید اصلاح کرد. ناشر هم نامه نوشت و پیگیر شد اما ظاهراً جواب ندادند. موضوع این رمان داستان زندگی یک نویسنده است و طنز بسیار جالبی هم دارد. این نویسنده همسر زیبایی دارد که کمی سر به هواست و از زندگی نویسنده

دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور

محمدرضا پارسایار

خارج می‌شود. گویا با چاپ این رمان کانون گرم خانواده مورد تهدید واقع می‌شود. غیر از اینها چند داستان کوتاه در مجلات ادبی چاپ کردم و تصمیم دارم مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاهم را جمع آوری کنم تا در قالب کتابی منتشر شود. غیر از این هم ناشری یک رمان دیگر از سامرست موام به من داد که ترجمه کنم. ترجمه این رمان را تازه شروع کرده‌ام.

یک رمان هم که خیلی وقت پیش نوشته بودم مشغول بازنگری و بازنویسی‌اش هستم. این رمان یک اثر علمی- تخیلی است و در جهت حمایت از حفظ محیط زیست است. اسم این رمان را «بازگشت» گذاشتم و شاید تحویل نشر دشتستان بدهم. از بین آثارم منتشر نشده دلم می‌خواهد این کتاب را خیلی فوری منتشر کنم.

محمدرضا پارسایار: مترجم

من اخیراً یک کتاب شعر دوزبانه از پل الوار شاعر بزرگ فرانسوی ترجمه کرده‌ام که نشر هرمس با همکاری مرکز بین المللی گفت وگوی تمدن‌ها منتشر کرده است. اسم این کتاب «تنهایی جهان» است. می‌دانید که مدت‌ها بود به فکر ترجمه اشعار الوار بودم چون نسلی متولد شده‌اند که به الوار علاقه‌مندند و دوست دارند شعرهایش را بخوانند. شعرهای الوار هم جنبه ملی دارد، هم جنبه انقلابی و هم اینکه عاشقانه است. اخیراً بسیاری از جوانان به سوررئالیسم علاقه‌مند شدند و الوار هم یکی از بزرگ‌ترین شاعران سوررئالیست فرانسه و جهان است. قبلاً دکتر غیاثی ۲۹ شعر از الوار ترجمه کرده بود و بعد ترجمه‌های پراکنده‌ای هم از شعرهای الوار بود. کتاب «تنهایی جهان» حدود ۹۰ قطعه از شعرهای این شاعر است و در انتخاب شعرها هم روند خاصی را مدنظر داشتم، یعنی از شعرهای عاشقانه شروع می‌شود و بعد به تدریج اشعار انقلابی شاعر آمده؛ هرچند اشعار انقلابی‌اش هم به نوعی عاشقانه است. در پایان هم اشعاری را که مربوط به زندگی و مرگ می‌شود، می‌خوانید.

غیر از این اشعار فیلیپ ژاکوته را دارم که تا به حال هیچ شعری از این شاعر به فارسی ترجمه نشده بود. لااقل من ندیدم و نخواندم. این شاعر سوئیسی الاصل است و در فرانسه مقیم شده. چون فرانسوی زبان است،

زهرا تابشیان

راضیه تجار

فرانسوی‌ها او را شاعر فرانسوی به شمار می‌آورند. من از این شاعر حدود ۵۵ شعر انتخاب و ترجمه کرده‌ام و این اشعار اغلب سوررئالیستی است و مفاهیم بسیار عمیق و درونی دارد. در کل این شعرها بسیار دشوار است. زبان این شعرها هم زبان خاصی است و در بسیاری از شعرها نحو زبان به هم می‌ریزد. این کتاب را انتشارات کتاب خورشید به‌صورت دوزبانه منتشر می‌کند و نام آن را «وهم سبز» انتخاب کرده‌ام. شرح کتاب، بعدی من «اشعار آرتور رمبو» خواهد بود که آن را هنوز به ناشری نداده‌ام و پیش‌بینی هم نمی‌توانم بکنم که کدام ناشر آن را منتشر خواهد کرد ولی این کتاب هم دوزبانه است. من در این کتاب حدود ۴۰ قطعه از اشعار رمبو را ترجمه کرده‌ام. البته از رمبو قبل از انقلاب یک مجموعه شعر به اسم «اشراق‌ها» با ترجمه یزدان الهی منتشر شد که دیگر تجدید چاپ هم نشد. من هم متأسفانه نسخه‌ای از این کتاب در دست ندارم. من وقتی اشعار شاعری را ترجمه می‌کنم ابتدا همه اشعارش را می‌خوانم و بعد گزینش می‌کنم. در انتخاب شعرهای رمبو من از همه کتاب‌هایش چند شعر ترجمه کرده‌ام و به اسم «زوری مست» چاپ می‌کنم. در ضمن اشعار پل ورلن را هم کار کرده‌ام البته در میانه راه هستم و به همین خاطر هنوز نامی برایش انتخاب نکرده‌ام و معلوم نیست به کدام ناشر بسپارم. آخرین کتاب من «فرهنگ فارسی- فرانسه» است که مشغول کار روی آن هستم و نشر فرهنگ معاصر آن را چاپ می‌کند.

دکتر محمد اسماعیل فلزی: مترجم

من در حال حاضر یک رمان از ناباکف ترجمه کردم به نام «خنده در تاریکی» که متجاوز از چند ماه است که در مرحله گرفتن اخذ مجوز چاپ است. موارد زیادی از رمان ایراد گرفتند که حالا باید از خط قرمز عبور نکنیم و آن موارد را اصلاح کنیم. جز این کتاب یک کتاب هم در زمینه «طب فرعی» ترجمه کردم که آن هم دست ناشر است. متأسفانه در ایران کار چاپ کتاب کند و آهسته صورت می‌پذیرد و مشکلات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم مزید بر علت است. راجع به رمان ناباکف باید بگویم که مشهورترین اثرش «لولیتا» است. البته خود نویسنده، رمان «آداه» یا آتش بی‌رنگ را بیشتر می‌پسندید و آن را به عنوان رمان برجسته خودش همیشه نام می‌برد. رمان «خنده در تاریکی» از نظر طرح و توطئه شباهت بسیاری به رمان لولیتا دارد که در سال ۱۹۵۶ یعنی با اختلافی قریب ۲۰ سال نوشته شده است و می‌شود «خنده در تاریکی» را یک پیش طرح برای رمان لولیتا هم به شمار آورد. از نظر پی بردن به اینکه ذهن یک نویسنده خلاق از چه مسیرهایی عبور می‌کند تا به آن انسجام و اوج خلاقیت خودش برسد. در عین حال این رمان با اوضاع و احوال فعلی جامعه ما و رویدادهایش مشابهت‌ها و مناسبت‌هایی هم دارد. از طرف دیگر رمانی خواندنی است که دارای طرح و توطئه پیچیده و جذاب و شکلی پلیسی هم دارد. این رمان در اصل به زبان روسی نوشته شده بود. بعد توسط خود ناباکف و پسرش دیمیتری به انگلیسی برگردانده شد. متن انگلیسی را به قلم ناباکف برای ترجمه انتخاب کردم. ناشر این رمان هم انتشارات هیرمند خواهد بود.

تازه‌ها

اسلام و حکمت خالده

فریتیوف شوآن کتابی با عنوان «اسلام و حکمت خالده» تألیف و منتشر کرده که فروزان راسخی آن را به فارسی برگردانده و نشر هرمس در تدارک چاپ آن است.

جان و روان

«جان، تن، روان» عنوان اثری از کیوان نجم‌آبادی است که بزودی توسط نشر چشمه منتشر خواهد شد.

نویسنده در این اثر تلاش می‌کند نشان دهد که چگونه واژه‌هایی که نزد نیاکان باستانی ما معنای دقیق و روشن خود را داشته، رفته رفته به جای یکدیگر نشسته و روشنی آغازین خود را از دست داده‌اند.

داستان‌های محبوب من

جلد سوم و چهارم «داستان‌های محبوب من» که در برگیرنده نقد و بررسی داستان کوتاه دهه شصت است، همچون مجلدات پیشین به کوشش علی اشرف درویشیان و رضا خندان مهابادی فراهم آمده و بزودی توسط نشر چشمه راهی بازار نشر خواهد شد.

داستان تولد بودا

«داستان تولد بودا» عنوان کتابی تحقیقی و پژوهشی به قلم بدرالزمان قریب است که نشر اساطیر در دست انتشار دارد.

نقد شعر امروز ایران

«نقد شعر امروز ایران» عنوان کتابی به قلم دکتر کریمی حکاک است که پیش از این به زبان انگلیسی در خارج از کشور چاپ و منتشر شده بود و اکنون با برگردان دکتر مسعود جعفری از سوی انتشارات مروارید در دست انتشار است.

کتاب هزاردستان

«کتاب هزاردستان» یا فرهنگ ترانه‌های ایرانی از عهد ناصری تا انقلاب اسلامی در سه مجلد شامل ۲۸۰۰ ترانه و تصنیف و نت ۵۰۰ ترانه مشهور و شرح حال یانصد نفر از چهره‌های معروف، همراه با چهارصد تصویر منحصر به فرد از خوانندگان و آهنگسازان و ترانه‌سرایان قبل از انقلاب با گردآوری علیرضا رضایی و حمید اسفندیاری نیا از سوی انتشارات کتاب مهر بزودی منتشر می‌شود. مقدمه، شرح احوال و حواشی این مجموعه به قلم سیدعلیرضا میرعلی‌نقی خواهد بود.

خورشیدی تابید

«آن گاه که خورشید می‌تابید» عنوان اثری از ژوزف عالیا است که فرشته طاهری آن را به فارسی برگردانده و مؤسسه نشر و پژوهش فرزان روز آن را در دست چاپ و انتشار دارد.

تفسیر چهل شعر برتر

محمد حقوقی شاعر و منتقد برجسته شعر مدرن ایران، کتابی با عنوان «تفسیر چهل شعر برتر» را توسط نشر قطره در آستانه انتشار دارد. حقوقی در این کتاب چهل قطعه شعر برتر را در طول هفتاد سال شعر نو انتخاب کرده و به نقد و تفسیر آن نشسته است و در حواشی آن به اشعار موفق شاعران نسل امروز نیز می‌پردازد.

منشأ خانواده

«منشأ خانواده» یکی از مهمترین کتاب‌های فریدریش انگلس در حوزه علوم اجتماعی است که با ترجمه خسرو پارسا از سوی نشر دیگر بزودی چاپ و منتشر می‌شود.

شرم

«شرم» و «لبخند یک شب تابستانی» عنوان دو فیلمنامه از اینگمار برگمن است که با برگردان رضا صراف در یک کتاب توسط نشر دیگر بزودی چاپ و منتشر می‌شود.

زبان موج

«زبان موج» جدیدترین کتاب محمدرضا پورجعفری است که انتشارات ایبکار نو آن را زیر چاپ دارد. آخرین کتاب پورجعفری «تورهای خالی» بود که توسط همین ناشر به بازار آمده بود.

پروست و من

«پروست و من» عنوان کتابی است که احمد اخوت آن را تألیف و ترجمه کرده و این کتاب را نشر افق در دست چاپ دارد. نشر افق همچنین کتاب «پاگرد» از محمدحسن شهسواری را در دست انتشار دارد.

لی‌لی‌بازی

«لی‌لی‌بازی» عنوان اثری از گونتر گراس نویسنده آلمانی و برنده نوبل ادبی است که عباس پژمان آن را به فارسی برگردانده و نشر افق در تدارک انتشار آن است.

جلد چهارم داستان کوتاه

جلد چهارم از مجموعه «داستان کوتاه» که توسط انتشارات حکایت قلم نوین به اهتمام جواد فعال علوی منتشر خواهد شد، شامل داستان‌هایی از ساعدی، خاکسار، شهلا شقیق، سیروس سیف، اورول، مورایا، شاو و... است. در بخش ادبیات کلاسیک هم آثاری از تولستوی، لسکوف، چیوک و... را می‌خوانید.

ستاره‌شناسی تمدن‌ها

«ستاره‌شناسی تمدن‌های کهن» تألیف یاسمین نیک‌سرشت نام کتابی است که نشر نوید شیراز در دست انتشار دارد. «راه شیراز» کتاب دیگری به قلم رضا مرادی غیاث‌آبادی است که همین ناشر بزودی منتشر می‌کند.

کات‌ها

«کات‌ها» یا سرودهای زرتشت عنوان کتابی از دکتر آئتین ساسانفر استاد دانشگاههای فرانسه است که بر مبنای گزارشات دستوری و زبانشناسی همراه با متن اوستایی (دین دبیره) و مقدمه پروفسور و اوستاشناس مشهور فرانسوی دوشن گیمن از سوی انتشارات بهجت بزودی چاپ و منتشر می‌شود.